

گاهنامه «برابری» شماره یک

نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

زمستان ۱۴۰۲



مقاومت و مبارزات پیگیر مدنی، اجتماعی و سیاسی زنان در ایران

در این شماره می‌خوانید:

- زنان در همه جا عاملان اصلی مبارزه در راه رهایی هستند! دکتر نیره انصاری
- مقاومت مدنی در مبارزات زنان ایران! مصاحبه با شش زن در ایران
- خشونت خانگی و راه های پیشگیری آن - دکتر رضوان مقدم
- چرا در تشکلهای موجود سیاسی، زنان حضور فعال ندارند؟
- توانمند سازی زنان
- تاثیر جنبش اعتراضی زن، زندگی، آزادی در مبارزات زنان ایران - مصاحبه با ۱۶ زن در ایران
- و ...

گاهنامه‌ی «برابری» شماره یک، پاییز - زمستان ۱۴۰۲

موضوع این شماره: مقاومت و مبارزات پیگیر اجتماعی، مدنی و سیاسی زنان در ایران

گاهنامه‌ی «برابری» نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، زیر نظر شورای سردبیران: منیژه صبا، شهین حیدری، پروین عرفانی، شهره ایرانی، علی صمد

همکاران این شماره: دکتر نیره انصاری، دکتر رضوان مقدم، منیژه صبا، شهین حیدری، پروین عرفانی، شهره ایرانی، نسرين، بهار، ترانه، مهرنوش، ناهید، انا، سیمین، شهلا، هایده، منیژه، نازی، مرضیه، هاله، شهین، ثریا، مهناز، فریبا، خدیجه، مژگان، شراره، حمیده، مهرانگیز، سکینه، علی صمد

آدرس تماس با گاهنامه «برابری»: gahnamebarabari@gmail.com

فهرست مطالب

- یادداشت شورای سردبیران صفحه ۲ تا ۴
- مصاحبه شهین حیدری از نشریه برابری با دکتر نیره انصاری، حقوق دان، متخصص حقوق بین الملل، نویسنده و مدافع حقوق بشر صفحه ۵ تا ۲۱
- مصاحبه کوتاه شهره ایرانی با شش زن ساکن تهران در مورد فعالیت های مدنی و زنان صفحه ۲۱ تا ۲۶
- خشونت خانگی و راه های پیشگیری از آن - دکتر رضوان مقدم صفحه ۲۷ تا ۲۹
- چرا در تشکل‌های موجود سیاسی، زنان حضور فعال ندارند؟ مصاحبه منیژه صبا با نسرين فعال حقوق زنان در ایران صفحه ۳۰
- توانمندسازی زنان - سیلش سینالا - ترجمه پروین عرفانی صفحه ۳۱ تا ۳۴
- مصاحبه کوتاه منیژه صبا با ۱۶ زن ساکن ایران از سنین ۱۹ تا ۷۰ سال در باره جنبش زن، زندگی، آزادی صفحه ۳۵ تا ۵۳
- زنان و دختران جوان در مبارزات اجتماعی و سیاسی ایران - علی صمد صفحه ۵۴ تا ۵۹

گاهنامه «برابری» صدایی برای پژواک مبارزات زنان در ایران!



سلام بر زنان

جنبش دموکراتیک زن، زندگی، آزادی در شهریور ۱۴۰۱ در ایران متولد شد. خواسته های اولیه این جنبش آزادی، عدالت، برابری و رفع هر گونه تبعیض و ستم، مقابله با حجاب اجباری و علیه دیکتاتوری و استبداد بود. شعار و نام اصلی این جنبش، زن، زندگی، آزادی است. از ویژگی ها و نقاط پر قوت این جنبش می توان از ماهیت عمیقا غیردینی، کاملا سکولار و خشونت پرهیز آن نام برد. در واقع این جنبش عمیقا سکولار دموکرات و ضد تبعیض و ضد اتوریته است و نیروهای تشکیل دهنده اش زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، روشنفکران، اقلیت های متنوع در کشور و مشخصا مردم مناطق مختلف اتنیک و ... می باشند.

مهمترین نقطه قوت جنبش زن، زندگی، آزادی در بیش از یک سال گذشته نقش گسترده، پررنگ و برجسته زنان در آن است. زنان بعنوان جدی ترین کنشگران اجتماعی برابری خواه، ضد تبعیض، و مسالمت جو در جامعه محسوب می شوند که در دفاع از آزادی های مدنی، سیاسی، حقوق بشری و استقرار دموکراسی در کشور حضور و فعالیت موثر و فعال دارند. شجاعت، از خود گذشتگی و تلاش پیگیر و مستمر برای دستیابی به خواست های انسانی و برابری خواهانه ویژگی خاصی را به مبارزه زنان میهنان در جنبش زن، زندگی، آزادی داده است.

در بیش از یکسال گذشته جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون با توسل به سرکوب و تهدیدات گسترده و انواع محرومیت ها به دنبال خاموش کردن همه جانبه صدای جنبش زن، زندگی، آزادی و نیروهای تشکیل دهنده اش زنان، دانشجویان و اتنیکها بوده است. در هفته ها و ماه های اخیر فعالین اجتماعی و مدنی بطور سیستماتیک تحت پیگرد و محکومیت های ناعادلانه زندان قرار گرفته اند.

حکومت اسلامی، امروز در سراسر کشور بیش از گذشته با بحران رو به افزایش مشروعیت روبروست و در برابر کنشگری سیاسی مردم بیش از پیش احساس ترس و وحشت می کند. در این ارتباط چاره را در ایجاد رُعب و هراس و درهم شکستن کنشگری مردم می داند و برای اینکار از حربه بازداشت، آزار و اذیت، زندان و اعدام استفاده میکند. ظرف چند ماه گذشته دهها فعال زن بازداشت شده اند و این موج از دستگیری ها نشانگر تشدید سرکوب دولتی علیه جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» است. در این راستا در این یکسال و اندی گذشته هزینه های سیاسی و اجتماعی علیه فعالین مدنی و اجتماعی بشدت افزایش یافته است. اما با این وجود، مقاومت ها در برابر سرکوب همچنان پرشکوه ادامه دارد. در این ارتباط مبارزه زنان و دختران جوان در مقابل حجاب اجباری از جلوه های زیبا و بیاد ماندنی این مقاومت مدنی است.

از شروع جنبش «زن، زندگی، آزادی» تا امروز، گروه های مختلف زنان در داخل و خارج از کشور اقدامات مهمی را برای آگاه سازی، تشکل یابی، سازمان دهی و فهرست کردن مطالبات زنان انجام داده اند. مبارزات میدانی و جهانی ایرانیان خارج از کشور و حضور پر دامنه زنان در دفاع از جنبش ژینا(مهسا) امینی موجب تحسین و پشتیبانی جهانی شده است. این مبارزات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ضربات اساسی به حکومت، اعتبار و اقتدار آن زده و بدین ترتیب بیشتر از گذشته ماهیت سرکوبگرانه و دیکتاتوری مآبانه جمهوری اسلامی را به مردم ایران و افکار عمومی جهان آشکار کرده است.

می توان با جرأت و قدرت ادعان کرد که مبارزات فعالین جنبش زن، زندگی، آزادی و بویژه زنان در میدان مبارزه به حکومت نشان میدهد که دیگر بازگشت به قبل از دوران جنبش زن، زندگی، آزادی امکان پذیر نیست.

ما بر این اعتقادیم که در جهان امروز حقوق زنان همان حقوق بشر است و همه انسان ها به لحاظ اینکه انسانند دارای کرامت و حقوقند. ما زنان برای جهانی توسعه یافته، بهتر و انسانی تر مبارزه می کنیم. جهانی که در آن امنیت، حقوق و اخلاق فارغ از خشونت، تبعیض و نابرابری، ستم و استبداد وجود داشته باشد؛ جهانی سرشار از دادگری، صلح، آزادی و تولرانس. ما برای تامین چنین جهانی برای همه بشریت مبارزه می کنیم.

ما در این مبارزه همراه مردم ایران و مبارزانشان هستیم و به صورت همه جانبه از مبارزات داخل کشور و از فعالیت های مدنی و اجتماعی فعالین سیاسی و صنفی در زمینه های مختلف پشتیبانی می کنیم. ما بر این اعتقادیم که زنان تا کنون با اتکا به خود توانسته اند در حوزه های مختلفی رشد قابل توجهی داشته باشند ولی هنوز بی عدالتی، نابرابری و تبعیض به جای خود باقی هستند؛ برای این منظور توجه به مسائل زنان و حقوق آنان و نقد و بررسی قوانین حکومت اسلامی ایران از طریق اطلاع رسانی، نقد و آموزش به زنان و دیگر بخش های جامعه بسیار دارای اهمیت است.

به نظر ما، نشریات زنان در میان جامعه ایرانی هنوز تعدادشان کم می باشند و حضورشان هم در جامعه کم رنگ است. هر چه نشریه در مورد زنان و مسائل مربوط به آنها چاپ شود، باز هم کم است. در این ارتباط حضور یک نشریه زنانه دیگر در میان نشریات خاص زنان بسیار دارای اهمیت است. زیرا نشریه می تواند حداقل یک پل ارتباطی قوی و مهم با مخاطبین خود داشته باشد. ما در این ارتباط تصمیم گرفتیم علاوه بر فعالیت های سیاسی که در چارچوب جمهوریخواهی و دفاع از حقوق زنان انجام می دهیم یک نشریه دیجیتالی که به مسائل زنان بپردازد نیز منتشر کنیم. نام آنرا "برابری" انتخاب کردیم. زیرا این نام با مبارزات تاریخی و خواسته های برابر خواهانه امروزی زنان رابطه مستقیم دارد. همان طور که از نام نشریه استنباط می شود توجه به حقوق زنان و مبارزات برابری خواهانه آنان مرکز و اساس فعالیت ما خواهد بود. این نشریه در شروع بصورت گاهنامه انتشار پیدا خواهد کرد. در ادامه امیدواریم بتوانیم پرلود انتشار نشریه را با کمک، همکاری و همفکری فعالین حوزه زنان تغییر دهیم.

برای ما حضور زنان در جامعه و مطالبات آنها برای کسب حقوق اجتماعی و سیاسی بسیار دارای اهمیت است. و برای این منظور از تولیدات فکری و آگاهی بخش زنان فعال در تمام عرصه های سیاسی اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد تحرک در اندیشه و فعالیت زن ایرانی استفاده خواهیم کرد.

در این شماره نشریه «برابری» شهین حیدری از اعضای شورای سردبیران «برابری»، مصاحبه ای را با خانم دکتر نیره انصاری، حقوق دان، متخصص حقوق بین الملل، نویسنده و مدافع حقوق بشر ترتیب داده است. برای کسب اطلاع از مبارزات مدنی زنان در ایران، شهره ایرانی با برخی از زنان از سنین مختلف ساکن تهران مصاحبه های کوتاهی انجام داده است. در ارتباط با خشونت خانگی و راه های پیشگیری از آن برای این شماره دکتر رضوان مقدم مقاله ای تهیه کرده است. در ادامه مصاحبه ای را همکار نشریه منیژه صبا با خانم نسرين فعال حقوق زنان در ایران در مورد چرا در تشکلهای موجود سیاسی، زنان حضور فعال ندارند؟ انجام داده است که قابل توجه است؛ همچنین منیژه صبا با ۱۶ زن در ایران مصاحبه های کوتاه در ارتباط با تأثیرات جنبش «زن، زندگی، آزادی» در افکار و زندگی آنها انجام داده است که خواندنی است. در آخر علی صمد دیگر همکار نشریه در مقاله ای به تحلیل وضعیت زنان و دختران جوان در مبارزات اجتماعی و سیاسی ایران پرداخته است.

شورای سردبیران نشریه «برابری»
ژانویه ۲۰۲۴



• زنان در همه جا عاملان اصلی مبارزه در راه رهایی هستند!



مصاحبه شهین حیدری از نشریه برابری با خانم دکتر نیره انصاری، حقوق دان، متخصص حقوق بین الملل، نویسنده و مدافع حقوق بشر

- در تعریف خشونت چه مولفه هایی برای شما دارای اهمیت اند؟ برای اینکه رفتاری را مصداق خشونت تلقی کنید، چه چیزهایی را در تعریف آن دخالت می دهید؟

نیره انصاری: خشونت / Violence، استفاده از زور فیزیکی یا کلامی به منظور قرار دادن دیگران در وضعیتی بر خلاف میل آنها است. در تمامی جهان خشونت به عنوان ابزاری برای کنترل رفتار فردی و جمعی استفاده می شود و اساساً نوعی تلاش برای سرکوب و متوقف کردن اعتراضات در مقابل نگرانی های مربوط به اجرای قانون و فرهنگ در یک ناحیه خاص است. فراز خشونت حوزه گسترده ای را پوشش می دهد. خشونت می تواند از درگیری فیزیکی بین دو انسان تا جنگ و نسل کشی که کشته شدن میلیون ها نفر از نتایج آن است را شامل شود. شاخص صلح جهانی به روز شده در ژوئن ۲۰۱۰، ۱۴۹ کشور را براساس معیار «عدم خشونت» طبقه بندی کرده است. و یا بنابر تعریفی دیگر خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی یا غیرفیزیکی یا کلامی، فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل کند. خشونت ممکن است در اثر خشم، رخ دهد. خشونت در زبان فارسی، از نظر لغوی به معنای خشکی، تندی و سختی است.

هرگونه رفتاری که با هدف وارد نمودن آسیب به یک یا بیش از یک پدیده صورت گیرد رفتار خشونت آمیز است. رفتار خشونت آمیز می تواند در سطح آگاهانه یا ناآگاهانه روی دهد. خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که مانند جنایت بر پایه بیزاری، برای وصف کلی کارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود. این شکل از خشونت علیه گروه خاصی از مردم اعمال می شود و جنسیت قربانی، پایه اصلی خشونت است.

کنوانسیون منع همه اشکال خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۷۹، در نظریه های ۱۲ و ۱۹، خشونت را به عنوان تبعیض علیه زنان به شمار می آورد. کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ خشونت علیه زنان را به عنوان نقض حقوق بشر شناخت و آنرا به کنوانسیون سازمان ملل ارائه داد. اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳، نخستین ابزار بین المللی بود که به خشونت علیه زنان پرداخت. این سند به طور ویژه به ماهیت اختلاف جنسی، تاریخی و همیشگی برای فهم خشونت علیه زنان اشاره می کند. در کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه در سال ۱۹۹۴، خشونت علیه زنان با بهداشت، حقوق تولید مثل، و تهیه توصیه ها به دولت ها برای جلوگیری و همچنین رسیدگی به خشونت علیه زنان و دختران ارتباط داده شد.

در سال ۱۹۹۶، مجمع جهانی بهداشت، خشونت را یک موضوع اصلی بهداشت عمومی خواند و در زیر مجموعه ها خشونت و خشونت جنسی دو موضوع نزدیک بهم هستند، دو نوع خشونت که معمولاً علیه زنان اعمال می شوند. این موضوع در سال ۲۰۰۲ با یک گزارش مجمع جهانی بهداشت دنبال شد.

در سال ۱۹۹۹، سازمان ملل متحد پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف همه انواع تبعیض علیه زنان را تصویب کرد و ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی رفع خشونت علیه زنان تعیین کرد. در سال ۲۰۰۲ و در ادامه بیانیه ۱۹۹۶ مجمع جهانی بهداشت در مورد خشونت یک مورد بهداشت عام، سازمان جهانی بهداشت اولین گزارش جهانی در مورد خشونت و بهداشت را صادر کرد که انواع متعددی از خشونت و تأثیر آن بر بهداشت عام را بررسی می کرد. این شامل خشونت های که زنان را بشدت تحت تأثیر قرار می داد، شد.

«مطالعات جامع درباره هر نوع خشونت علیه زنان» از دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، نخستین سند همه جانبه در این خصوص است.

کنوانسیون منع و مبارزه با خشونت علیه زنان و علیه خشونت خانگی سال ۲۰۱۱ شورای اروپا که دومین ابزار قانونی محلی خشونت علیه زنان و دختران می‌باشد.

در سال ۲۰۱۳ کمیسیون مقام زن ملل متحد که در اجماع پذیرفته شد بر حذف و منع تمامی انواع خشونت علیه زنان و دختران به توافق رسید. که پیش از آن چنین توافقی وجود نداشت.

در سال ۲۰۱۳، همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نخستین قطعنامه فراخوان به حمایت از افراد فعال حقوق بشر زنان را تصویب کرد. این قطعنامه دولت‌ها را به برقراری قوانین و شیوه کارهای حمایت از مدافعین حقوق زنان فرا می‌خواند. و اینکه وجود این مدافعین تحت این قوانین قرار گیرند.

ماده (۱) کنوانسیون منع همه اشکال خشونت علیه زنان، خشونت را اینگونه تعریف می‌کند: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان بشود» که این موارد شامل «تهدید به این کارها، اعمال اجبار، یا سلب مستبدانه آزادی (چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی)» می‌شود.

ماده (۲) این کنوانسیون مقرر می‌دارد که خشونت علیه زنان می‌بایست به طور جامعی تعبیر گردد که در بر گیرنده موارد زیر باشد اما محدود به این موارد نیز نگردد.

ج) خشونت جسمی، جنسی و روحی که دولت مرتکب می‌شود و آن خشونت‌ها را در هر جا که روی دهد مورد

اغماض قرار می‌دهند مانند: خشونت در زندان، خشونت در طی مخاصمات مسلحانه و خشونت علیه زنان پناهنده. جرایم جنسی طیف وسیعی از رفتارهای مجرمانه در بردارنده یک مولفه جنسی را در بر میگیرد. تجاوز، روسپیگری اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، بردگی جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی از مصادیق جرایم جنسی است که توسط اساسنامه رم در قالب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی موضوع مواد هفت و هشت اساسنامه جرم انگاری شده است. و یا اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مصوبه مجمع عمومی و قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مربوط به ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ بیان می‌کند: «که این خشونت ممکن است توسط افرادی از همان جنس، اشخاص عادی، اعضای خانواده‌ها و دولت‌ها اعمال شود، هر گونه رفتاری که با هدف آسیب رساندن به یک انسان و جاندار صورت گیرد رفتار خشونت‌آمیز فیزیکی نام می‌گیرد. ناسزاگویی و توهین، واکنش روانی است که فرد را از تعقل به احساس سوق داده و روند پایش درونی و روانشناسانه فرد را ناتوان ساخته و در چنین حالت فرد را از درماندگی در کلام به تنزل شخصیت و بی ارزش نشانیدن فرد دیگر جهت بخشیده و سپس سوژه را برای صدمه زدن به دیگری و حتا قتل آماده می‌سازد.

در ایران زنان در زندگی خود چهار شکل خشونت شامل فیزیکی، جنسی، روانی، اقتصادی را تجربه می‌کنند:

نخست: خشونت فیزیکی، شیوه‌های آزار و اذیت جسمانی، ضرب و جرح، کشیدن مو، سوزاندن، اسید پاشی و هل دادن را شامل می‌شود که این نوع خشونت برای همه زنان بدون توجه به نوع سن، تحصیلات، نژاد و وضعیت خانوادگی روی میدهد.

دوم: خشونت روانی را شامل رفتار قلدرانه برای تحقیر زن، تهدید به آزار و یا کشتن وی یا افراد خانواده اش، دشنام، استهزاء، ممنوعیت ملاقات با دوستان و زندانی کردن در منزل میباشد. در ایدئولوژی دینی حاکم زن همیشه "گناهکار" است و این امر نتیجه ای جز به حاشیه کشاندن زن ندارد. این نوع خشونت موجب بروز روحیه پوچی و یا خودنابودسازی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می‌شود.

سوم: خشونت اقتصادی بمعنای محرومیت اجباری اقتصادی زن است. حذف خرجی، سوءاستفاده مالی از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه او را از جمله موارد خشونت اقتصادی علیه زنان است. در ایران فقط ۱۳ درصد از زنان در بازار کار مشغول فعالیت شغلی میباشند، زیرا طبق قوانین موجود و اعتقادات دینی نقش زن بطور عمده در تولید مثل و پاسخگویی به نیازهای جنسی مرد خلاصه میشود همین عامل زمینه ای برای اعمال خشونت اقتصادی نسبت به آنان می‌شود بطوری که در برخی موارد زنان حتی حق دخل و تصرف در اموال خود را نیز ندارند.

چهارم: خشونت سکسی بیانگر تجاوز به زن است. استفاده قهرآمیز بدون رضایت زن، اجبار در روابط زناشویی غیرمتعارف، عدم اجازه استفاده از وسائل پیشگیری از حاملگی ناخواسته و بی توجهی به نیازهای جنسی زن را میتوان از نمونه‌های خشونت جنسی علیه زنان نام برد. تجارت و بهره برداری جنسی از زنان، فروش دختران جوان و نوجوان از سوی پدران فقیر به مراکز فساد و رونق بازار فیلمهای حاد سکسی به عنوان جنبه هائی از خشونت مدرن علیه زنان یاد باید کرد. بعلاوه رفتارهای کلامی، روانی و فیزیکی که منجر به آزار سکسی و جنسی زنان در محل کار میشود عبارتند از تعریف جُک‌های مستهجن، تعریف از زیبایی، تماس تلفنی آزار دهنده، متوقف شدن ارتقا شغلی و مزایای شغلی، تماس های بدنی بظاهر تصادفی ولی آگاهانه، تماس بدنی مثل بغل کردن و بوسیدن، اخراج و تجاوز.

زنانی که از جانب همسرانشان مورد خشونت قرار می گیرند پنج برابر بیشتر از سایر زنان در معرض آسیبهای روانی و خطر خودکشی و شش برابر بیشتر در معرض اختلالات روانی قرار دارند. در خانواده هایی که اعتیاد به مواد مخدر و الکل، بیکاری و تنش وجود دارد، خشونت نیز بیشتر به چشم می خورد. مردانی که از کودکی در خانواده شاهد کتک خوردن زنان خانواده بوده اند در بزرگسالی بیشتر مرتکب خشونت علیه همسران خود می شوند. الگوهای پرخاشگری در جامعه ابعاد پرخاشگری و خشونت را عمیق تر می کنند. در جامعه ای که قدرت سیاسی و طبقات حاکم از اخلاق اجتماعی بی بهره هستند و دستگاه دولتی فاقد مشروعیت دموکراتیک است، بدآموزی ها آسانتر می باشد. ایران سرزمین اعدام و زورگونی است زیرا از روح دموکراسی دور بوده و خشونت ها در اعماق ذهن تاریخی جامعه نفوذ دارند. این خشونت از تاریخ استبدادی و شاهان و روحانیونی که به خونریزی خو کرده بودند و نیز از قوانین و دینی که دارای طبیعت استبدادی و تبعیض آمیز بوده و در نهایت از فساد و بیعدالتی موجود ناشی می شود.

در محیط خانوادگی خلع مالکیت و حذف فعالیت شغلی و قطع درآمد و انتقال دستمزد زن به حساب مرد و محروم شدن از چک و کارت اعتباری و پول روزمره و جلوگیری از استقلال اقتصادی زن، اشکال مختلف این سوء استفاده میباشد. زنانی که در خانواده از هرگونه درآمدی محروم هستند و مدام باید از همسر خود درخواست پول کرده و پیوسته با متلک و کنایه و نصیحت او مواجه بوده، در شرایط خشونت اقتصادی قرار داشته و هدف این فشار از جانب مرد شکستن روحیه استقلال و مقاومت زنانست. قدرت مرد در قدرت مالی است و این قدرت با کلمات قهرآمیز و استهزا نسبت به زن و اجرای تبعیض دینی مانند حکم ارث کامل میشود.



خشونت سیاسی

خشونت سیاسی بمعنای سوء استفاده از قدرت سیاسی و اعمال سلطه فردی و بکارگیری شیوه های خشونت بار مانند مداخله نظامی و تروریسم و کودتای نظامی و اعدام و قتل سیاسی و شکنجه و زندان و آزار روحی و تعرض تبلیغاتی و تصمیمات غیرعادلانه دستگاه قضائی است. این خشونت در دو شکل، یا بصورت خشونت جسمانی و بطور مستقیم بمنظور نابودی و صدمه زدن فیزیکی است یا بشکل سمبلیک بوده و با اعمال فشارهای روحی و روانی تجلی مییابد. در واقع خشونت سیاسی بکارگیری قهر و زور در نظام سیاسی بمنظور به اطاعت کشاندن افراد و خفه کردن اعتراض های اجتماعی میباشد. خشونت فیزیکی استفاده خودسرانه از قهر برای زخمی کردن یا نابود ساختن فیزیکی است. این خشونت بمعنای نفی حقوق افراد و ضربه زدن به حق حیات میباشد. حکومت اسلامی از ابتدای استقرارش تاکنون با خشونت سیاسی عجین بوده و این خشونت وجه مشخصه توتالیترسم مذهبی موجود میباشد. طبقه حاکم اعمال خشونت مستقیم را وسیله اصلی بقا و ادامه قدرت سیاسی خود میداند و برای او سانسور و شکنجه و زندان و اعدامهای مکرر مخالفان بعنوان تنها راه کنترل جامعه بشمار میاید.

همچنین هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی، روحی و رنج زنان شود را خشونت علیه زن میگویند. این خشونت می تواند با **تهدید**، **اجبار** یا **سلب اختیار** و آزادی، به صورت پنهان یا آشکار انجام شود.

به حیث اثرپذیری و اثرگذاری

از زاویه اثرپذیری و اثرگذاری می توان خشونت را به چند دسته تقسیم نمود:

- فاعل خشونت می ورزد اما این رفتار، از جانب مفعول خشونت تفسیر نمی شود، با این وجود مفعول از آن آسیب می بیند.
- فاعل خشونت می ورزد اما این رفتار، از جانب مفعول نه خشونت تفسیر می شود و نه مفعول از آن آسیب می بیند.
- فاعل خشونت می ورزد اما مفعول با این که آن را خشونت تفسیر می کند، از آن آسیبی نمی بیند.

- فاعل خشونت می‌ورزد و مفعول نیز آن را خشونت تفسیر می‌کند و از آن آسیب می‌بیند.
- فاعل خشونت نمی‌ورزد اما این رفتار از سوی مفعول خشونت تفسیر می‌شود.

از منظر شکل بروز

از نظر شکل بروز، رفتار خشونت‌آمیز را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: خشونت عریان؛ خشونت پنهان و خشونت نمادین.

به حیث سطح آگاهی

به حیث سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت، می‌توان رفتار خشونت‌آمیز را به سه دسته تقسیم نمود: خشونت آگاهانه، خشونت ناآگاهانه و خشونت ناخواسته.

از نظر کیفیت آسیب‌پذیری

خشونت‌ها را می‌توان از زاویه کیفیت آسیب نیز به دو دسته تقسیم کرد: خشونت روانی (روحی)، خشونت جسمانی، البته هیچ‌گاه مرز کاملاً مشخصی میان این دو نوع خشونت وجود ندارد. خشونت در جامعه می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز کند و زنان را به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار دهد. خشونت علیه زنان یکی از مشکلات جدی و جهانی است که نقض حقوق بشر و توسعه را موجب می‌شود. خشونت علیه زنان می‌تواند شامل خشونت خانگی، خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت اقتصادی، خشونت فرهنگی و خشونت سیاسی باشد.

همچنین بارداری اجباری بطور تاکیدی از مصادیق خشونت علیه زنان در حقوق بین الملل وارد شد.

در قسمت «د» اعلامیه ۱۹۹۵ پکن ذیل عنوان خشونت علیه زنان در بند ۱۱۳ تعریف دقیقی از خشونت علیه زنان آورده شده است: « خشونت علیه زنان به هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت اطلاق می‌گردد که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی زنان منتهی می‌شود و یا ممکن است منتهی شود، از جمله تهدید به ارتکاب این گونه افعال، اجبار و سلب خودسرانه آزادی، خواه در زندگی خصوصی یا عمومی.»

فراتر از این اسناد بین المللی در رابطه با حقوق زنان حاکی از توجه ویژه جامعه جهانی زنان به مسائل خودشان است. از این جهت، اسنادی نظیر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و اسناد دیگر مانند «سند پکن»، نقطه عطفی در روند احقاق حقوق زنان به حساب می‌آیند. کنوانسیون رفع تبعیض، پس از تصویب در سال ۱۹۷۹ موضوع اصلی و اساسی کنفرانس‌های جهانی زنان قرار داشته است. برای اجرایی کردن مفاد آن و ارائه اقدامات لازم برای عملی بودن آن، در دو کنفرانس پکن (۱۹۹۴) و پکن + ۵ (۲۰۰۰ نیویورک)، کارگروه‌ها و جلسات فراوانی تشکیل گردید. سند پکن به علاوه اصلاحات آن (حذف و اضافه) در پکن + ۵، در حال حاضر محوری‌ترین گذرگاه برای رسیدن به اهداف کنوانسیون رفع تبعیض است. این اسناد، شامل: تئوری‌هایی در تعریف آدمی و نیازهای او، تبیین مسائل و مشکلات زنان و ارائه اقدامات و راه‌حل‌های بهبود وضعیت، از نظر طراحان اسناد است. تئوری‌های انسان‌شناختی در اسناد بین المللی مهمترین تئوری و نقطه ثقل این اسناد به شمار می‌رود، در حقیقت تأکید بر برابری در بیان نسبت و رابطه بین زن و مرد است. یان کی - مون همچنین بر لزوم پایان بخشیدن به «جنایت‌های توجیه ناپذیر علیه زنان» از جمله استفاده از تجاوز به عنف به عنوان نوعی سلاح جنگی، خشونت داخلی، قاچاق جنسی و جنایات ناموسی تأکید کرد. گفتنی است که طرحی با عنوان «اتحاد برای پایان خشونت علیه زنان» از سال (۲۰۰۸) با همکاری یان کی - مون آغاز شده است. در این طرح از کشورهای جهان خواسته بود که تا سال (۲۰۱۵) برای کاهش و توقف خشونت جنسی در شرایط ناآرام، قوانین شدید وضع کنند و با اجرای طرح‌های عملی چند جانبه و تلاش‌های نظام مند، اقدامات پیشگیرانه انجام دهند. کارشناسان می‌گویند که خشونت علیه زنان در ایران با قوانین و سیاست‌گذاری‌های تبعیض آمیز موجود تشدید می‌شود و تلاش فعالان حقوق زنان را برای رفع این خشونت‌ها ناکام می‌گذارد.

- به نظر شما خشونت در جامعه چه نسبتی با خشونت علیه زنان دارد؟

نیره انصاری: خشونت علیه زنان و دختران یکی از رایج ترین موارد نقض حقوق بشر در جهان است که هر روز بارها و بارها در اقصی نقاط گیتی رخ می‌دهد، این مسئله عواقب جدی کوتاه مدت و بلندمدت جسمی و روانی بر زنان و دختران دارد. میزان تأثیرگذاری آن، چه در زندگی افراد و خانواده‌ها و چه در کل جامعه، غیر قابل اندازه گیری است. مهمترین راه کمک به زنان در مقابل خشونت و سو استفاده جنسی، افزایش حمایت‌های قانونی از آنها است. تبعیض و خشونت علیه زنان در بسیاری از کشورهای از جمله در قوانین ایران جای دارد: قوانین کیفری، قوانین ازدواج، ارث و مالکیت. حتا در کشورهای که زنان برابری قانونی را به دست آورده‌اند، تبعیض در عمل ادامه دارد. نسبت حضور زنان در پست‌های تصمیم گیری بسیار کم است.

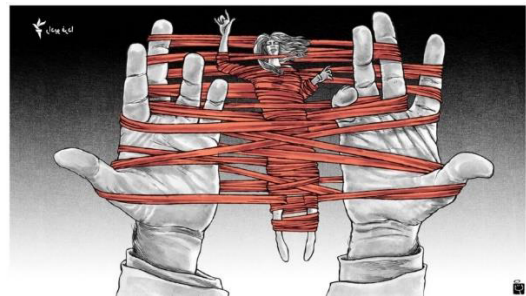
در واقع پدیده خشونت در ایران از حد یک مساله اجتماعی گذر کرده و به یک آسیب بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. قتل، درگیری‌های خیابانی، خشونت علیه زنان در خانواده و محل کار، تنبیه بدنی دانش آموز و فرزندان، تجاوز به زنان و کودکان، دخترربائی، سوء استفاده‌های جنسی در محیط شغلی و غیره از یکسو و از سوی دیگر زندان، شکنجه،

تجاوز، اعدام‌ها در نمایش‌های خیابانی، دستگیری خودسرانه افراد سیاسی و هنرمند، دستگیری همکاران روزنامه‌ها، فشار و دستگیری زنان «بدحجاب»، هجوم به اعتراضات مدنی.

در زمینه اقتصادی و به موجب قانون در ایران، در اغلب موارد، مرد «سرپرست و نان‌آور خانواده» حق نفقه همسر یا فرزند خود را نمی‌پردازد. بعضی مردان به هیچ وجه قانع نمی‌شوند که نفقه حق زن است. آنها این حق نفقه که شامل مخارج مسکن، پوشاک و خوراک خانواده است و در قوانین جمهوری اسلامی رایج است را از زن دریغ می‌کنند. در ایران در موارد متعددی دیده می‌شود زمانی که زن شغل و درآمد دارد، شوهر اجازه استفاده از درآمد زن را به او نمی‌دهد. در این شرایط زن به این دلیل که اختیار مالی ندارد و تحت فشار است، تقاضای طلاق می‌کند. در بسیاری از نقاط جهان، زنان بی‌آنکه امنیت اقتصادی داشته باشند، نیروی کار مجانی هستند و باید تا آخر عمر از خانواده خود نگهداری کنند. آنان دسترسی به منابع مالی و اقتصادی نداشته و بطور کامل وابسته به مرد خانواده باقی می‌مانند و چنانچه مردان در این امر کوتاهی کنند، ادامه زندگی زنان بشکل جدی به مخاطره می‌افتد. این وضعیت ناشی از تقسیم کار اجتماعی تاریخی و مردسالارانه و سنت‌های کهنه و فرهنگ مذهبی می‌باشد و تغییر آن به دگرگونی اساسی در جامعه و فرهنگ مسلط آن بستگی دارد.

خشونت علیه زنان اغلب به دلیل قوانین ناکافی، موانع بر سر راه دستیابی به عدالت و بی‌عملی مسئولان دولتی که این خشونت را تحمل می‌کنند، رخ می‌دهد. نبود مجازات‌های کافی به فضای معافیت از مجازات کمک می‌کند و این فضا در تکرار این جرایم نقش دارد. با وجود این، زنان تنها قربانی نیستند. زنان در همه جا عاملان اصلی مبارزه در راه رهایی هستند. خشونت در جامعه می‌تواند منجر به نقض حقوق زنان در سطح ملی و بین‌المللی گردد. برخی از قوانین تبعیض آمیز و فرهنگی مانع از محافظت از زنان از خشونت می‌شوند. افزون بر خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی و خصوصی، خشونت در فضای مجازی نیز شکل دیگری از خشونت علیه آنان است که باید ریشه کن شود.

یک پژوهش علمی در ۲۰۰۴، اعلام داشت که زنان تنها ۷/۱ درصد از جمعیت زندان‌ها را تشکیل می‌داد. مجرمان غالباً در دسته‌های ویژه‌ای از جرایم همچون خشونت خانگی، مزاحمت جنسی، خشونت جنسی و تجاوز مردانند. زنان به‌طور عمده در این دسته‌ها قربانی‌اند. تخمین زده شده است که ۲۵ درصد زنان قربانیان خشونت در برهه‌ای از زندگیشان هستند. هیچ جامعه‌ای از خشونت جدا نیست و بعلاوه میل و رقابت و قدرت بر خشونت تاثیر داشته و آنرا تشدید میکند (روانشناسی، نوامبر ۱۹۹۸).



قانون

یکی از کارکردهای اصلی قانون تعدیل خشونت است. اجرای قانون ابزار اصلی تعدیل خشونت غیر نظامی در جامعه است. دولت‌ها استفاده از خشونت را در دستگاه‌های قضایی با نظارت بر افراد و مسئولان سیاسی، از جمله پلیس و ارتش تعدیل می‌کنند. از نظر ماکس وبر برای جامعه مدنی استفاده از خشونت دارای مشروعیت است. در شرایط متعارف نظریه «ماکس وبر» درست و دولت تعدیل‌کننده خشونت و کنترل‌کننده قهر رایج در جامعه است. حال آنکه در جامعه ایران یک ویژگی اساسی وجود دارد. حکومت اسلامی، دموکراتیک نیست بل، ولایت فقیه‌ی است؛ قانون اساسی، قانون مجازات و قانون خانواده در ایران بطور وسیع متکی بر آیات قرآنی و سنت اسلامی و با تبعیض جنسیتی و مذهبی عجین شده‌اند. بنابراین قانون که باید تعدیل‌کننده باشد، خود بحران، تبعیض و خشونت حقوقی و سمبولیک را تقویت می‌کند. خشونت‌هایی که در ایران جاری است هم دولتی و هم اجتماعی است و این خشونت در بسیاری موارد فاقد قدرت تنزل‌دهنده قهر در جامعه است. در ایران رژیم اسلامی در بنیاد خود طرفدار تبعیض و خشونت دینی و سیاسی بوده است و بطور مدام تنش و بحران ناشی از استبداد از خصوصیات مناسبات حاکم بوده است.

در ایران خود رژیم اسلامی نوع و مقدار جرمی را که مورد مجازات قرار می‌دهد را خودش تولید می‌کند و یکی از نقش‌های اصلی حکومت این است که محکومیت را بطور مطلق، کنترل نموده و خشونت در حدود قلمروی ویژه‌ای

معین و برای آن مجازات برقرار می نماید. اجرای قانون، ابزار اصلی تعدیل خشونت غیرنظامی در جامعه است. دولت‌ها و به ویژه رژیم اسلامی در ایران استفاده از خشونت را در دستگاه‌های قضایی با نظارت بر افراد و مسئولان سیاسی، از جمله نهادهای امنیتی، اطلاعاتی، قضایی و پلیسی تعدیل می‌کنند. البته جوامع مدنی مقداری خشونت را که از طریق نیروی پلیس جهت حفظ وضع موجود و اجرای قانون اعمال می‌شود مشروع می‌دانند. البته خشونت ممکن است که قابل توجیه باشد، اما هیچگاه مشروع نیست.

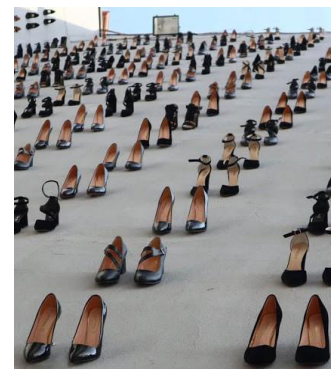
- در ماه های اخیر پدیده زن کُشی «قتل خانوادگی» یا «قتل ناموسی»، به دلیل افزایش نرخ آن، به یکی از معضلات اجتماعی جامعه ایرانی تبدیل شده است؛ پدیده زن کُشی مصداق بارز و اوج خشونت و ناامنی در جامعه و خانواده است و آسیبهای جدی را به خانواده و جامعه وارد میسازد. به نظر شما مهمترین عوامل مؤثر بر زن کُشی کدامند؟

نیره انصاری: معنا و مفهوم ناموس: در فرهنگ لغت نوین «واژه نامۀ نوین» به قلم استاد محمد قریب، اینگونه آمده است؛ «ناموس»: شرف، آبرو، آگاه به باطن امور، مرد کاردان، شهرت و آوازه، قانون و جمع آن نوامیس. در فرهنگ لغت معین، (محمد معین) این گونه تعریف شده است: «ناموس» یعنی «شریعت، احکام الهی، قانون و قاعده...، عصمت، عفت و پاکدامنی، قاعده ای که حکما برای مصلحت عامه قرار داده اند...». غالباً، «ناموس»، امری ارزشمند تلقی می شود که برای حفاظت و دفاع از آن می توان «مرتکب قتل نفس هم شد»؟! بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی قتل «عامدانۀ زن به دلیل زن بودن او»، «زن کُشی» محسوب می گردد. خشونت ریشه در تبعیض دارد و به آن دامن می زند.

قتل‌های مبتنی بر شرف، از زمان تمدن روم باستان رواج داشته‌است، جایی که بزرگان یا مردان ارشد خاندان، حق داشتند جان یک همسر زناکار یا دختر مجردی که رابطه جنسی برقرار کرده بود را بستانند. مارکوس کاتو، دولتمرد رومی گفته‌است: «اگر شما همسران را در حال زنا گرفتار کنید، می‌توانید با کشتنش او را مجازات کنید؛ اما اگر مرتکب زنا شوید او اجازه ندارد حتی انگشتش را به شما بزند، چون قانون این است». اعتقاد به این اصل که شوهر حق دارد همسر بی‌وفای خود را به همراه فاسقش بکشد، پیش از رومیان و در قوانین حمورابی، نسیلیم و آشوری قابل مشاهده‌است. در قوانین حمورابی و آشوری به این موضوع که بکارت زن متعلق به خانواده‌اش است هم اشاره شده‌است. برای زنان مُحصنه مجازات مرگ به‌شيوه خفه کردن یا سنگسار را در نظر گرفته بودند که معمولاً شامل له کردن سر مجرم بود. با این حال، این حکم تنها پس از اثبات جرم قابل اجرا بود و مردی که همسرش را در حال خیانت می‌دید، اجازه نداشت او را بکشد. او موظف بود منتظر محاکمه بماند و در غیر این‌صورت خودش را بکشد. اینکها دست و پای زناکارها را به یک دیوار می‌بستند و آن‌ها را رها می‌کردند تا از گرسنگی جان بدهند. قوانین اینکها، این اجازه را به مردان می‌داد تا در صورتی که همسرشان را مظنون به زنا بدانند، او را بکشند اما زن‌ها چنین حقی نداشتند و زنی که همسرش را به دلیل زنا می‌کشت، از پا آویزان و رها می‌شد تا جان دهد.

قتل ناموسی در اروپای قرون وسطایی هم وجود داشته و زنان زناکار به‌همراه شریک جنسی‌شان با سنگسار کردن مجازات می‌شده‌اند. در دوره حکمرانی دودمان چینگ در چین، پدران و همسران حق داشتند دخترانی را که موجب «بی‌آبرویی» شده بودند را بکشند.

جنایتهای ناموسی به ارتکاب خشونت و اغلب قتل زنان یک خانواده به دست مردان خویشاوند خود گفته می شود؛ مانند پدر، شوهر، برادر، پسر، عمو و تفکر غالب بر این است که این زنان به علت: «ننگین کردن شرافت و حیثیت خانواده خود» مجازات می شوند(حتی بدون آنکه بتوانند حیثیت و شرافت را تعریف کنند این ننگ موارد گوناگونی را شامل می شود، از جمله خودداری از ازدواج اجباری، قربانی یک تجاوز جنسی بودن، طلاق گرفتن(حتی در صورت ناشایست بودن شوهر از هر حیث) و یا زن کُشی، به دلیل وجود جنین با جنسیت دختر که چندی پیش در یکی از روستاهای آذربایجان رخ داد.



داشتن احساس مالکیت مرد بر جسم و روان زن و نیز احساس برتری طلبی مرد نسبت به زن! قتل های ناموسی و یا به بیان دیگر قتل‌های خانوادگی، قتل‌هایی که هیچگونه ضمانت اجرای قانونی و حقوقی بر آن مترتب نیست، خودداری از ازدواج اجباری، مورد تجاوز جنسی قرار داشتن، طلاق، زنا از جمله دلایلی است که موجب می‌گردد که زنان قربانی قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» شوند. مسأله عمده ای که در ارتباط با قتل‌های ناموسی وجود دارد، جنبه حقوقی آن است. اگرچه به موجب قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۳۰): «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و ... می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و» بی آنکه دستگاه قضایی او را مجازات نماید، بل، عمل و فعل مجرمانه (قتل) را که مرد مرتکب آن می‌شود را «دفاع مشروع» از ناموس و خانواده تلقی می‌کند و یا به استناد ماده (۲۲۰) همان قانون، «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد» و نیز باز هم به موجب قوانین جزایی ایران، «قصاص قاتل منوط به شکایت اولیاء دم است. از این رو در خصوص قتل‌های ناموسی از آنجا که آمر قتل نیز جزو اولیاء دم و صاحب خون بوده، بنابراین، امکان قصاص قاتل منتفی و ملغی می‌گردد». بر اساس آمار صندوق جمعیت سازمان ملل، سالانه حدود ۵۰۰۰ زن در این راه جان خود را از دست می‌دهند، بیشتر این آمار را ساکنان غرب آسیا، شمال آفریقا و بخش‌هایی از جنوب آسیا تشکیل می‌دهند. براساس این آمار این جرائم بیشتر در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، در حالی که به گفته رهبران مذهبی، هیچ ریشه ای در دین اسلام ندارد.

تحقیقات انجام شده در استانهای غربی مانند گوردستان و آذربایجان همچنین استانهای جنوب ایران بیانگر این است که با بالا رفتن ارتکاب جرم «قتل ناموسی» بسیاری از زنان توسط خویشاوندان «مرد» خود وادار به «خودکشی» می‌شوند، بیشتر قاتلان نیز پسران جوان خانواده هستند که در صورت دستگیری از مجازات کمتری برخوردارند. این پژوهشها اذعان می‌دارد که بیشتر این قتل‌های خانوادگی منجر به فرار دختران و زنان جوان از خانه به خیابان می‌شود. با توجه به خلاء قانونی که وجود دارد، اما هیچیک از مسئولان ذیربط قضایی هرگز در صدد رفع این خلاء قانونی آنهم به شیوه ای صحیح و مؤثر اقدامی بعمل نیاورده اند. قتل‌های ناموسی، همانگونه که بیان شد، معرف واژه های بی اساس و منطقی چون «ناموس» است. ناموسی که هرگز متعلق به خود آنان نبوده و ابداعی است، مردانه، با تفکراتی که تنها توانایی کنترل، هرچه بیشتر بر زنان و تسلط همه جانبه بر وجهه و هویت آنان (زنان) را مد نظر داشته است. از دیگر فراز ناموس در حال حاضر از سوی زنان نیز یک امر طبیعی محسوب می‌شود و وجود خود را از آن مرد می‌دانند، خود را ناموس مرد و مرد را مالک و سرور بی چون و چرا می‌پندارند. از شوربختی تا وقتی که حکومت جامعه ای بر محور مردسالاری و زن ستیزی برقرار باشد و دین و حکومت از آنان حمایت کند، فشار وارده بر زنان چند برابر شده، زیرا از سویی مردان داور و واضع قانون هستند و از دیگر سو، خود مردان در مقابل زن و به طرفیت او و در واقع طرف دعوا محسوب می‌شوند.

دفاع از ناموس در واقع وسیله ای است برای رسمیت دادن و طبیعی جلوه نمودن خشونت علیه زنان و نیز قتل و کشتار آنان. براین اساس، گویا ناموس مرد تابعی است از رفتار و کردار سایر اعضای خانواده یعنی زن و دختران در خانواده. در چنین جامعه ای و به ویژه در چنین خانواده ای که مرد یکه تاز میدان است، ارزش و احترام زن به نسبت درجه نقش او به عنوان «زن خانه دار و یا مادر خانه» سنجیده می‌شود، «زن خوب» و با «ارزش» کسی است که از مردان خانواده تبعیت کند و نیاز آنها را که همان حفظ «ناموس» باشد بجا آورد. در غیر این صورت مأموریت مرد یا پسران خانواده که همان کنترل و محدود کردن آزادی زن در عرصه نیازهای جنسی خودش باشد شروع می‌شود و سرانجام این مأموریت بسته به اینکه زن تا کجا «نافرمانی» می‌کند، تغییر می‌کند. این وظیفه و مأموریت می‌تواند به قتل و از بین بردن فیزیکی زن منجر شود و یا ممکن است در سطح ضرب و جرح، توهین، بی احترامی روزمره باقی بماند. میزان مجازات هر چه باشد در ماهیت قضیه یعنی بی اهمیت کردن و کاهش و نادیده پنداشتن نقش زن در خانواده و نیز در جامعه تغییری نمی‌دهد. اما باید اذعان داشت که خشونت با تمام ابعادش در جامعه های مختلف یکسان نیست و یکی از فاکتورهای اساسی در زیاد و یا نازل بودن آن علیه کل زنان بستگی مستقیمی با ساختار اقتصادی و روبنای سیاسی آن جامعه دارد. ما مشاهده می‌کنیم که خشونت علیه زنان در جامعه هایی که از دموکراسی برخوردارند به نسبت دیگر جوامع که با ساختار سیاسی دیکتاتوری، مذهبی تفاوت فاحش دارد.

اگر در این نوع جوامع مبارزه زنان پیرامون طرد این نوع بربریت علیه زنان است، در جوامع اروپایی مبارزات زنان در مورد برابری با مرد در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به ویژه کسب قدرت و هدایت جامعه متمرکز شده است.

حال آنکه یکی از شاخص های عدالت اجتماعی در هر جامعه ای، سلامت آن است. سلامت نه تنها به منزله فقدان بیماری ها بل، به عنوان شرایطی که افراد از نظر جسمی، روحی و اجتماعی از سلامت کاملی برخوردار باشند تعریف می‌شود.

قوانین نابرابر که همواره بر علیه زنان به تصویب رسیده است خود به این خشونت دامن زده است. خشونت دولتی و رسمی در قانون همه جا آشکارا دیده می‌شود، تنش های سنتی را افزایش می‌دهد که در بخش‌هایی اجرای این «سنت ها» قوی تر است. به موجب قانون مجازات اسلامی «ماده ۲۰۸» در میحث قصاص که اشعار می‌دارد:

«هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد و یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت نموده باشد... قصاص نشده و موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. تبصره این ماده نیز می افزاید: در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک سال تا پنج سال می باشد که این پروسه نیز جنبه اجرایی نمی یابد و مدعی العموم نیز شکایت نمی کند تا منتج به صدور کیفرخواست گردد». همچنین در مبحث قصاص، «شرایط قصاص» به موجب ماده ۲۲۰ همان قانون: « پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد».

بنابراین به استناد مواد قانونی یاد شده، هرگاه پدر یا برادر دختر و یا خواهر خود را به قتل می رساند به لحاظ عدم وجود «شاکی خصوصی» هیچیک از پدر یا برادر به جرم قتل عمد مجازات نمی گردند. البته و اگرچه «دادستان و یا مدعی العموم» می تواند به عنوان «شاکی خصوصی» به طرفیت قاتل یا قاتلین و به دفاع از مقتول(بازماندگان) وارد پرونده شده و به عنوان حافظ نظم عمومی در جامعه اقدام نماید و استدلال و دفاعش بر این پایه استوار باشد که « قتل موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران می گردد». اما به لحاظ مردانه بودن قوانین ایران، این امر هیچگاه به وقوع نمی پیوندد. به این دلیل که پدر « ولی دم» است و پسر را «می بخشد». این پسر آزاد می گردد البته به عنوان یک «قهرمان»، زیرا مدافع آبرو و حیثیت خانواده و قبیله می باشد. شایسته یادآوری است که حکومت اسلامی در ایران با توجه به عدم دستیابی به آمار و ارقام و تحقیقات دقیق، هیچگونه راهکاری به منظور پیشگیری از توسعه این اعمال حول انگیز نداشته و دلائل مربوط به همسرگشتی، خودکشی و خودسوزی را یک امر شخصی و خصوصی تلقی می نماید .

چرا پدران - همسران قاتل مجازات نمی شوند؟

مجازات اعدام در (۱۷۰) کشور جهان متوقف شده اما در (۳۰) کشور جهان مجازات مرگ فرد خاطی تحت عناوینی مانند قصاص یا اعدام همچنان برقرار است. بیشتر اعدامهای ثبت شده در کشورهای عربستان سعودی، عراق، پاکستان و ایران صورت گرفته است. چین از این قاعده مستثنی بوده زیرا آمار اعدامها در این کشور محرمانه است. البته این تنها مورد از انواع قتل هایی نیست که قاعده قصاص در خصوص آن اجرا نمی شود. « موضوع قصاص» به «ولی دم» باز می گردد و اوست که باید در این باره تصمیم گیرد. « درخصوص قتل های ناموسی نیز مانند قتل همسر توسط شوهر و یا قتل فرزند توسط پدر، بر اساس قاعده ای در اسلام؛ ولی دم و صاحب خون است. و کسی نمی تواند « صاحب خون را در این مورد مقصر بداند.» اگرچه با حذف قصاص، اما جنبه عمومی جرم اهمیت پیدا می کند و مجازات های مربوط به آن باید اجرا گردد .

بر اساس ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی مصوب (۹۲): « اگر فرد مرتکب قتل عمد شود، اما به هر دلیلی فرد قصاص نشود، قاضی می تواند بابت جنبه عمومی جرم بین (۳ تا ۱۰) سال حبس برای او در نظر گیرد.» این امر مربوط به جنبه عمومی جرم است. افزون بر این، این قانون برگرفته از قواعد فقهی است و تغییر آن نیاز به راهکار اجتهادی دارد و مجتهدان باید راهکاری برای آن در نظر گیرند! اما چنین قانونی از راه روال عادی تغییر نمی یابد. اگر مجلس شورای اسلامی بخواهد مستقیماً قانون تازه ای را به تصویب برساند، یقیناً بدلیل مغایرت با قواعد اسلامی در شورای نگهبان رد خواهد شد. به حیث فقهی، اگر چنین جرمی در زمان فحطی یا جنگ رخ دهد و همراه با شکست مسلمین باشد، امکان تغییر قوانین وجود دارد. در این زمان قوانین پایه در خصوص فرد خاطی اجرا می شود و سختگیری کمتر خواهد بود. همچنین موجب ماده (۱۱۸۰) قانون مدنی: « طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد...». بنابراین پدر و جد پدری در مورد فرزند خود دارای اختیاراتی هستند که به موجب قانون به آنان تفویض می گردد و نیاز به تنفیذ از سوی مقام یا مرجعی ندارند و در تأیید این مطلب ماده (۱۱۸۱) همان قانون اشعار می دارد که: « هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند » و سمت پدر و جد پدری را در اصطلاح قانونی «ولایت قهری» گویند. به موجب قانون مجازات اسلامی در ایران پدر در جایگاه « ولی دم» قتل فرزندش قصاص نمی شود بل، قصاص تبدیل به دیه و تعزیر می شوند. در صورت قتل فرزند توسط پدر، قاتل تنها مجازات جنبه عمومی جرم را دریافت می نماید. و به حیث قانونی پدر در صورت قتل فرزندش قصاص نمی شود، اما جنبه عمومی جرم را که (۳ تا ۱۰ سال) حبس است را طی می کند.



بر مبنای ماده (۶۱۲): «هر کسی مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد یا شاکی داشته اما از قصاص گذشت کرده و منصرف شده باشد و یا به هر علتی قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادستان می تواند بعنوان حافظ نظم عمومی جامعه و برای دفاع از جامعه می تواند ورود به پرونده پیدا کند. دادگاه با توجه به مسائل و وضعیت و شرایطی که قتل بر اساس آن انجام شده درباره حبس و جنبه عمومی جرم تصمیم گیری نماید. همانگونه که بیان شد دادگاه بر اساس قانون اسلامی که اقتباس از فقه امامیه شده است اصدار حکم می نماید و نه یک قانون جزایی مدرن! تا زمانی که قوانین در ایران به ویژه قانون اساسی آن بر پایه رسمیت یافتن مذهب و اخلاق و فرهنگ مردسالار استوار بوده و زن شهروند درجه دوم محسوب و از هیچ یک از حقوق بنیادین خود برخوردار نیست، قتل های از نوع اصطلاحاً ناموسی و یا خودسوزی از نوع خودکشی و یا دیگر تبعیض هایی که اساساً مغایر حیثیت ذاتی انسان است صورت می گیرد، در حقیقت وضعیت حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان در ایران اینگونه است که: «در زندگی و در مرگ، زنان همیشه کم ارزش تر قلمداد می شوند. شهادت یک زن بی ارزش است و کمتر از شهادت یک مرد ارزش دارد. حق او برای ارث بردن از حق برادرانش کمتر است. پیش قدم شدنش برای طلاق ارزش کمی دارد. در مورد مرگ، حیات او چشم پوشیدنی است و از همین رو این موضوع مرگ های ناموسی را به ویژه با توجه به مجازات های نامتناسب با جرم [قتل های ناموسی] توجیه پذیرتر می کند» بدین اعتبار «این فاجعه انسانی ریشه در خلاء قوانین به ویژه در خصوص خشونت های خانگی دارد که هیچ گاه جرم انگاری نشده و دادگاه ها به این امر تحت عنوان «حریم خصوصی» نگریسته اند.»

- موضوع خشونت علیه زنان و قتل زنان به بهانه حفظ «ناموس» و «آبرو» تاکنون در ایران نتوانسته به یک مساله کلان در افکار عمومی ایران بدل شود و به تغییر قوانینی که به صورت گسترده خشونت علیه زنان را تسهیل می کنند، منتهی شود. دلایل چنین وضعیتی چه می باشند؟

نیره انصاری: یکی از دلائلی که تاکنون نتوانسته است پدیده زن کشی را در ایران به یک مساله اکتوتل و روز بدل نماید همانا تصویب قوانین تبعیض آمیز از جمله؛ تصویب کلیات لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» که بعدها به «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در مقابل خشونت» در فروردین ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی تغییر نام داد. که به رغم نواقص بسیار این لایحه در تأمین امنیت زنان، برخی از نمایندگان به دلیل غربی دانستن مفاد این لایحه به شدت با آن مخالفت کردند. این لایحه همواره با مخالفت برخی اصولگرایان و تندروها مواجه بوده است. از جمله معروفترین این مخالفت ها از سوی یک زن بود؛ زهرا آیت اللهی رییس شورای فرهنگی اجتماعی زنان. وی گفته بود که این لایحه زنان را در خانواده در جایگاهی فرادست و مردان را در جایگاه فرودست قرار می دهد و جایگاه ریاستی مرد را خدشه دار می کند. او با انتقاد از جرم انگاری «هرگونه عمل مردان» در مقابل زنان در این لایحه گفته بود: «مردان را به وحشت می اندازد که مبادا هر رفتار و اقدام آنها مصداقی از مصادیق خشونت علیه زنان تلقی شود و در نهایت خانه را به معرکه ای تبدیل می کند برای فرار زنان از مسئولیت هایشان و خارج کردن مردان از جایگاه اصلی شان که مدیریت خانواده است». رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان، لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» را اطاعت از سند ۲۰۳۰ خوانده و هشدار داده که دفاع زیادی از زنان، جایگاه ریاستی مردان را تنزل می دهد و زن ها را ایرادی و نازپرورده می کند. لایحه تأمین امنیت زنان با هدف تحکیم بنیان خانواده، تأمین امنیت و کرامت زنان، پیشگیری از جرایم خشونت آمیز و حمایت از زنان خشونت دیده تهیه و ابتدا در ۹۲ ماده تنظیم شد که بعد به ۸۱ ماده و در نهایت به ۷۷ ماده رسید. افزون بر این بخش سوره نساء، آیه ۳۴ در قرآن در باب تعامل اجتماعی میان شوهران و زنان، با تفسیری که در معرض مناقشه بین علما (یا فقیهان) مسلمان قرار دارد رابطه میان شوهر و زن را در اسلام تعریف می کند: مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند.

پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند؛ و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید. در حالی که هنوز در ایران قانوناً ضرب و جرح و شتم (ناسزاگویی) زن توسط شوهر، دلیل محکمه پسندی برای صدور حکم طلاق محسوب نمی شود. در کشور هندوستان و یا بنگلادش ضرب و جرح و شتم خانگی به عنوان جرم قانون مند شده است. در این دو کشور قوانین فراتر از این رفته، یعنی حتا درخواست جبهیزه از سوی مرد و اعمال خشونت به منظور دریافت آن را در جرگه اقدامات مجرمانه محسوب کرده اند. و یا کشور مسلمان مالزی نخستین جامعه ای بود که ماده واحده ای را تصویب و به مرحله اجراء گذاشت که به موجب آن خشونت های خانگی به عنوان جرم شناخته شد. تلاش برای تصویب (قانون کنترل خشونت)، از سال (۱۹۸۲) آغاز شد، یعنی از زمانی که سازمان کمک به زنان مالزی نخستین پناهگاه ویژه زنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته را تأسیس کرد. در الجزیره همیشه مسئولیت نگهداری دختران تا سن ازدواج و پسران تا سن (۱۰) سالگی بر عهده زنان/مادران است، اما پدران به ندرت حاضر به نگهداری پسران پس از (۱۰) سالگی می شوند. در حقیقت اگر چه زن است که از کودکان تا سن ازدواج و یا حتا پس از آن نگهداری می کند اما به موجب قانون سال (۱۹۸۴) خانه خانوادگی به مرد واگذار می شود و بیشتر مادران ناگزیرند به پناهگاه های زنان پناه ببرند و یا به همراه کودکانشان زندگی در خیابان را همراه با فرزندانشان در خیابان سپری کنند. اما در کشور مراکش که یکی دیگر از کشورهای اسلامی است ازدواج با اجازه قیم در سال (۲۰۰۶) منسوخ شد. و این در حالی است که در بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی از جمله

سوئد، نروژ، آلمان و فرانسه چارچوب حقوقی به منظور پیگیری خشونت جسمی و یا جنسی، مورد بررسی و مذاقه نظر قرار گرفته و مسئولیت های عاملان خشونت و منافع قربانیان خشونت روشن گردیده است. در کشور سوئد بر اساس قانون، کتک زدن یا تهدید زنان حتا اگر در داخل خانه انجام گیرد، جرم محسوب می شود. اجبار به همخوابگی، تجاوز به عنف و جرم محسوب شده و مستوجب مجازات است، که این امر در خصوص همسران نیز صادق است.

سازمان عفو بین الملل اخیراً با اشاره به خشونت خانگی علیه زنان در جوامع سنتی جهان گفت؛ در کشوری مانند افغانستان که سنتهای زندگی فئودالی بسیار ریشه دار است، به زن به چشم دارایی نگاه می کنند و تجاوز به حقوق آنان بدون مجازات می ماند، بنا به گفته سازمان عفو بین الملل، تعدد زوجات نیز می تواند به خشونت خانگی دامن زند، زیرا برغم دستورات اسلامی، مردها به طور عموم برای ازدواج مجدد، اجازه همسر اول را جویا نمی شوند و مشاجره در این باره در خیلی از مواقع به خشونت منتهی می شود. تعدد زوجات و یا چند همسری اکنون در کشور عراق به یک موضوع سیاسی تبدیل شده است. در ایران نیز در کنار دیگر مسائل مربوط به حقوق زن، افزایش آمار چند همسری مردان موجب گردیده است تا زنان به ویژه در گروه های سنی بالاتر، بیش از گذشته نسبت به حقوق خود دغدغه داشته و برای حفظ آن اقدام های حقوقی نمایند.

در حالی که «ارزش های سنتی» در ایران، در وحدت خود با بنیادگرایی مذهبی به خشونت جسمی و روانی علیه زنان مشروعیت می بخشد و زنان را از حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم می کنند. قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در ایران که در بسیاری از موارد موجب تشدید خشونت علیه آنان می شود، کشتن و به قتل رساندن زن به دلیل داشتن ارتباط با مرد دیگر، اجبار زن به برقراری جنسی با شوهر، کتک زدن زن توسط شوهر، محدود کردن رفت و آمدهای زن، ایجاد ممانعت و جلوگیری از ادامه تحصیل و اشتغال زن، داشتن رضایت نامه کتبی از شوهر مبنی بر خروج و سفر زن به خارج از کشور و یا جلوگیری از خروج زن از کشور توسط شوهر و بسیاری خشونت های دیگر را مجاز و قانونی کرده است. احکام تازیانه و سنگسار در قانون مجازات اسلامی خود بیانگر رفتار خشونت بار با زنان است.

حال آنکه پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، نیروهای امنیتی با زنان که بخش عمده معترضان را تشکیل می دادند با خشونت برخورد کردند که به کشته و زخمی شدن شمار بسیاری از آن ها انجامید و برخی نیز مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. مشروط شدن حاکمیت پدر در نهایت موجب بازتولید شکلی دیگر از پدر سالاری شد که به حیث ماهیت یکی، اما در شکل بروز آن متفاوت است که آن را می توان، تفکیک کرد زیرا که مطلق گرایی برای حفظ خود ناچار بود به بیش از یک فرد (همان پدر) تکیه کند که اینجا جریانی ظهور کرد که به جای یک پدر، پدرهای تکرر یافته ی ایدیولوژیک حاکم شدند و از همینجا بنیادگرایی آغاز شد و اگر در جریان انقلاب مشروطه، این سلطنت بود که به وسیله ی قانون محدود می شد، پس از بهمن ۵۷ این قانون است که به وسیله ی شریعت محدود می شود. مشکلات ناشی از تعارض حقوق زنان با مبانی فقهی رایج در جمهوری اسلامی سبب شده که لایحه «تأمین امنیت زنان با هدف تحکیم بنیان خانواده، تأمین امنیت و کرامت زنان، پیشگیری از جرایم خشونت آمیز و حمایت از زنان خشونت دیده» مصوب گردد.

ایرادات حقوقی وارده

- از جمله مسائل اصلی و قابل توجه این لایحه آن است که شاید بیشتر برای زنانی با سطح اطلاعات بالا و آگاه از قوانین و حقوق خود نوشته شده است؛ و پرسش این است که چگونه میتواند از حقوق زنان روستایی و یا کسانی که از حقوق اولیه خود محرومند حمایت کند؟

- از دیگر ایرادات عدم وجود تعریف دقیق و شفاف عباراتی نظیر توهین، تحقیر، خروج از عدالت و ... است؛ که تشخیص وقوع جرم و ظلم به زن را دچار اشکال می نماید.

- همچنین در فصل سوم این لایحه که به وظایف نهادها اشاره شده است نبودن توضیح دقیق و شفاف سازی ها، امکان برداشت های متفاوت و رد مسئولیت ها را فراهم می کند.

- در بخشی از فصل چهارم به جرائم و مجازات ها اشاره کرده است، حال آنکه در قوانین موجود در کشور و پیش تر به این موارد پرداخته شده بود. و اساساً پرسش این است که هدف اصلی از این لایحه چیست؟ آسیب ها و مشکلات اصلی کجا هستند و چرا قوانین تاکنون نتوانسته اند مانعی برای رفع این ظلم ها شوند؟

- البته قوانین خود نباید عامل ایجاد مشکل در سایر بخش ها باشد و در واقع اگر زن را انسانی دارای نقش های گوناگون در جامعه و خانواده بدانیم این قوانین باید جامع باشند که صرف برطرف کردن ظلم در یک نهاد منجر به برهم زدن آرامش سایر بخش ها نشود.

- ساختار غیر اجرایی تعریف شده نیز در این لایحه مورد ایراد است. حضور افراد متعدد و با اولویت های جدا از هم اعم از معاونین وزرا، نمایندگان مجلس و ... خود تشکیل و به سرانجام رسیدن این لایحه را در هاله ای از ابهام قرار می دهد و می توان اینطور گفت که بدون وجود تضمینی برای کارآمدی یک تشکیلات این قوانین تبدیل به نوشته هایی بر روی کاغذ می شوند درحالی که کاربرد هر قانون به «اجرایی» بودن آن است.

- از دیگر فراز دستور به تسهیل شکل گیری تشکل‌های مردم نهاد یا NGOها داده می‌شود؛ مسئله‌ای که اگر دقت و نظارت کافی در آن وجود نداشته باشد خود می‌تواند راه را برای سوء استفاده گران از مسائل زنان هموار کند. در ماده ۵۶، به بخش‌های خصوصی مانند تولیدی‌ها و یا شغل‌هایی که خادمان به طور دائم در منزل مخدوم زندگی می‌کنند اشاره‌ای نشده است و امکان حمایت از آنان وجود ندارد. ماده ۶۹ به بانوانی اشاره دارد که دارای محکومیت‌های مالی هستند و قانون آنان را در اولویت رسیدگی و حمایت جهت پرداخت مالی از سوی خیرین قرار داده است. اما نکته آنجاست که صرف زن بودن نباید موجب شود که قانون از عدالت خویش فاصله گیرد؛ در چنین پرونده‌هایی ممکن است مواردی وجود داشته باشد که جدا از جنسیت شرایط بحرانی تری دارند و نیازمند بررسی و کمک‌ها هستند. در بند ۱۸ ماده ۴، به حضور سه نماینده از مدافعین زن در جلسات کمیته اشاره شده است، اما توضیح لازم برای صدور مجوز حضور آن‌ها داده نشده است. اهمیت حضور این سه مدافع در آنجا مشخص می‌شود که آنان دارای حق رای در این جلسات هستند در حالی که نماینده مجلس در این جلسات این حق رای را ندارد!



- از این بیش نمی‌توان به بهانه رسیدگی به هر یک از جنسیت‌های مرد و یا زن آن را نادیده گرفت و یا قانونگذاری نباید به شکلی باشد که روابط خانوادگی را بر هم زند و در این لایحه اگر هدف تنها حمایت از زن بدون در نظر گرفتن همه نقش‌های او باشد در واقع به تمام ابعاد وجودی او پرداخته نشده و همین امر می‌تواند او را در سایر بخش‌های حضور او دچار اشکال کند و ادامه زندگی را با شرایط جدید برای او دشوار سازد.

حال آن که وجود قوانین و مجازات مادی به‌تنهایی نمی‌توانند مشکلات عاطفی و ضررهای معنوی را جبران کنند! این لایحه باید به تکالیف متقابل زن و مرد توجه باشد و خود عاملی برای بروز اختلافات نباشد. قانون باید ضمن حمایت از انسانی که مورد ظلم قرار می‌گیرد عدالت را نیز رعایت کند. در مورد حقی که در قبال تحقیر زنان از سوی شریک زندگی و یا دیگران به او داده شده است، چرا این مورد در یک رابطه یک طرفه در نظر گرفته شده؟ آیا موردی دقیقاً خلاف آن نمی‌تواند اتفاق بیفتد؟ فراتر از این قوانین، نباید کلی، مبهم و به دور از واقعیت زندگی شود که قابل استفاده نباشند. برای نمونه در فضای خانواده و زن و مرد چه ادله‌ای وجود دارد؟ و مرجع تشخیص جرم و ظلم به زن چیست و چگونه اثبات می‌شود؟ تمام این موارد نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای عملی و دقیق توسط کارشناسان این حوزه است. ابتدا فهم درست خشونت در کشور ما باید رخ دهد زیرا با آنکه حجم بالای قوانین در این حوزه داریم، اما کارآمدی لازم را ندارند و ضعف فرهنگ سازی بیش از گذشته در این روزها خودنمایی می‌کند.

اگر این لایحه بدون هیچ تغییر و یا با تغییرات جزئی و بدون پرداختن به مشکلات اساسی و نظرات کارشناسی اجرایی شود نمی‌تواند نقش و رسالت خود را به درستی ایفا کند و بار دیگر شاهد آن خواهیم بود که زن و مسائل زنان صرف عنوانی تزئینی و عامل بازیچه در دست سیاست زدگان می‌شود. به موجب این قانون هم برای افراد اسیدپاش، تشدید مجازات در نظر گرفته شده و هم قربانیان اسیدپاشی تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی و درمان قرار می‌گیرند. نماینده تهران در مجلس می‌گوید: قرار شد که مسئولان کمیسیون بهداشت، قربانیان اسیدپاشی را در بیمارستان‌هایی که ویژه انجام عمل‌های زیبایی و سوختگی هستند، تحت مداوا قرار دهند. مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت: این لایحه به دلایلی از جمله «سیاسی بودن» و «داشتن نواقص» مدت زیادی در قوه قضاییه ماند، اما این لایحه مطلقاً سیاسی نیست. غیر از معاونت حقوقی و معاونت زنان دولت و دستگاه قضایی، حوزه علمیه قم به ویژه دفاتر مراجع تقلید دیگر مقصدی بود که این لایحه بارها برای بازبینی و بررسی به آنجا فرستاده شده بود. از این رو جای شگفتی نیست که لایحه جدید با توجه به انتقادات پیشین مسئولان و مقامات دستگاه قضایی از نسخه ارسالی آن از سوی دولت در سال ۹۳، و اصرار بر گرفتن موافقت مراجع قم با مفاد لایحه با تغییراتی بنیادی ارائه شده و اهداف آن به کلی دچار تغییرات شده باشد. شدت این تغییرات به میزانی است که اساساً مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان، که یکی از اهداف اصلی تدوین این لایحه بود حذف شده و به جای آن آنچه که «حفظ کرامت زن و خانواده با لحاظ ادبیات حقوق اسلامی» خوانده شده مورد تأکید قرار گرفته است. به هر روی تبدیل ادبیات لایحه به «ادبیات حقوق اسلامی» تنها جزئی از تغییراتی است که در لایحه جدید صورت پذیرفته است. تغییراتی که به نظر می‌رسد هدف از آنها جدای از تأکید بر تفسیر سنتی - دینی از نقش زن در جامعه، به جرم انگاری تلاش

زنان برای دستیابی به آزادی و برابری نیز پرداخته است.



در حالی که «پیشگیری از خشونت علیه زنان» در نسخه پیشین این لایحه به عنوان یکی از اهداف آن اعلام شده بود، گردآورندگان لایحه «صیانت، کرامت و تامین امنیت بانوان در برابر خشونت» در اقدامی عجیب در نسخه تازه این لایحه با افزودن پیشوند مجرمانه به فعل خشونت آمیز صرفاً «پیشگیری از جرایم خشونت آمیز علیه زنان» را به عنوان یکی از اهداف به رسمیت شناخته‌اند.

نتیجه عملی افزودن این پیشوند آن که در مقام عمل تنها خشونت‌هایی که از سوی قوانین موضوعه جرم‌انگاری شده‌اند نامشروع و ممنوع بوده و اعمال دیگر، هر چقدر هم خشونت آمیز و آسیب‌زا، در صورت عدم جرم‌انگاری به نظر مجاز شمرده می‌شوند!

این تغییر آنجا عملاً نمود افزونی پیدا می‌کند که دستگاه قضایی در ایران در لایحه تازه تمامی بخش‌های مربوط به تعریف خشونت را که در لایحه پیشین به خشونت جسمی، خشونت روانی - عاطفی، خشونت جنسی و خشونت اقتصادی تقسیم شده بود، به طور کامل از لایحه جدید حذف و بجای آن در ماده دوم خود به شکلی بسیار محدود و بدون اشاره به مفهوم خشونت و یا استفاده از این اصطلاح صرفاً وارد کردن صدمه و ایراد جسمی، روانی و حیثیتی را جرم‌انگاری کرده است.

این عدم اشاره مستقیم به واژه و مفهوم «خشونت» از سوی تهیه‌کنندگان لایحه جدید در حالی است که اساساً، هدف از تدوین این لایحه به رسمیت شناختن «خشونت خانگی» به عنوان نوعی از جرایم «جنسیتی» علیه زنان بوده است، حال آنکه در این لایحه این مفهوم حتی به طور تلویحی نیز مورد اشاره قرار نگرفته است. قانونگذار به تبعیت از قوانین کیفری فقه شیعه، اساساً در هیچ یک از قوانین جاری در ایران، را با عنوان «عمل مجرمانه جنسی» و به تبع آن «خشونت جنسی» مورد شناسایی قرار نداده و به جای آن از مفاهیمی جایگزین مانند «روابط نامشروع و اعمال منافی عفت و اخلاق» برای جرم‌انگاری اعمال جنسی استفاده کرده است. مفاهیمی که اساساً با مفهوم «آزار و اذیت جنسی» به عنوان نوعی از فعل مجرمانه علیه تمامیت جسمانی افراد تفاوت‌های بنیادی دارد. این تفاوت از این جهت مهم است که در جرم‌انگاری عمل آزار و اذیت جنسی این تجاوز و تعرض به تمامیت جسمانی فرد است که مجرمانه بودن فعل ارتكابی را سبب می‌شود؛ حال آنکه در جرم‌انگاری روابط نامشروع یا اعمال منافی عفت و اخلاق این حرمت و ممنوعیت شرعی این اعمال است که موجب مجازات مرتکب می‌شود.

این رویکرد به جرایم جنسی حتی در مورد جرم «تجاوز به عنف» نیز در قانون مجازات اسلامی وجود دارد؛ آنجا که قانونگذار به جای استفاده از واژه تجاوز از مفهومی به نام «زنا به عنف» استفاده کرده است (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی). فعلی مجرمانه که با توجه به تعریف ماده ۲۲۱ قانون مجازات از آن تنها در صورت عدم وجود «علقه زوجیت» و در واقع حرمت شرعی رابطه جنسی خارج از ازدواج مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. نتیجه آنکه طریق اثبات زنا به عنف (همان تجاوز جنسی) نیز همانند اثبات زنا عملاً بسیار مشکل است.

تدوین‌کنندگان نسخه نخستین لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، احتمالاً با آگاهی از این نقص قوانین کیفری در ایران، با گنجانیدن مفهومی به نام خشونت جنسی در متن لایحه و اشاره مستقیم به عدم وجود رضایت زن در افعال مجرمانه «تجاوز جنسی، تعرض جنسی، آزار جنسی و مزاحمت جنسیتی» سعی در جبران این خلاء گسترده قانونی داشته‌اند. کوششی که با حذف کامل مفهوم خشونت جنسی از سوی دستگاه قضایی و ادامه رویکرد قانون مجازات در به کار نبردن واژه‌های «تجاوز، تعرض و آزار جنسی» و جایگزینی آن با «جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی» در لایحه تازه نقش بر آب شده است. به ویژه اینکه در این لایحه برخلاف متن اولیه آن هیچ سخنی از وجود یا عدم وجود رضایت زن در میان نبوده و صرفاً اعمالی به عنوان اعمال جنسی مجرمانه علیه زنان جرم‌انگاری شده‌اند که شرعاً نامشروع باشند. نتیجه آنکه همچنان این احکام اسلامی است که باید حفاظت شوند؛ نه تمامیت جسمانی زنان.

از این بیش دستگاه قضایی در لایحه تازه تامین امنیت، در اقدام عجیب دیگری مخالفت با حجاب اجباری و ترویج و تشویق حجاب اختیاری و طرفداری از آزادی زنان در انتخاب پوشش را در زمره جرایم خشونت آمیز علیه زنان قرار داده و در دو ماده جداگانه آن را جرم‌انگاری کرده است. از طرف دیگر لایحه جدید در حالی در ماده ۴۸ خود مجازات ارتكاب رفتاری را که منجر به کشف حجاب اجباری یک زن شود حبس یا جزای نقدی درجه شش پیش بینی کرده که در ماده ۵۰ خود مجازات آزار جنسی بدنی زنان از طریق لمس آنان را حبس درجه هشت تعیین کرده است! گویی که از منظر

تدوین‌کنندگان این لایحه کشف حجاب زنان از آزار جنسی مهم‌تر بوده و تبعاً مجازات در نظر گرفته شده برای آن نیز سنگین‌تر است. اساساً روشن نیست منظور قانونگذار از «رفتاری که منجر به کشف حجاب اجباری گردد» چیست. در ادامه بند ۶ این ماده دوباره با تأکید بر امنیتی‌انگاری موضوعات مربوط به زنان وزارت کشور را مکلف کرده تا با آنچه که «تخریب نقش زن در خانواده و جامعه و حیا و عفت زن مسلمان» خوانده شده مقابله کند. ماده ۱۷ این لایحه نیز همچنین با تأکید بر تفاسیر دینی از نقش زن در جامعه، خانواده و ازدواج با به رسمیت شناختن تبعیض جنسیتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را موظف ساخته تا «ملاحظات جنسیتی بانوان در طراحی رشته‌ها و گرایش‌ها، برنامه ریزی آموزشی و تقویم دانشگاهی» رعایت کند.

اعمال این سطح از تغییرات گسترده در لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و تبدیل آن به لایحه‌ای که همانطور که از نامش پیداست، تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در اولویت سوم آن قرار دارد در حالی است که قوه قضاییه ایران پیش‌تر بارها اعلام کرده بود که قصد ایجاد تغییرات فراوان را در لایحه اولیه ارسال از سوی دولت ندارد. در این میان البته جدای از نگاه نهاد قانونگذاری ایران (قوه قضاییه، نمایندگان مجلس و شورای نگهبان!) نسبت به موضوعات مربوط به زنان، آنچه بیشتر در لایحه جدید به چشم می‌خورد دیدگاه غالب فقه شیعه به مفهومی به نام خشونت علیه زنان است. نظرگاهی که در آن اساساً آزادی و برابری زنان و همچنین خشونت در صورت وجود علقه زوجیت مفاهیمی بی‌معنی، غیر ضروری و چه بسا مضر و خطرناک به شمار می‌آیند. همچنین ایرادهای حقوقی وارده بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

- در بحث ازدواج کودک با فرزندخوانده بسیاری از فقیهان نظرات متفاوتی داشتند و کلی راهکارهای فقهی متناسب برای استفاده مطلوب ایجاد شد. با این حال باید بگوییم که فقه (!) همیشه مغفول مانده است!

- با توجه به قرن (۲۱) و این که می‌توانیم مسئله مفتضیات زمان و مکان را در جامعه جهانی مطمح نظر داشته باشیم. افزایش سن ازدواج از ضروریات قانونی است.

در واقع ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال در وهله نخست شدیداً برای کودک محرومیت روزافزون ایجاد می‌کند؛ آنچنان که شاهد هستیم، دختران ۱۵ ساله مطلقه گاهی با یک یا دو فرزند هیچ توانایی ندارند. یعنی اگر رهایشان کنیم، ناچارند که از طریق خودفروشی و کارهای دیگر امرار معاش کنند.

در وهله پسین این آسیب به نفع جامعه نبوده و بازخورد بیرونی دارد. گرچه عده ای می‌گویند ما چه کار داریم که خارجی‌ها خوششان می‌آید یا نه، در پاسخ می‌توان بیان داشت که فارغ از نظریه ی خارجیان، بایستی روی انسان و حقوق طبیعی و قانونی او تأکید ورزیم. یعنی افزایش سن ازدواج بایستی در قانون درج گردد.

- یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که حوزه کودکان در حال حاضر با آن مواجه است، نبود و عدم درک مشترک برای فهم خشونت علیه کودکان است. گرچه این قانون تعریفی از انواع خشونت‌ها ارائه کرده تا مفاهیم حوزه کودک در قانون ذکر شود.

- از دیگر موارد مندرج در این لایحه موضوع به رسمیت شناختن کودکان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با پدران خارجی است، البته با تصویب لایحه، کارت تابعیت ایرانی به آنها داده نمی‌شود اما آنها از حمایت‌های بهداشتی و آموزشی برخوردار می‌شوند!

- اگرچه این لایحه سن کودک و نوجوان را زیر ۱۸ سال عنوان کرده که نیاز به مراقبت‌های قانونی دارد و از جمله مواردی که در این لایحه در نظر گرفته شده قابل «تجدیدنظر بودن تمام احکام کودکان و نوجوانان» به صورت «مکرر» در دادگاه‌ها است که در واقع عمل‌کرد دادگاه‌ها و قضات را می‌طلبد تا راهی قانونی برای نجات کودک و نوجوان از مجازات‌های سنگینی مانند اعدام به حساب می‌آید.

- همچنین هرگونه صدمه و اذیت و آزار کودکان، ضرب و جرم، محبوس کردن، به کارگیری برای فعالیت‌های جنسی، استفاده‌های مبتذل از آنها، بهره‌کشی اقتصادی، توهین یا تهدید آنها به معنای مواجه مجازات است و برای هر جرمی مجازات مشخصی مانند جزای نقدی و حبس را لحاظ کرده است.

حال آنکه یک مرکز می‌تواند مکان مناسبی برای کودکان بزه دیده و بزه‌کار باشد تا از عوارض وارد شده به آنها جلوگیری کند. زیرا که، وارد شدن هر گونه آسیبی به کودکان، آینده آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. با توجه به اینکه (۴۰٪) درصد خشونت‌های خانگی مربوط به کودک آزاری است.

- افزون بر این هنگامی که در مجلس شورای اسلامی از مقررات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها سخن رانده می‌شود اساساً به این معنا نیست که آنها به جامعه خارجی بها می‌دهند، بل، در واقع این موارد ابزارهایی برای رعایت حقوق بشر هستند!

- فراتر از این، به باور این قلم: « این لایحه برغم نظر بسیاری، در مسیر سند آموزشی ۲۰۳۰ نیست. سند آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو که در دولت روحانی قرار بود به تصویب برسد با مخالفت تندروها و نهایتاً [آقا]ی خامنه‌ای از برنامه‌های درسی حذف شد. مخالفان این سند آن را حمایت از هم‌جنس‌گرایی و آموزش روابط جنسی و خارج از ازدواج عنوان می‌کردند.»

امروزه برخی از کودکان و نوجوانان دچار آسیب جنسی می‌شوند که بنا به دلایل مختلف فرهنگی و اجتماعی گاه از شکایت در این خصوص صرف‌نظر می‌کند.

نقش قانون در تحول جامعه

باید توجه داشت که تصویب قانون به تنهایی نمی‌تواند کاربرد داشته باشد و نیازمند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و از جمله اقتصادی است. اما قانون، یکی از ابزارهای ایجاد تحولات اجتماعی و همچنین عدالت اجتماعی است و این تحولات از جمله در زمینه حقوق کودکان، به قانونی کامل و جامع نیاز دارد. قوانین کنونی کشور، فاقد جامعیت و مانعیت هستند و تصویب لایحه حقوق کودک و نوجوان، شاید بتواند از بروز بخش بزرگی از مشکلات، جلوگیری کند. این لایحه اگرچه عاری از ایراد نیست و باید پیش از اینکه به تصویب نهایی برسد، مورد بازنگری قرار گرفته و از نظرات تخصصی متخصصان حوزه کودک بهره برداری شود تا همچون مواردی دیگر شاهد وجود نقص و خلا در آن نباشیم.



مفهوم حقوق بشر، مانند هر دیدگاه سرزنده‌ی دیگری، ایستایی ندارد و در تملک گروه و دسته خاصی نیست. به عکس، معنای آن با دریافت آدمیان از احتیاج‌ها و امیدهای آنان بسط می‌یابد. برای بهبود شرایط زندگی زنان در جهت طرح مشهود تری از مفهوم و اجرای حقوق بشر در فرهنگ ما، ضروری است که تجارب خاص زنان به رهیافت‌های سنتی نسبت به حقوق بشر افزوده شود بر این پایه با توجه به محدودیت‌ها، ابهام‌ها و تضاد های قانون اساسی جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی، اغراق آمیز نخواهد بود اگر بگوییم که نویسندگان این قانون وزنه سنگینی را به پای اقتصاد ایران بسته اند. از سوی دیگر قوانین موجود در ایران بطور عام نمی‌توانند معرف قوانینی که متضمن برابری و عدالت در همه حوزه های زندگی باشند. در قوانین جزایی هم بطور اخص حقوق دیگری از زنان در جامعه نقض می‌شود مانند حق گزینش پوشش، حق ورود به استادیوم ورزشی، مسئولیت مدنی و کیفری که برای دختران ۹ سال تمام است و یک دختر ۹ ساله که مرتکب جرمی شود بسان بزرگسالان مجازات می‌شود و این در حالی است که بسیاری از کارشناسان حقوق و حقوق دانان بین المللی بر این باورند که برای افراد زیر ۱۸ سال اساساً نباید پرونده قضایی/ کیفری تشکیل داد. و یا حق سقط جنین که همان حق بر بدن و مالکیت بر آن است که قوانین کنونی در ایران به مردان اجازه می‌دهد که در خصوص درآمد و معیشت زنان تصمیم بگیرند. مردان «زنان را بخشی از مایملک خود می‌دانند و به همین دلیل حس می‌کنند که حق دارند بر بدن آنان هرگونه‌ای که خواستند ستم کنند و درباره قابلیت فرزندآوری آنها و یا گزینش جنسیت جنین تصمیم‌گیری کنند. نظرگیرنده تر اینکه حس می‌کنند میتوانند بدون آنکه تحت مجازات متناسب با جرم ارتكابی قرار بگیرند، حیات و زندگی آنها را بگیرند. به نظر نگارنده: «تغییر نظام سیاسی و حقوقی در ایران و استقرار یک نظام دموکراتیک و لائیک، می‌تواند مانع از، از دست رفتن جان‌های بیشتری شود.»

- خشونت جنسیتی بیش از هر خطر دیگری در ایران و جهان، جان زنان را می‌گیرد. پدیده زن‌کشی در جامعه ایران به یکی از ابزار اصلی اعمال خشونت، قتل، تهدید و کنترل زنان در خانه و در بیرون از خانه تبدیل شده است. در واقع خانه خطرناک ترین محل زندگی برای زنان و خشونت خانگی مرگبارترین نوع خشونت علیه زنان است. برای کاهش میزان زن‌کشی و خشونت خانگی، و توانمند کردن زنان در جامعه و خانواده و برای از بین بردن آن چه تجربیاتی در کشورهای منطقه و جهان وجود دارد؟ شما چه پیشنهادات و راهکارهایی می‌توانید ارائه دهید؟

حقوق بشر زنان؛ ظهور یک جنبش

نیره انصاری: ابتدا فهم درست خشونت در کشور ما باید رخ دهد زیرا با آنکه حجم بالای قوانین در این حوزه داریم، اما

کارآمدی لازم را ندارند و ضعف فرهنگ سازی بیش از گذشته در این روزها خودنمایی می‌کند.

در واقع همه این قوانین و عملکردهای حکومت اسلامی در ایران در مغایرت با حقوق بشر و اسناد و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشری در وجه عام و حقوق زنان و کودکان در وجه خاص قرار دارد. که با ورود قانونگذار، در حوزه و جرم انگاری انواع خشونت های خانگی و حذف قوانین محرک و خشونت زا، می‌توان زمینه فرهنگ سازی را گشود زیرا این قوانین معیوب و مردسالار و ضد انسانی بوده که فرهنگ مخرب آن را طی سالیان (بیش از ۴۳ سال) وارد جامعه نموده است. از دیگر فراز چنانچه قانونگذار موارد حقوقی مربوط به زنان را که به سنت و عرف اشتباه سپرده و در برابر آن سیاست سکوت پیشگی خود را ادامه دهد، این نوع جنایات بطور مداوم تکرار می گردند.

سال‌هاست که بحث قتل‌های ناموسی در ایران مطرح بوده؛ هر چند هیچ وقت آماری مشخص در این زمینه نداشتیم. جایگاه این نوع از خشونت علیه زنان در میان خواسته‌های فعالان جنبش زنان کجاست؟ می‌دانیم که قتل‌های ناموسی پیش از بهمن ۱۳۵۷ هم در مناطقی از ایران وجود داشته و این بر می‌گردد به سنت‌های جامعه مرد/پدرسالار، به ویژه در جوامعی که در آنها سنت‌های عشیره‌ای حاکم بود. با این تفاوت که پیش از سال ۵۷، قوانین به این میزان زن‌ستیز نبودند و قانون این همه از سنت حمایت نمی‌کرد. زیرا همواره قانون باید جلوتر از فرهنگ باشد تا بتواند جامعه را تحت کنترل خود در بیاورد.

در خصوص اهمیت این نوع خشونت در میان مطالبات زنان باید بگویم که این موضوع همواره در قالب خشونت علیه زنان، از مطالبات آنان بوده است. در واقع، وقتی بحث خشونت علیه زنان را مطرح می‌شد زیر مجموعه بحث خشونت خانگی، قتل‌های ناموسی هم قرار داشت؛ هر چند ممکن است مصداق‌های زیادی برای آن نبود. اما واقعیت این است که قتل‌های ناموسی در میان خواسته‌های حقوقی، کمرنگ‌تر از قانون طلاق و یا شروط ضمن عقد مطرح شده است زیرا مواد قانونی حامی این نوع از خشونت‌ها در قانون مجازات اسلامی آمده، نه قانون مدنی که مورد تاکید جنبش زنان بود. دو ماده در قانون مجازات اسلامی حامی اصلی قتل‌های ناموسی محسوب می‌شوند. یکی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی است که براساس آن «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکروه باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.» ماده دیگر، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی است که می‌گوید: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد. تبصره- چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب، مانع قصاص نیست.»

به این معنا که اگر پدر یا جد پدری فرزندش را بکشد، شامل مجازات قتل نمی‌شود. این دو ماده قانون مجازات موجب شده که قتل زن و قتل کودکی که اساساً دختر است (ما کمتر دیدیم که پسری به دست پدرش کشته شود) مجوز قانونی پیدا کند. و دلیل این که این دو ماده در گفتمان رایج مطالبه‌محوری زنان، نقش محوری پیدا نکرده، همین است که نه در قانون مدنی بل، تنها در قانون مجازات اسلامی آمده است. اینکه چه تفاوتی هست بین اینکه این مواد در قانون مدنی آمده باشد یا در قانون مجازات اسلامی؟ آیا تغییر قانون مجازات اسلامی کار دشوارتری است؟

پاسخ این است که وقتی قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان را بررسی می‌کنیم، نخستین مساله آن چیزی است که زندگی روزمره آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ آزادی، اختیار و انتخاب زنان را مورد تهدید قرار می‌دهد. این‌ها مواردی است که در قوانین مدنی به طور سیستماتیک علیه زنان اعمال شده است. درباره مواد قانون مجازات اسلامی باید به تک‌تک موارد برخورد و مصداق را پیدا کرد و براساس آن حقوقدانان وارد عمل شوند. برای نمونه؛ قتل آریین گلشنی؛ دختر بچه‌ای که به دست نامادری و پدرش کشته شد اما در نهایت دادگاه برادر او را به عنوان کسی که ضربه کشنده آخر را وارد کرده بود، متهم شناخت. در این پرونده، ماده ۲۲۰، قانون مجازات سابق که پدر را در صورت قتل فرزندش متهم نمی‌شناخت، مورد پرسش قرار گرفت. همان تلاش‌ها و مطرح کردن پرونده، که البته از حمایت برخی رسانه‌ها هم برخوردار شد، سبب شد که پس از تلاش‌های حقوقدانان، کودک‌آزاری از مصادیق جرائم خصوصی خارج شد و حالا به عنوان یک جرم عمومی هر کس که شاهد آن باشد، می‌تواند علیه آن شکایت کند. پرسش این است که چرا مورد آریین گلشنی می‌تواند تبدیل به انگیزه‌ای برای تغییر قانون شود اما همه موارد قتل‌های زنان در این سال‌ها نتوانسته چنین انگیزه‌ای برای تغییر در قوانین را ایجاد کند؟ با نگاهی منتقدانه متوجه می‌شویم که چقدر فعالیت‌های اکتیویست‌های حوزه زنان، به ویژه در آن زمان، مرکز محور بوده است. پرونده آریین گلشنی در تهران گشوده شد و اکتیویست‌ها و روزنامه‌نگاران ساکن تهران به راحتی در فعالیت‌های مربوط به آن مشارکت می‌کردند و خبرها را پوشش می‌دادند.

اما قتل‌های زنان و به ویژه قتل‌های ناموسی عمدتاً در جوامع عشیره‌ای دور از تهران، در استان‌های حاشیه‌ای و محروم رخ می‌داد. این دور بودن از مرکز عامل چند مسئله بود، یکی منتشر نشدن یا دیر منتشر شدن خبر، دوم دشواری

دسترسی به منابع محلی برای هماهنگی و برنامه‌ریزی و از همه مهم‌تر، پذیرفتن این سنت از سوی بسیاری از زنان همان منطقه یا عشیره که مساله را داخلی تلقی می‌کردند و آن را پنهان نگه می‌داشتند اما اکنون که شبکه‌های اجتماعی فعال شده‌اند خبرهای بیشتری منتشر می‌شوند. از این پیش مسائل فرهنگی مرکز را نباید نادیده گرفت، مثلا فیلم قیصر هم که به موضوع ناموس می‌پردازد و هنوز بیننده‌های خود را دارد، بر اساس یک رویداد واقعی ساخته شد که در تهران رخ داده بود.

واقعیت این است که فعالیت‌های حقوقدانان در این سال‌ها و ارتباط آنها با بدنه جنبش زنان سبب شد که بسیاری از این موارد قانونی از کتاب‌ها و پشت درهای بسته دادگاه‌ها خارج شود و به رسانه‌ها و موضوعات بحث و گفتگو در میان فعالان جنبش زنان کشانده شود. برای نمونه، تلاش‌هایی که برای جلب توجه‌ها به اعدام کودکان کمتر از ۱۸ سال در ایران صورت گرفت. به دلیل محدودیت رسانه‌ها و خط قرمز بودن ورود به مسائل شرعی و قانونی خود ما اکتیویست‌ها هم به تدریج و گام به گام با این دست قوانین آشنا شدیم و شروع به فعالیت در مورد آنها کردیم.

در این میان یک نکته دیگر هم وجود دارد. برخی فیلم‌های سینمایی ساخته شده در ایران که در آنها قتل ناموسی رواج داشت، مردم محلی تظاهرات و تجمع مقابل سینماها برگزار کردند و نسبت به نمایش آن فیلم اعتراض کردند. تا چه میزان جنبش زنان ایران از درگیر شدن با این تفکرات و واکنش‌های شدید نسبت به آن امتناع می‌کند؟ آیا پایبندی مردم برخی مناطق به سنت‌هایشان دلیل نپرداختن به این موضوع نیست؟ آیا جنبش زنان توان جنگیدن در دو جبهه را نداشت؟ از سویی قوانین شرعی و از سوی دیگر دیدگاه سنتی بومی؟ در حقیقت جنبش زنان ایران با نیروی محدود در محاصره قوانین متحجر، وحشیانه و زن‌ستیز قرار دارد. طی ماه‌های اخیر [از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی/۲۰۲۲/۱۴۰۱] نیز شاهد افزایش انتشار اخبار به قتل رسیدن چند زن توسط مردان خانواده بوده ایم. به موجب آمار خبرگزاری‌ها در ایران ۵۰٪ درصد قتل‌های خانوادگی ناموسی هستند. البته جامعه هم نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد، اگر حالا این تلاش صورت نگیرد، کی فرصت مناسب بعدی خواهد رسید؟ نکته مهم اینجاست که قتل رومینا یک زنگ خطر بود. تا پیش از این اطلاعات پیش از این بیشتر از استان‌های محروم و البته جوامع عشایری بود؛ استان‌های جنوبی و غربی. اما از اخبار قتل‌های ناموسی در مناطق شمالی ایران بندرت منتشر می‌شد.

کوچ کردن این شیوه تفکر و خشونت از جوامع عشیره‌ای به استان‌های شمالی کاملا قابل بررسی است. زیرا قتل ناموسی در کشور دارد شیوع پیدا می‌کند. و این زنگ خطر است که اگر در جوامع عشیره‌ای، این یک سنت بود، حالا در مناطق مختلف ایران با حمایت قانون زنان به دست مردان به قتل می‌رسند.

در قتل رومینا گفته شد که پدرش پیش از به قتل رساندن او از یک وکیل در مورد مجازات قتل فرزند پرسش کرده، و می‌دانیم که برخورد قانون با این گونه جرائم، بین سه تا ده سال زندان است.

اکنون دیگر در سراسر کشور می‌دانند که چگونه می‌توان از قانون سوء استفاده کرد. پیش از این در جامعه خشونت خانگی رواج داشته، مردسالاری هم حاکم بوده، فقر هم به این مجموعه اضافه شده است. در حقیقت نه تنها اطلاع‌رسانی در خصوص رواج خشونت افزایش یافته بل، عواملی که در بالا بیان گردید، آمارها را نیز افزایش داده است. جامعه مستاصل و خشونت‌زده است. در این شرایط هم آن دختر به فرار فکر می‌کند و هم خانواده خشن‌تر و پرخاشگرتر با او برخورد می‌کند. تا زمانی که ماده ۳۰۱ جاری باشد، تاسیس صدها خانه امن نیز نمی‌تواند مانع خشونت علیه زنان باشد.



در واقع می‌توان بیان داشت، تا وقتی که نظام سیاسی و حقوقی در ایران تغییر ننماید، قانون اساسی و دیگر قوانین عادی چون قانون مدنی و قانون مجازات قابلیت تغییر را نخواهد داشت و صدور لوایح اساسا نمی‌تواند تغییری در شرایط زنان ایجاد کند. همواره باید تغییر قانون همراه و هم‌زمان با حرکت فرهنگی صورت بگیرد. بیاد داشته باشیم که هیچ تغییری یک باره رخ نمی‌دهد اما اساسا نقش قانون این است که افکار سنتی را در جوامع تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بر همین مبنا قانون باید همواره جلوتر از سنت‌های رایج در جامعه پیش برود تا هر چه بیشتر به اعلامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری نزدیک شود.

در ایران یک حاکمیت مذهبی از ابتدای استقرارش تاکنون قوانین متحجرانه، فئاتیک و تبعیض‌آمیز را تدوین نموده است. قدر متیقن، لایه‌هایی هم که به حیث فکری عقب نگه داشته‌شده در جامعه، نه تنها از آن قانون عقب مانده پیروی می‌کنند بل، حتی اگر قانون هم عوض شود ممکن است که در سنت‌های خود را تغییر ندهند. زیرا رابطه بین اسلام و خشونت

خانگی مورد مناقشه است. این ایده‌ها به‌طور مبهم اشاره به آیه ۳۴ سوره نساء می‌کنند که درباره اشکال «ضرب» در شرایط خاص بحث می‌کند. این آیه می‌گوید که اگر زنان از آیات پیروی نکرد ابتدا او را نصیحت کنید اگر گوش نداد از او در تخت دوری کنید اگر باز هم گوش نداد او را مورد ضرب قرار دهید. با توجه به اینکه یکی از مهمترین و جدیدترین اسناد حقوق بشر درباره زنان «کنوانسیون رفع کلیه اشکال خشونت و تبعیض علیه زنان» است. حال آنکه تک تک احکام اسلام تاریخی که مبتنی بر تفاوت حقوقی زنان با مردان است با این کنوانسیون در تعارض مستقیم است. واضح است در اسلام سنتی حقوق مرد و حقوق زن داریم، اما حقوق انسان یا حقوق بشر نداریم. در قرائت سنتی از اسلام همچنان که تفاوت فیزیولوژیک زن و مرد بدیهی است تفاوت حقوقی آن‌ها نیز به همان میزان از بداهت است. در اسلام تاریخی به لحاظ حقوقی مرد انسان درجه اول و زن انسان درجه دوم محسوب می‌شود. که اسلام سنتی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را برنمی‌تابد. در اسلام سنتی جنسیت مقدم بر انسانیت است. بر این اساس شیوع «زن‌کُشی» که یک جرم ناشی از تبعیض و انزجار جنسیت‌گرایانه با هدف کشتن زنان به دلیل زن بودنشان است؛ در ایران «از نتایج مستقیم بازمهندسی شده‌ی مردسالارانه ساختارهای اجتماعی و «قدرت‌زدایی حقوقی و فرهنگی» از زنان و دختران توسط حکومت اسلامی» است. «زن‌کُشی»، نه تنها مصداق بارز خشونت علیه زنان، بل جنایات علیه بشریت محسوب می‌گردد.

پائیز ۲۰۲۳

● مقاومت مدنی در مبارزات زنان ایران

توضیح: شهره ایرانی چند مصاحبه کوتاه با زنان ایرانی ساکن تهران برای این شماره گاهنامه "برابری" تهیه کرده است که آنها را در ادامه می‌خوانیم.



* بهار ۲۸ ساله و دانشجوی فوق لیسانس آرشیونکت

- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟
- تاثیر دارد ولی تاثیرش رو کم کم اعمال میکند و کم کم باید چشم و ذهن مردم به دیدن زنان عادت کند. چون اگر یکدفعه تغییرات بزرگی صورت بگیرد از لحاظ فرهنگی آمادگی در جامعه وجود ندارد و میتواند تاثیر معکوس داشته باشد. همین الان طبق تجربه من حتی مناطق پایین تر توی همین پایتخت آمادگی پذیرفتنش رو ندارند و به چشم بدی نگاه میکنند و به نظرم فقط درصد کمی توی کل کشور هستند که فرهنگش رو پذیرفتند.
- نافرمانی مدنی علیه بی عدالتی‌ها و تبعیضات حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه کارساز است؟ آیا اصولا این مقاومت و مبارزه راه به جایی می‌برد؟
- کارساز هست ولی نه در این جهت که قانون‌گذارها، قانون جدیدی وضع نکنند بیشتر در این جهت که نشون میده مردم آگاهی دارند و قانون‌گذارها بهتر است تصمیماتشون رو بررسی دوباره ای کنند.
- به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش‌های دیگری را می‌توان سازماندهی و تدارک دید؟
- اول از همه که کمبودش بسیار حس میشود و از همه مهم تر پیدا کردن یک رهبر مورد اعتماد مقتدر و عاقل که مورد

پذیرش همه باشد و ابراهامی توی کارش نباشد و مردم نه از روی تعصب و یا ناچاری بلکه بخاطر شخصیت خودش او را بخواهند.

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب اجباری را عمده میکند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- چون مردم بیشتر روی این مسئله پافشاری کردند و بُلدش کردند و الان هم طوری شده که انگار بقیه مسائل برای مردم اهمیتی ندارد و حکومت هم از این مسئله سواستفاده کرده و با مقاومت بیشتر در این مسئله حجاب توان مردم رو گرفته و چون حجاب در قوانین اساسی از پایه های جمهوری اسلامی است قبول بی حجابی از نظر حکومت پایه های حکومت رو بهم می ریزد. در حالی که بقیه مسائل مثل مشکلات اقتصادی، کمبود دارو و... از این مسئله حجاب مهم ترند.

- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سرباز می زنند، صادر کرده اند که در حیطه تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟
- با افشاگری و آگاه سازی.

- گشت های تازه ارشاد وارد خیابانها بدون آرم شده اند و می گویند فقط تذکر به زنان می دهند. آیا حکومت ترسیده است یا نگران چیزی هستند؟ نظر شما چیست؟

- حکومت مقداری ترسیده و عملکردهای قبلی اش خرج زیادی را به گردنش انداخته و این برایش سنگین واقع شده است. برای همین هم میدانند جو ملتبه و هم اینکه نمی تواند خواسته مردم رو اجرا کند و با این روش های مختلف میخواهد به هدف خودش برسد.

- ایرانیان ساکن خارج از کشور چگونه می توانند از مبارزات مردم و زنان داخل کشور حمایت کنند؟
- جز افشاگری کار زیادی از دستشون ساخته نیست چون درک درستی از وضعیت ایران ندارند.

*ترانه، فوق لیسانس مکانیک، ۲۹ ساله از تهران



- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟
- زنان جامعه ایران که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند به علت عقاید و قوانین مردسالاری سال ها توی خفقان و سکوت قرار داشتند و بسیاری حتی جرات نداشتند در مقابل خانواده خود از حق و حقوق طبیعی خود دفاع کنند. اما زمانی که زنان جامعه به پا خیزند کم کم همه زنان از حقوقی که از آنها دریغ شده آگاه میشوند و بدین ترتیب شجاعت در تمام جامعه تکثیر میشود تا همه جرات پیدا کنند در مقابل ظلم چه از طرف حکومت چه ظلم ناشی از فرهنگ مردسالاری ایستادگی کنند.

- نافرمانی مدنی علیه بی عدالتی ها و تبعیضات حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه کارساز است؟ آیا اصولا این مقاومت و مبارزه راه به جایی می برد؟

- اینکه نافرمانی مدنی نهایتا موجب تغییر حکومت میشود یا خیر مسئله ای ناشی از سیاست های جهانیست و این را

نمیدانم. اما این نافرمانی مدنی در مقابل تبعیض و بی عدالتی، موجب آگاهی بسیاری از مردم نسبت به مسائلی شده که پیش از آن اصلا به آن فکر نمی‌کردند و موجب افزایش شجاعت برای ابراز و دفاع از عقایدی شده که تا امروز کمتر کسی جرأت میکرد آنها را بیان کنند. پیش از آن اصلا به آن فکر نمی‌کردند و موجب افزایش شجاعت برای ابراز و دفاع از عقایدی شده که تا امروز کمتر کسی جرأت میکرد آنها را بیان کنند.

به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش‌های دیگری را می‌توان سازماندهی و تدارک دید؟

- آگاهی دادن به همه ی افشار جامعه از ظلم و فجایع انسانی و محیط زیستی که توسط این حکومت در حال انجام است. همچنین مطالعه و بالا بردن آگاهی خودمان و تشویق همه به فکر کردن بدون جهت گیری ذهنی خودشان.

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب اجباری را

عمده میکند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- زیرا رژیم ادامه کار خود را در حمایت افراد متعصب مذهبی می بیند که یاد گرفته اند به دلیل تعالیم مذهبی بدون فکر کردن خیلی مسائل را بپذیرند. راضی نگه داشتن این افراد در گرو حفظ حجاب اسلامی است

- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سرباز می زنند، صادر کرده اند که در حیطة تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟

- با ترسیدن و ادامه دادن نافرمانی مدنی خود و تلاش برای بیداری مردمی که تن به این ظلم ها میدهند.

- گشت های تازه ارشاد وارد خیابانها بدون آرم شده اند و می گویند فقط تذکر به زنان می دهند. آیا حکومت ترسیده است

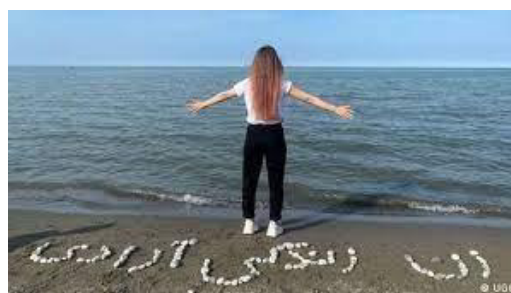
یا نگران چیزی هستند؟ نظر شما چیست؟

- دولت میخواهد مردم را بترساند و نشان دهد اگر مخالف خواسته های ما قدم بردارید، زندگیتان را نابود خواهیم کرد.

- ایرانیان ساکن خارج از کشور چگونه می توانند از مبارزات مردم و زنان داخل کشور حمایت کنند؟

- با آگاه سازی افراد خارج از کشور از مسائل داخلی و اعتراض به دولت کشورهای محل زندگی خود در صورتی که با دولت ایران همکاری کنند.

* مهربان ۶۸ ساله، فوق دیپلم و خانه دار



- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟

- مقاومت مدنی و تغییرات اساسی در یک راستا حرکت می کنند. اگر چه زمان بر است.

- نافرمانی مدنی علیه بی عدالتی ها و تبعیضات حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه کارساز است ؟ آیا اصولا این مقاومت

و مبارزه راه به جایی می برد؟

- نیاز به حمایت داخلی بیشتری است

- به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش‌های دیگری را می‌توان سازماندهی و تدارک دید؟

- حضور جمع های پر تعداد در اعتراض ها و اعتصابات سراسری.

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب اجباری را عمده میکند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- مسئله حجاب در جمهوری اسلامی خط قرمز شناخته می شود. بقای حجاب اجباری و جمهوری اسلامی به هم گره خورده است.

- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سر باز می زنند، صادر کرده اند که در حیطه تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟

- از آنجائیکه قوه قضائیه مستقل نیست. حمایت مردم و وکلای شجاع و فشار قوانین بین المللی بشر دوستانه اگر فقط در حد شعار نباشند می توانند نیروی کمک کننده ای باشند و بیش تر از پیش بی عدالتی های جاری در ایران را محکوم کنند.

- گشت های تازه ارشاد وارد خیابانها بدون آرم شده اند و می گویند فقط تذکر به زنان می دهند. آیا حکومت ترسیده است یا نگران چیزی هستند؟ نظر شما چیست؟

- بازگشت گشت ارشاد بدون آرم ریشه در ترس و فریبکاری دارد و می خواهند با بازگشتشان عادی سازی کنند. همان آدم ها هستند و یا حتی جنایتکاران که بهشان وعده و وعید می دهند.

- ایرانیان ساکن خارج از کشور چگونه می توانند از مبارزات مردم و زنان داخل کشور حمایت کنند؟

- با اعتراض ها مقابل سفارت خانه ها، انتشار اخبار واقعی در ارتباط با زندانیان و اعدام ها و ارتباط با نیروهای مردمی داخل ایران.

* ناهید ۶۲ فوق لیسانس استاد دانشگاه



- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟

- در جواب سوال یک باید بگویم این نافرمانی های مدنی حکومت را به استیصال کشانده. و ما از هم شجاعت را می آموزیم. برای حکومت بهای سنگینی دارد که هر کجا و در هر کوی و برزن نیرو بگذارد تا جلوی این نافرمانی را بگیرد. و عملاً در مقابل آن ناتوان است. زنان با مقاومت مدنی خود به جمهوری اسلام «نه» میگویند و یک «نه» بزرگ که در همه جای شهر در حرکت است!! و این پایه نظام را که بر تحمیق مردم با خرافات مذهبی استوار است متزلزل میکند.

- به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش های دیگری را می توان سازماندهی و تدارک دید؟

- در جواب سوال سه بنظر من فروپاشی نهایتاً بخاطر ناکارآمدی در حل معضلات اقتصادی خواهد بود و با اعتصابات گسترده کارگری رخ خواهد داد.

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب

اجباری را عمده می‌کند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- در جواب سوال ۴ نظر شخصی من اینست که حکومت اطاعت محض می‌خواهد و بقای آن در گروهی آنست که مردم از روی ترس و استیصال سکوت اختیار کنند و فقر و بدبختی خود را بپذیرند. پوشش اجباری زنان و دختران نشان می‌دهد که این ترس و اطاعت کورکورانه رنگ باخته و این حکومت را می‌ترساند. بعلاوه با دیدن زنان و دختران شجاعی که با پوشش اجباری به هر طرف می‌روند این شجاعت تکثیر می‌شود.
- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می‌کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سرباز می‌زنند، صادر کرده اند که در حیطه تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟
- در جواب سوال پنج با سرکوب قضایی چه می‌توان کرد؟ هیچ. چوب و باطوم و جریمه و زندان و محروم کردن از حقوق اجتماعی بدست رژیم است و رژیم هم قدرت دارد. می‌تواند و میکند. فقط با سقوطش مشکل حل میشود.
- ایرانیان ساکن خارج از کشور چگونه می‌توانند از مبارزات مردم و زنان داخل کشور حمایت کنند؟
- در جواب سوال هفت باید بگویم که من شخصا وقتی قرار شد ائتلاف صورت بگیرد خیلی امیدوار شده بودم که کمک از خارج از ایران هم می‌رسد. ولی بروز اختلافات بین اعضای ائتلاف و دعوا و تشنجی که در تظاهرات‌های خارج از کشور شاهدش بودیم من و خیلی‌های دیگر را شدیداً دلسرد کرد و احساس کردیم بچه‌های اینجا دم توپند و سرشان بالای دار و در شکنجه گاه‌های رژیم و ایرانیان آنطرف آب در جنگ و جدال و دعوای قدرت. تنها کمکی که میشود از خارج کرد اتحاد و حفظ یکپارچگی است. وگرنه تشویق جوانان به اینکه بریزد تو خیابون و سنگ‌را رو خالی نداری فقط مایه گذاشتن از جان این بچه هاست.

* انا ۶۲ ساله، فوق لیسانس روزنامه نگاری



- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟
- خب شرایط سخت و محدودیت‌ها به زنان در ایران یاد داده قوی باشند. من به عنوان فردی که روی موضوع توانمندسازی زنان کار میکنم در طول این سالها زنان زیادی را دیدم که یک تنه بار مسئولیت زندگی و تربیت بچه‌ها را به دوش کشیدند و برای حقشان جنگیدند. زن‌های ایران را بسیار قوی، با اراده و جسور می‌بینم و به قول ابتهاج: «کاوہ آینده ایران زن است.»
- نافرمانی مدنی علیه بی‌عدالتی‌ها و تبعیضات حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه کارساز است؟ آیا اصولاً این مقاومت و مبارزه راه به جایی می‌برد؟
- بنظر من ما همه در قبال هم مسئولیم و من هم به عنوان فردی در این جامعه باید در قبال اطرافیانم مسئول باشم. مسئولیت ابعاد وسیعی دارد که از خود فرد شروع می‌شود. وقتی من با خودم صادق باشم و خودم را باور داشته باشم و از خودم مراقبت کنم سلامت روحم موجب سلامت جامعه میشود.
- به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش‌های دیگری را می‌توان سازماندهی و تدارک دید؟
- خب مشخصه که شرایط فعلی شرایط خوبی نیست خصوصاً شرایط بد اقتصادی فشارش به همه و بخصوص برای قشر

ضعیف و متوسط جامعه وارد میشود و استبداد حاکم هم که برای کمترین خواسته های مدنی دست به سرکوب می زند. اما روند تغییرات به شکلی که داره پیش میره در ما حس امید رو ایجاد کرده و قطعاً اتفاق های خوب در راه خواهد بود.

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب اجباری را عمده می کند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- جنبش مهسا نور امیدی در دل همه روشن کرد و قطعاً بی تاثیر نبود اما فکر میکنم اتفاق مهسا جرقه ای برای قویتر شدن این جنبش بود این جنبش از مدتها پیش شروع شده بود و همه این رو حس میکردیم ما در همه این سالها شاهد اعتراضات بسیاری بودیم اعتراضات دانشجویی در سال ۷۶، اعتراضات گسترده در سال ۸۸، سال های ۹۶ و ۹۸ اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، اتوبوسرانی و چهارشنبه های سفید و خیلی اعتراضات دیگر جنبش مهسا تنها تفاوتش زنانه بودنش و توجه و اهمیتی که زنان در جامعه دارند را قوی کرد و نقطه عطفی برای یک انقلاب بزرگ بود.

- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سرباز می زنند، صادر کرده اند که در حیطه تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟

- بله قطعاً. این جنبش به زنان در ایران اعتماد بنفس و خودباوری داد و به ما یاد داد که اگر بخواهیم میتوانیم سرنوشت خودمون رو تغییر بدیم و به مردهای ما یاد داد که به زنها احترام بگذارند و آنها را باور کنند.

* سیمین ۶۴ ساله، مدرک لیسانس و خانه دار



- مقاومت مدنی مردم خاصه زنان چه تاثیری برای انجام تغییرات اساسی در جامعه دارد؟

- خیلی مهم است اما کافی نیست.

- نافرمانی مدنی علیه بی عدالتی ها و تبعیضات حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه کارساز است؟ آیا اصولاً این مقاومت و مبارزه راه به جایی می برد؟

- مهمتر از مقاومت زنان این نافرمانی است و تکمیل کننده مقاومت زنان است و در طول زمان موثر می باشد.

- به نظر شما برای گذار از این رژیم، علاوه بر نافرمانی مدنی چه تلاش های دیگری را می توان سازماندهی و تدارک دید؟

- آگاه سازی و افشاگری می تواند موثر باشد

- در ایران مسائل متعدد دیگری از جمله معضلات اقتصادی، بیکاری، فقر روز افزون و انواع دیگر تبعیضات و مشکلات وجود دارد که مردم معترض آن هستند، اما حکومت بجای دادن پاسخ مناسب به مردم به مطالبات، مسئله حجاب اجباری را عمده میکند. چرا رژیم تا این اندازه اصرار به طرح حجاب اجباری دارد؟

- برای گم کردن مسائل مهمتر در پشت مسئله حجاب است. چون قشر مذهبی روی حجاب حساس هستند هدف اصلی مبارزات لاپوشانی می شود.

- قضات حکومتی، احکامی را در ارتباط با زنانی که برای آزادی پوشش مبارزه می کنند و از پوشیدن حجاب اجباری سرباز

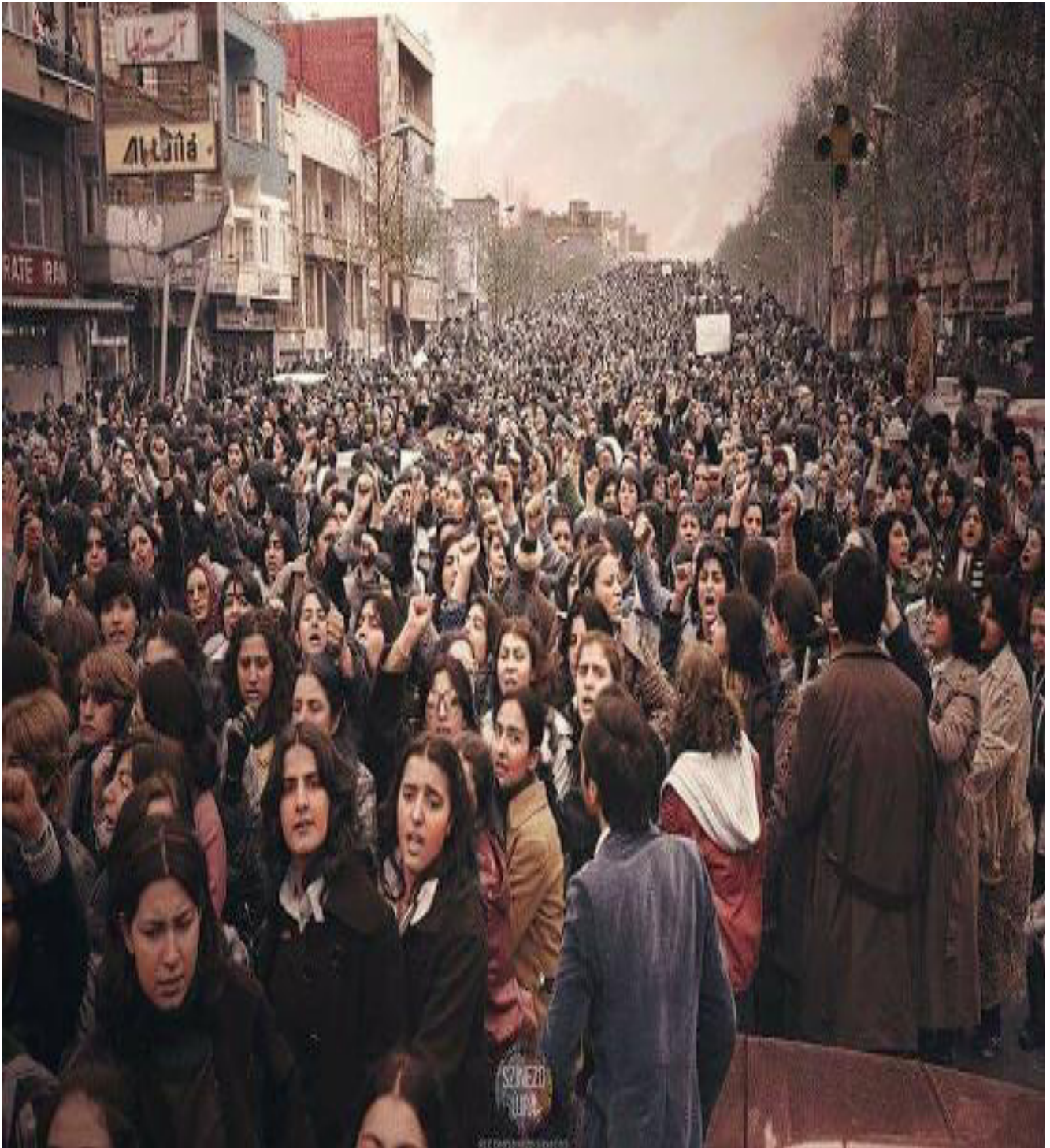
می‌زنند، صادر کرده اند که در حیطة تخصصی آنان نیست. چگونه باید با این نوع از سرکوب قضایی برخورد کرد؟
- با افشاگری.

- کشت های تازه ارشاد وارد خیابانها بدون آرم شده اند و می گویند فقط تذکر به زنان می دهند. آیا حکومت ترسیده است یا نگران چیزی هستند؟ نظر شما چیست؟

- مسلما ترس است و نگرانی از خودشان.

- ایرانیان ساکن خارج از کشور چگونه می توانند از مبارزات مردم و زنان داخل کشور حمایت کنند؟

- مردم ایران به حمایت‌های آنان احتیاج دارند اما بدون خود اتحاد بین ایرانیان در خارج و در نهایت ایرانیان داخل کار به جایی نمی‌رسد.





یکی از رایج ترین انواع خشونت علیه زنان خشونت های خانگی است. خشونت خانگی که به عنوان خشونت شریک صمیمی یا آزار خانگی نیز شناخته می شود، به الگوی رفتاری اشاره دارد که توسط یک فرد برای به دست آوردن قدرت و کنترل بر شخص دیگر در یک رابطه صمیمی استفاده می شود. این نوع خشونت مبتنی بر جنسیت است که می تواند شامل آزار جسمی، جنسی، عاطفی، روانی و اقتصادی باشد. خشونت خانگی می تواند در انواع مختلفی از روابط از جمله روابط زناشویی، قرار ملاقات، زندگی مشترک یا روابط خانوادگی رخ دهد. توجه به این نکته ضروری است که خشونت خانگی به خشونت فیزیکی محدود نمی شود. می تواند طیفی از رفتارها را در بر گیرد که هدف آن اعمال کنترل و القای ترس در قربانی است. قربانیان خشونت خانگی می توانند از هر جنسیتی باشند، اما از نظر آماری، زنان بیشترین قربانیان خشونت های خانگی هستند. خشونت روی تندرستی و رشد ذهنی، اجتماعی و هیجانی کودکان و نوجوانانی که شاهد و یا قربانی خشونت خانگی هستند تاثیر می گذارد و می تواند یک عامل خطر برای سوء مصرف مواد و الکل، پرخاشگری و خشونت و بزهکاری و انواع مشکلات روان شناختی در بزرگسالی باشد. در اینجا در مورد برخی از خشونت های خانگی که بیشتر اعمال می شود، اشاره می کنیم:

آزار فیزیکی: این نوع از خشونت شامل استفاده از نیروی فیزیکی برای آسیب رساندن یا کنترل قربانی است که ممکن است شامل ضربه زدن، سیلی زدن، مشت زدن، موکشیدن، هل دادن و خفه کردن یا استفاده از اشیاء به عنوان سلاح باشد. قتل های "ناموسی" زنان شدیدترین نوع خشونت خانگی است.

آزار جنسی: از جمله فحشای اجباری، تجاوز و اجبار یک شریک به انجام فعالیت های جنسی بدون رضایت او، وادار کردن به انجام شکلی از رابطه جنسی که برای زنان تحقیر آمیز و یا با رنج روانی و جسمی همراه باشد، که در حقیقت سوء استفاده جنسی در یک رابطه است.

اعمال سنتی مضر: این مورد می تواند شامل اعمالی مانند ناقص سازی زنان (ختنه زنان)، ازدواج کودکان و قتل های ناموسی باشد که در آن از باورهای فرهنگی یا سنتی برای توجیه خشونت علیه زنان استفاده می شود.

آزار عاطفی و روانی: شامل تاکتیک هایی مانند توهین کلامی، تحقیر، تهدید، بی اعتنایی، سرزنش کردن های ممتد و رفتارهای کنترلی است که عزت نفس و رفاه عاطفی قربانی را تضعیف می کند. تحقیر کردن زنان که در موارد بسیار ناشی از کلیشه های جنسی - جنسیتی و آموزش های غلط به مردان است، اعتماد به نفس و عزت نفس افراد مورد خشونت را تضعیف می کند، به طوریکه فرد خود را ناتوان حس می کند و از انجام ساده ترین کارها حتی خرید وحشت دارد. گفتن جملاتی مانند: تو بلد نیستی، نمی توانی، این کار تو نیست، تو نمی فهمی و... در زمره خشونت های کلامی هستند. اثرات خشونت های کلامی و تحقیر آنچنان پایدار و عمیق است که گاه نیازمند جلسات روان درمانی متعدد است و سالها لازم است فرد خشونت دیده روی خودش کار کند تا بتواند به زندگی عادی برگردد و به خود باوری برسد.

سوء استفاده اقتصادی: کنترل امور مالی فرد مورد خشونت، جلوگیری از دسترسی آنها به پول یا منابع، یا وادار کردن آنها به وابستگی مالی نوعی سوء استفاده اقتصادی است.

سوء استفاده دیجیتالی: با ظهور فناوری اطلاعات، سوء استفاده دیجیتال شامل استفاده از پلتفرم های دیجیتال برای کنترل، تعقیب، آزار و اذیت یا ارباب شریک زندگی یکی از روش های اعمال تسلط است. نظارت مداوم یا آزار و اذیت در رسانه های اجتماعی، کنترل زنان خانواده در سوشیال مدیا توسط مردان خانواده و مورد بازجویی قرار دادن آنها، کنترل زنان از طریق بازرسی چت های آنها در شبکه های اجتماعی که گاه با پیامدهای فاجعه باری از جمله قتل های "ناموسی" همراه بوده است.

چرخه خشونت: چرخه خشونت الگویی است که اغلب در روابط خشونت آمیز مشاهده می شود، به ویژه در موارد خشونت خانگی یا خشونت شریک صمیمی. چرخه خشونت توالی تکراری از مراحل را توصیف می کند که شامل تنش سازی، حادثه خشونت آمیز، و سپس دوره پشیمانی یا مرحله ماه عسل است. این چرخه می تواند امید قربانی را به توقف سوء استفاده ادامه دهد، حتی اگر این الگو ادامه داشته باشد. چرخه خشونت معمولاً به سه مرحله اصلی تقسیم می شود:

یک: فاز تنش سازی

در طول این مرحله، تنش و درگیری در رابطه شروع به تشدید می کند. قربانی ممکن است احساس کند که روی طناب راه می رود و سعی می کند از تحریک خشم آزارگر جلوگیری کند. مشاجرات یا اختلافات کوچک می تواند تنش را تشدید کند. قربانی اغلب نسبت به واکنش های آزارگر احساس اضطراب و ترس می کند. در این مرحله آزارگر از ابزار کلامی مانند فریاد کشیدن، توهین کردن، تحقیر و تهدید کردن استفاده می کند.

دو: فاز حادثه سوء استفاده (فاز بحران)

در این مرحله تنش به نقطه شکست می رسد و سوء استفاده رخ می دهد. این می تواند شامل خشونت فیزیکی، آزار عاطفی، حملات کلامی، تجاوز جنسی، یا هر نوع آسیبی باشد که آزارگر برای اعمال کنترل و تسلط بر قربانی استفاده می کند. سوء استفاده می تواند شدید و آسیب زا باشد. در این مرحله قربانی احساس تحقیر شدگی می کند و خود را در وضعیتی غیر عادلانه گرفتار می بیند.

سه: فاز توجیه، ماه عسل یا فاز آشتی

پس از حادثه، فرد آزار دهنده اغلب از اعمال خود احساس پشیمانی یا گناه می کند. در این مرحله فرد خشونتگر تلاش می کند رفتار خشن خود را توجیه کند. قربانی تلاش می کند تا این توضیحات را درک کند. در مورد رفتار و گفتار خودش دچار شک و تردید می شود؛ غالباً قربانی خود را سرزنش می کند و خود را "مقصر" و یا مسئول وضع پیش آمده احساس می کند. آزارگر ممکن است عذرخواهی کند، قول تغییر دهد و نسبت به قربانی ابراز محبت کند. این مرحله را می توان با مهربانی، عذرخواهی و حرکات عشقی مشخص کرد. قربانی ممکن است امیدوار باشد که سوء استفاده متوقف شود و رابطه بهبود یابد به همین دلیل هم قربانی با پذیرش ضمنی اینکه باید رفتار خود را تغییر دهد، بهانه را برای ایجاد خشونت روانی بعدی می دهد و به صورت تدریجی در موضع مورد خشونت واقع شده تثبیت می شود. این دوره آرامش موقتی است و زمینه را برای شروع دوباره چرخه فراهم می کند.

مرحله تنش سازی زمانی باز می گردد که ناامیدی و عصبانیت فرد آزار دهنده دوباره شروع به افزایش می کند. این منجر به یک حادثه توهین آمیز دیگر می شود و چرخه خشونت را دوباره شروع می کند. این چرخه با تشدید تنش، بروز سوء استفاده و سپس مرحله آشتی موقت ادامه می یابد.

با گذشت زمان، این چرخه می تواند مکرر و شدیدتر شود و رفتار های سوء استفاده آمیز تشدید گردد. امید قربانی به تغییر و ترس از انتقام می تواند به ماندن آنها در رابطه آزاردهنده کمک کند. شکستن چرخه خشونت برای قربانیان به دلیل احساسات پیچیده می تواند چالش برانگیز باشد.

توجه به این نکته مهم است که همه روابط توهین آمیز از این الگو پیروی نمی کنند و این چرخه بسته به شرایط فردی می تواند متفاوت باشد. به علاوه، درک این نکته ضروری است که مسئولیت خشونت فقط بر عهده فرد آزارگر است. قربانیان هرگز برای آزاری که تجربه می کنند مقصر نیستند.



پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی نیازمند یک رویکرد جامع است

اگر شما یا شخصی که می شناسید مورد سوء استفاده قرار می گیرید، جستجوی کمک ضروری است. منابعی مانند خطوط تلفن، پناهگاه ها، مشاوره و گروه های حمایتی در دسترس می توانند به افراد نیازمند کمک برسانند و آنها را راهنمایی کنند.

راهکار های پیشنهادی برای پیشگیری و کاهش خشونت های خانگی

***آموزش و آگاهی:** افزایش آگاهی در مورد نشانه های خشونت خانگی و ترویج پویایی روابط سالم از طریق کمپین های آموزشی در مدارس، محل کار و جوامع. ترویج آموزش در مورد برابری جنسیتی، حقوق زنان و تأثیر منفی خشونت. افزایش آگاهی می تواند کلیشه ها و هنجارهای مضر را که خشونت را تداوم می بخشد به چالش بکشد. به این منظور می توان با ایجاد کمپین های رسانه ای برای به چالش کشیدن کلیشه ها و ترویج روایت های مثبت در مورد زنان، گام های موثری در ترویج برابری جنسی - جنسیتی برداشت.

خدمات پشتیبانی: برای کمک به افراد خشونت دیده و خارج شدن از موقعیت های بد و بازسازی زندگی خود، پناهگاه ها، خطوط تلفن، مشاوره، و خدمات کمک حقوقی ایجاد کنید.

اصلاحات قانونی: وضع و اجرای قوانینی که از قربانیان محافظت می کند و عاملان را در قبال اعمالشان مسئول می داند. حذف قوانین تبعیض آمیز علیه زنان یکی از گام های اساسی برای کاهش خشونت علیه زنان و کودکان است.

آموزش برای حرفه ای ها: ارائه آموزش هایی را برای مجریان قانون، ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی، مددکاران اجتماعی و سایر متخصصان تا موارد خشونت خانگی را بشناسند و به طور موثر به آنها پاسخ دهند.

مشارکت اجتماعی: جوامع را درگیر کنید تا هنجارهایی را که خشونت خانگی را تحمل می کنند یا از آن حمایت می کنند به چالش بکشند و روابط محترمانه را ترویج کنند. درگیر کردن مردان و پسران را به عنوان متحد در مبارزه با خشونت علیه زنان.

برنامه های توان افزایی: فراهم کردن منابع و فرصت هایی را برای آزار دیدگان تا کنترل زندگی خود را دوباره به دست آورند، از جمله آموزش های شغلی، کمک های مسکن و شبکه های حمایتی.

همکاری: تشویق به همکاری میان بخش های مختلف، از جمله سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی، مجریان قانون، ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی و مربیان برای ایجاد پاسخی هماهنگ به خشونت خانگی.

مداخله زودهنگام: انجام دخالتی هایی که به مسائل اساسی قبل از تشدید خشونت، رسیدگی می کند، مانند برنامه های مدیریت خشم و مشاوره برای مجرمان و بازماندگان.

راه حل های بلندمدت: رسیدگی به مسائل سیستمی گسترده تری که به خشونت خانگی کمک می کنند، مانند؛

نابرابری جنسیتی، نابرابری های اقتصادی، و هنجارهای اجتماعی که رفتارهای مضر را تداوم می بخشد.

پیشگیری از خشونت خانگی نیازمند تلاشی همه جانبه است که سطوح فردی، اجتماعی و سیستمی را در بر می گیرد. این در مورد به چالش کشیدن باورهای ریشه دار، تغییر رفتارها و ایجاد فرهنگی است که در آن حقوق زنان مورد

احترام، ارزش گذاری و حمایت قرار گیرد.

پائیز ۲۰۲۲

چرا در تشکلهای موجود سیاسی، زنان حضور فعال ندارند؟

مصاحبه منیژه صبا با نسرين فعال حقوق زنان در ايران



- به نظر شما چرا زنان در تشکلهای سنتی قبل و بعد از انقلاب حضور پر رنگ نداشته و ندارند؟ و یا به نظر می‌رسد حضور پر رنگ ندارند؟

- زنان همواره در طول تاریخ ایران بخصوص در صد واندی سال گذشته در همه جنبش‌ها حضور داشتند و منشا اثر بوده‌اند ولی این «حس» که زنان نبودند عمدتاً به این دلیل است که حتی با وجودی که حضور داشتند هم بوسیله تاریخ نویسان و هم به وسیله مردان حضور زنان نادیده گرفته شده است. مردان سیاسی‌کار با بی‌رحمی نقش هم‌زمان خود را نادیده گرفته و بی اهمیت جلوه داده‌اند.

- آیا امروز هم زنان از همان نگاه سنتی مردان هم‌رزم خود رنج می‌برند؟

- بله متأسفانه مردان در همان فضاهای قبلی مانده‌اند و گفتار خود را «برحق» می‌دانند و هرگونه رفتار «دیگری» را کم اهمیت جلوه می‌دهند. مردان اگر بخواهند کوچکترین تغییری بکنند جایگاه خود را در خانواده و میان اطرافیان از دست می‌دهند.

- آثار تبعی این نگاه مردان چیست؟ و در یک تشکل چه تاثیری بر زنان می‌گذارد؟

- در چنین شرایطی زنان خواه ناخواه دنباله رو مردان می‌شوند، و اگر زنی جلوی یکی از مردان بایستد و وارد مباحثه جدی شود، دفعه دیگر به او تلفن نمی‌زنند و جلسه را اطلاع نمی‌دهند.

- این نقض آشکار اصول دموکراسی است پس آیا می‌توان گفت ساختار تشکلهای موجود دموکراتیک است و آیا

همه افراد ارزش و اهمیت یکسانی دارند؟

- نه به هیچ‌وجه، ساختار تشکلهای، هرمی، سلسله مراتبی و مردسالارانه است. و گاه روابطی.

- در چنین ساختارهایی چرا زنان می‌مانند و آن را ترک نمی‌کنند؟

- عوامل زیادی دلیل ماندن زنان در چنین تشکلهایی است. مثل عشق و علاقه به فعالیت و تغییر دادن جامعه، باور به آرمان‌های جمع و از همه مهمتر درگیر شدنشان با وظایف و خرده‌کاری‌های تشکل، که نوعی رضایت و حس مفید بودن به آنان می‌دهد. زنانی که به نقش فرعی خود پی ببرند بی‌تامل از چنین گروه و تشکلهایی خارج می‌شوند و تشکل خود را درست می‌کنند.

مردان فعال سیاسی تا چه حد با مشکلات زنان جامعه یا اصلاً بهتر بگوییم با زنان هم‌زمان خود آشنا هستند؟ و آیا تلاش در رفع مشکلات آنان کرده یا می‌کنند؟

- به مطلب خوبی اشاره کردید، مردان حتی به اینکه زنان دارای مسئولیت‌های چندگانه هستند از جمله شغل بیرون، مراقبت از کودکان و کارهای خانه و ... فکر نمی‌کنند و تصورشان این است که چون زنان فعال نیستند باید برایشان خط مشی تعیین کرد و آنان را رهبری کرد! به علاوه چون در تشکلهای سنتی مسایل زنان مطرح نمی‌شود، رغبت زنان را برنمی‌انگیزد، آنچه بیشتر آشکار و پنهان مطرح می‌شود مبارزه مردان بر سر رهبری و کسب قدرت و ... است. و در چنین تشکلهایی (عمدتاً مردانه) فقط زنانی جای دارند که مطیع و دنباله رو همان سیاست‌ها و همان مردان باشند (مانند سازمانها و احزاب سنتی).

- پس چه باید کرد؟ آیا ساختارهای جایگزینی وجود دارد؟

- بله، قطعاً ساختار هرمی پاسخگو نیست و نوعی در جا زدن و عقبگرد است. جنبش‌های نوین باید ساختار خودشان را بسازند و ساخته‌اند. ارتباطات افقی و شبکه‌ای پاسخی است که انسان امروز به نیاز خود برای داشتن روابط دموکراتیک ایجاد کرده است. در تشکلهای افقی تمامی افراد برابری دارند بخصوص افراد در حاشیه، زنان، روستاییان، فقرا، معلولان، اقلیت‌ها و اقوام و همه بی‌صدایان.

* از شما برای وقتی که گذاشتید متشکرم.

• توانمندسازی زنان نویسنده: سیلش سیتاللا* ترجمه: پروین عرفانی



توانمندسازی زنان را می توان در ویژه گی هایی مانند احترام و باور به خود، شناسایی حقوق خود، توانایی تصمیم گیری برای خود و داشتن حق حضور و شرکت و تاثیرگذاری در تغییرات اجتماعی تعریف کرد.

توانمندسازی و مشارکت زنان در امور اجتماعی، اقتصادی و توسعه تبدیل به معضلی اساسی در سطح جهانی شده است. توانمندسازی زنان در این زمینه ها به آنان یاری رساند که بتوانند کنترلی بر منابع، دارایی ها و درآمدها پیدا کنند.

توانمندسازی زنان می تواند آنها را برای مبارزه در برابر وقایع و ناگواریهای پیش بینی نشده تجهیز کند. توانمندسازی زنان همچنین می تواند به افرادی که به واسطه مسائل جنسیتی در محیط های اجتماعی سیاسی به حاشیه رانده می شوند، یاری رساند. با وجودی که این واژه ها اغلب جا به جا (interchangeably) مورد استفاده قرار می گیرند، اما از منظر وسیعتر «توانمندسازی جنسیتی» اشاره به افراد با هر جنسیتی، با تقابل بین بیولوژی و جنسیت عملکردی دارد.

توانمندسازی زنان با آموزش و پرورش، سوادآموزی، آموزش های حرفه ای و آگاهی سازی ممکن می شود. افزون بر آن، تصمیم گیری زنان در مسائل راهبردی زندگی با توانمندی آنان در این مهارت ها گره خورده است. تصمیماتی که پیشتر دستی بر آن نداشتند.

در حال حاضر، توانمندسازی زنان از اولویت بالایی برای توسعه برخوردار است. در واقع، برای نیل به پیشرفت، باید دید زن چه می تواند برای توسعه و پیشرفت انجام دهد و نه اینکه توسعه چه می تواند برای زن فراهم کند.

سازمان های ملی و بین المللی متعددی فعالانه برای توانمندسازی زنان کار کرده اند. جهت نیل به این هدف، این سازمان ها متفقا اصول هفتگانه زیر را تدوین کرده اند:

- ۱- در اولویت قرار دادن برابری جنسیتی مدیران حرفه ای (business leadership)؛
- ۲- پایبندی به اصول حقوق بشر، برابری، احترام و ایجاد فضای عاری از تبعیض برای همگان؛
- ۳- تضمین بهداشت و سلامت، رفاه و ایمنی کلیه کارکنان اعم از زن و مرد؛
- ۴- تشویق زنان به سوادآموزی، آموزش و پرورش و پیشرفت های حرفه ای؛
- ۵- آموزش روشهای دستیابی به زنجیره های تامین و تولید، بازاریابی، و راهکارهای توسعه کاری؛
- ۶- ارتقا برابری حقوق زنان با ارائه طرح ها و پروژه های اجتماعی؛
- ۷- پیشبرد برابری جنسیتی همخوان با موازین جامعه و اطلاع همگانی.

نگاهی کوتاه به تاریخچه

قرن هجدهم: در فرانسه و انگلستان موضوع حقوق زنان از جمله مباحث مهم سیاسی بود.
قرن نوزدهم: در این قرن زنان اقدام به طرح و درخواست حقوق زیر نمودند:

- حق برابری در کار و اشتغال
- داشتن حق رای
- داشتن حق مالکیت
- داشتن حق سفر و جابجایی
- حق آگاهی رساندن حقوق قانونی زن به زنان
- حق آگاهی رسانی تبعیض علیه زنان
- داشتن حق بهداشت و سلامتی
- داشتن حق آموزش و پرورش

- داشتن حق باروری
- داشتن حق زادایست (کنترل موالید)
- داشتن حق سقط جنین
- جلوگیری از سو رفتار در زمان زایمان
- جلوگیری از ازدواج کودکان
- جلوگیری از بارداری تحمیلی
- جلوگیری از خشونت علیه زنان
- تصویب قوانین حمایت از خانواده.

زمان حال:

در دهه ۱۹۶۰، این جنبش نام «فمینیزم» یا «رهایی زنان» را به خود گرفت. کنشگران خواستار پرداخت دستمزد برابر با مردان، حقوق قانونی مساوی و حق تنظیم و تشکیل خانواده و یا اصولاً حق تصمیم به نداشتن فرزند را درخواست کردند. به گفته بانک جهانی، زنان در سال ۲۰۱۹ فقط در شش کشور بلژیک، دانمارک، فرانسه، لیتوانی، لوکزامبورگ و سوئد از حقوق قانونی برابر برخوردار هستند.



ابعاد توانمند سازی

توانمند سازی گسترده وسیعی از اعتماد به نفس تا افزایش کارآمدی را در بر می گیرد. مضاف بر آن توانمندسازی را میتوان در پنج بُعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانشناختی مورد بررسی قرار داد. یک: بعد اجتماعی توانمندسازی:

عملکرد فردی و جمعی زنان و دخترانی که تلاش در ایجاد تغییرات اجتماعی می کنند و نیز مقاومت و تاثیر آنان در نهادها و گفتمانهایی که تلاش در حذف و تضعیف زنان دارند، در بُعد اجتماعی توانمندسازی قرار می گیرند. در درون خانه، این امر به شکل توانایی زنان در انتخاب و یا گفتگو با همسران خود درباره استفاده از داروها و ابزارهایی برای پیشگیری از بارداری نمودار می شود. در خارج از خانه هم به نظر میرسد زنان و دختران بدون توجه به جنسیت خود، با ایجاد ارتباطات موثر، کنشگری اجتماعی و تصمیم گرفته، عمل می کنند.

دو: بعد آموزشی توانمندسازی:

بنا به گزارش «صندوق خیریه ملاله» نزدیک به ۱۳۰ میلیون دختر، در سطح جهان محروم از آموزش و پرورش هستند. عدم دسترسی به آموزش و پرورش، به احتمال بالا، این دختران را به ازدواج زودرس و فرزندآوری، بیگاری، کار با مزد حداقلی واداشته و یا آنان را برای امرار معاش و گرفتن اندک کمکی، اجباراً به شوهران و یا وابستگان خود وابسته می کنند.

بدون آموزش و پرورش، آینده این زنان و خانواده هایشان بسیار محدود خواهد شد. آینده زنان با آموزش و پرورش شروع می شود. آموزش و پرورش به زنان فرصت دستیابی بیشتری برای ورود به بازار کار را فراهم می کند و منتج به کسب درآمد بیشتر و انزوای کمتر در کُنج خانه که آنان را محروم از انتخاب های مالی میکند، می شود.

سه: بُعد اقتصادی توانمندسازی:

توانمندسازی زنان در بُعد اقتصادی در چهارچوب مشارکت برابر آنان در بازار کار تعریف می شود. دسترسی و کنترل زنان به منابع تولیدی، دسترسی و کنترل کارهای کلیدی، داشتن فرصت بیان نظریات و نیز تعامل و مشارکت مفید در اخذ تصمیمات اقتصادی در تمام سطوح، که شامل تصمیم در امور خانواده تا نهادهای بین المللی است، در این گستره قرار می گیرند.

چهار: بُعد سیاسی توانمندسازی:

برابری جنسیتی نقطه عطف حقوق بشر و سنگ پایه توسعه بلند مدت است. زنان، علی رغم این واقعیت که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل میدهند، غالباً از شرکت در روند گفتمان سیاسی و تصمیم گیری در اموری که تاثیر مستقیمی بر زندگی آنها دارد، حذف شده اند.

مشارکت زنان در امور سیاسی و داشتن نقش‌های مدیریتی از جمله راهکارهای موثر برای هدایت و آشنایی آنان با حقوقشان است. شرکت بیشتر زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری در راستای رشد اقتصادی و اجتماعی جهانی است.

پنج: بُعد توانمندسازی فرهنگی/ روانشناختی:

توانمندی فرهنگی نه تنها تابوهای سنتی، اجتماعی و مردسالارانه‌ی حاکم بر زنان را در هم می‌شکند، بلکه به اعتماد و احترام و باور به خود می‌انجامد. زمانی که زنان به سیستم‌های آموزشی، گروه‌های سیاسی و ارگان‌های قضایی می‌پیوندند، روحا توانمند شده و کنترل درآمد، بدن و زندگی خود را به دست می‌گیرند. دیدگاه‌های زنانه که به نهادهای اجتماعی و محیط‌های کاری می‌پیوندند، به نسبت زنانی که در خانه می‌مانند، گسترده می‌شود.

نگرشی فمینیستی به توانمندسازی زنان

از جمله روشهایی که فمینیستها، برای دستیابی به هدف توانمندسازی زنان و ارتقا و افزایش هوشیاری و آگاهی‌های زنان به کار می‌گیرند، ارتباط با زنان آگاهی‌گستر فعال مدنی از یک طرف و صحبت و ایجاد ارتباط با گروه‌های مخالف و متعرض به حقوق زنان از طرف دیگر است.



افزایش آگاهی‌ها

فمینیستها از روش افزایش آگاهی‌ها برای تقویت توانمندسازی زنان استفاده می‌کنند. با ارتقا آگاهی، زنان بیش از پیش با چالش‌های روبروی‌شان آشنا شده و یاد می‌گیرند چگونه با مسایل سیاسی و اقتصادی ارتباط بگیرند. افزایش آگاهی‌ها، زنان تحت ستم را به این ادراک می‌رساند که جایگاه موثرتری برای خود در سیستم اجتماعی جستجو و پیدا کرده و ریشه‌های مشکلات خود را شناسایی کنند. آگاهی از منبع مشکلات، زنان را به سمت تجهیز خود، که نهایتاً به توانمندسازی آنان می‌انجامد، هدایت می‌کند.

ایجاد ارتباط

سازمان دهندگان فمینیستی توسعه ارتباط را به عنوان ابزاری برای توانمندسازی زنان مد نظر دارند. بنا به نظر صاحب نظران ایجاد ارتباط موجب ایجاد توان میشود. عدم توازن روز افروز قدرت در جامعه معلول نبودن ارتباط است که می‌تواند در ایجاد توازن کارآمد باشد. برای نیل به این هدف، طرفین بایستی توازنی بین نظرات موافق و مخالف پیدا کنند. تعارض‌ها زمانی در جوامع شکل می‌گیرند که اعضای آن جامعه در صدد ایجاد همکاری و همبستگی با عوامل خارجی، مانند نمایندگان دولتی، هستند. ایجاد فضای مناسب برای همکاری و شنیدن نظرات مخالف اهمیت بسیاری دارد. برطرف کردن اختلاف‌نظرها به ایجاد فضای اعتماد فیما بین می‌انجامد.

موانع:

هنجارهای فرهنگی

در حالی که برای بعضی عادی است، اما زنان مشکلات ناشی از نابرابری جنسیتی را عمیقاً حس می‌کنند. بسیاری از مردان صاحب قدرت چالش‌های فرهنگی جنسیتی را بر نمی‌تابند.

اینترنت

براساس پژوهش‌های انجام شده دستیابی بیشتر به اینترنت امکان بهره‌وری و استثمار از زن را افزایش میدهد. «سواستفاده در فضای مجازی را متوقف کنید» (Stop Online Abuse) گزارش داده که در سال ۲۰۱۰، ۷۳٪ زنان در فضای مجازی مورد مزاحمت، اذیت و آزار، پورنوگرافی و تعرضات جنسی قرار گرفتند.

از طرف دیگر، اینترنت امکان فعالیت مجازی برای رفع موانع، نیل به پیشرفت، دسترسی به آموزش و اطلاعات بهداشتی، پیشرفت‌های حرفه‌ای و ایجاد گروه‌های منسجم برای فعالیت در جهت احقاق حقوق زنان را فراهم کرده است. به طور مثال کمپینی در سال ۲۰۱۳ موفق شد به فعالیت یک صد صفحه (site) در فیسبوک که به نفرت پراکنی

علیه زنان می پرداختند، پایان دهد. در سال ۲۰۱۷، هشتگ «سیندرلا نیستم» (#Aint No Cinderella)، مورد توجه همگان قرار گرفت زیر وارنیکا کوندو، دختری که بعد نیمه شب ۴ اوت در حال رانندگی به سمت خانه بود، مورد تعرض دو مرد که با یک خودرو شاسی بلند وی را تعقیب می کردند، قرار گرفت، چون تا دیروقت شب بیرون مانده بود. در پی این واقعه، زنان در هندوستان و دیگر نقاط جهان با استفاده از هشتگ سیندرلا نیستم عکس هایی از خود بعد از نیمه شب را به اشتراک گذاشتند که نشان دهند هیچگونه محدودیت زمانی پذیرفتنی نیست.

محل کار

بنا بر مطالعات انجام شده، در محل کار، زنان با مشکلات و موانعی بیشتری، در قیاس با مردان، دست و پنجه نرم میکنند. زنان با بازدارنده هایی مانند اذیت و آزار جنسی، تبعیض در استخدام و ارتقا مقام، نابرابری دستمزدها و درآمدها و مانند آن باید مبارزه کنند. برابر آمار سال ۲۰۱۴، دستمزد زنان شاغل تمام وقت ۷۹ سنت، و در مقابل، دستمزد مردان شاغل تمام وقت، برای کار مشابه یک دلار بوده است. افزون بر آن، دستمزد مادران شاغل به نسبت پدران شاغل کمتر و ۷۱ سنت در برابر هر دلار بوده است.

در پایان

علیرغم دستیابی به موفقیت هایی در توانمندسازی زنان، هنوز راهی بس بلند و دشوار در پیش است. آگاه سازی زنان به توانایی بالقوه شان نیازمند توجه بی درنگ همگان است. کشورها با ارائه راهکارها و ضوابطی درخور، بایستی ارتقا وضعیت بهداشت و سلامتی، آموزش و پرورش، اشتغال و توانمندسازی زنان را هموار سازند. دولت ها باید برای تشویق همگان به توانمندسازی زنان اقدام به آگاهی سازی کرده و زمینه ایجاد نگرش های مثبت و موافق عموم را فراهم آورند. بسیاری از زنان از نظام قدرت مردسالاری برای اعمال فشار بر دیگران استفاده کرده اند؛ مواردی مانند رابطه مادر شوهر و عروس.

نهایتاً، زنان بایستی ابتکار عمل را برای توانمندسازی خود به دست گیرند. هیچ راهکاری موثرتر از توانمندسازی زنان وجود ندارد.

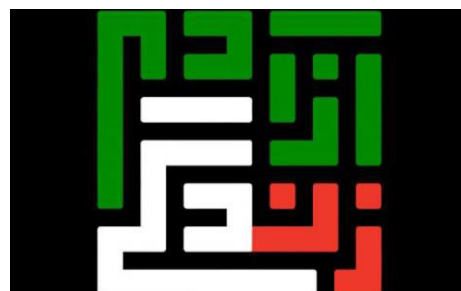
پائیز ۲۰۲۳

* سیلش سیتالا - دانشجوی رشته جامعه شناسی از هند



• تأثیر جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» در مبارزات زنان ایران

توضیح: منیژه صبا چند مصاحبه کوتاه با زنان ساکن ایران از سنین ۱۹ تا ۷۰ سال برای این شماره گاهنامه "برابری" تهیه کرده است که آنها را در ادامه می خوانیم.



*شهلا

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟
- وضعیت کنونی متأسفانه رضایت بخش نیست. به دلیل اینکه حتی زنان تحصیل کرده هنوز به خوبی به حقوق خود آشنا نیستند اما من به آینده امیدوارم و آینده را روشن می بینم.
- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟
- سعی میکنم تا حد امکان روشننگری کرده و زنان را به تغییر جایگاه خود خصوصاً در خانواده تشویق کنم.
- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفاً توضیح دهید.
- شرایط امروز را نسبت به گذشته بهتر می بینم. باور دارم که نسل امروز بسیار آگاه تر از نسل گذشته می باشد و دیگر حاضر به برگشت به گذشته نیست.
- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟
- جنبش فرهنگی که با فرهنگ جاری جامعه تضاد و خواهان تغییر بوده و هست.
- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفاً این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.
- بله حداقل برخورد آقایان نسبت به خانم ها عوض شده و گویی آنان هم بیدار و علاقمندند در کنار دختران و زنان قرار گیرند.
- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟
- ادامه مبارزه تا بدست آوردن نتیجه مطلوب به هر نحو که بتوانیم.



*هائده

- زن به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود

در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- استمرار در مطالعه حقوق زنان در قانون اساسی و مدنی. بالا بردن مستمر سطح آگاهی خود و زنان داوطلب دیگر برای

یافتن راهکارهای صلح آمیز مدنی برای رسیدن به آن قوانینی که میخواهند و انجام اقدامات میسر اجتماعی بطور دائم.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می نواید

تعریف کنید؟

پاسخ: من نقش خود را نه به عنوان یک زن بلکه به عنوان یک انسان در سطح جهانی تعریف می کنم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در

شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط را رو به رشد و تغییر می بینم البته با مطالعه و اقدام مستمر و آگاه سازی همگانی چه زنان و چه مردان. اگر ما

(اکثریت فعال جامعه) تغییر کنند، شرایط خواه و ناخواه تغییر می کند. /البته که تاثیرگذار است. شرایط اجتماعی امروز را با

شرایط ده، ۲۰، ۳۰ یا چهل سال پیش از نظر مطالبه گری و هر درخواستی نامعقولی را نپذیرفتن مقایسه کنید با مطالعه و

مطرح کردن حقوق قانونی زنان در ایران، چند کشور دیگر در خاورمیانه، چند کشور آسیایی، چند کشور آفریقایی، چند کشور

اروپایی و آمریکا. سپس با شفافیت و واقع بینی تصمیم بگیریم کجا می خواهیم برسیم. سپس نقشه راه را ترسیم کنیم مثل

صحبت از خواسته هایمان در فضای مجازی و آماده سازی قدم به قدم جنبه روانی زنان از قربانی به خود مختار.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی،

آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی

چه بوده و هست؟

- از دیدگاه من زن، زندگی، آزادی یک شعار بین المللی است. اما قبل از آن باید تعاریف شفاف و همه فهم درباره هر یک از

این واژه ها داد تا از تحریف و تعبیر گوناگون در امان بماند. دیگر آن که در مورد آزادی در زمینه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و

اجتماع تعامل دیدگاه ها صورت گیرد تا از برداشتهای سودجویانه و هرج و مرج دوری شود.

بطور مثال در مورد آزادی بیان و نشریات و چگونگی پیاده کردن چهارچوب آن برای مردمی که یک تاریخ دردآور سلطه استبداد،

دارای سطح مطالعه پایین، میزان پذیرش مسئولیت ضعیف، تحت تاثیر احساسات بودن بالا، انجام کار جمعی و فرهنگی

ضعیف است. اما با این وجود ۱۵۰ سال است که خواهان آزادی اند چونکه می توان دموکراسی را تعریف و پیاده کرد که

همانند جنبش های دیگر به فنا نرود.

- آیا این جنبش مهسا تأثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله؛ بله؛ جسارت در خود واقعی بودن فردی و اجتماعی افزایش یافته. مردم در صحن اجتماع با اعتماد و صبوری بیشتری با هم به صحبت می‌پردازند. اطلاع‌رسانی‌های هشدار دهنده مسئولانه و نشر آن‌ها بیشتر شده. ناامیدی، خشم و توهین در هنگام داشتن اختلاف نظر یا بروز مشکل فزونی یافته.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می‌باشد؟

- از نقش قربانی و انفعال خارج شویم. در حد توان ... مسئولیت بپذیریم و انجام دهیم. پس از انجام آن‌ها فقط کمی کش.... بیایم و دایره مسئولیت مان را بدون فشار یا بدون انتظار در دیدن نتایج آنی گسترش دهیم. قهرمان درون خود را رشد دهیم و از قهرمان پروری در سطوح فردی و اجتماعی و تعصب دوری کنیم.



*منیژه

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می‌کنند؟

- به نظر من در طی سالها زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کم‌کم و به تدریج رو به رشد بودند و با تدبیر و صبوری مسیر را برای خود باز کرده و در سالی که گذشت نقش خودشان را در تحولات سیاسی به نمایش گذاشتند که بسیار هم تأثیر گذار بوده است و ابعاد جهانی داشته است.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می‌توانید تعریف کنید؟

- ترجیح می‌دهم این سوال را از جایگاه یک انسان و فارغ از جنسیت پاسخ بدهم. چون به نظرم بیشترین تأثیر مثبتی که می‌توانم

روی اطرافیانم بگذارم، تقویت باور آن‌ها به این امر است که ارتباط بدون خشونت تنها مسیری است که آدمها را به صلح می‌رساند. پس نقش من می‌تواند خودشناسی بیشتر و همدلی و مشارکت باشد تا بلکه بتوانم ارزشهایم را زندگی کنم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می‌بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تأثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

پاسخ: مسلماً شرایط امروز، زندگی زنان را بیشتر تحت تاثیر قرار میدهد و من اکنون هم شرایط را مثل قبل نمی بینم و به نظرم این تغییر وضعیت، اتفاق افتاده است. و طبق قوانین هستی همواره در حال تغییر هستیم حتی وقتی همه چیز ساکن به نظر می‌رسند.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

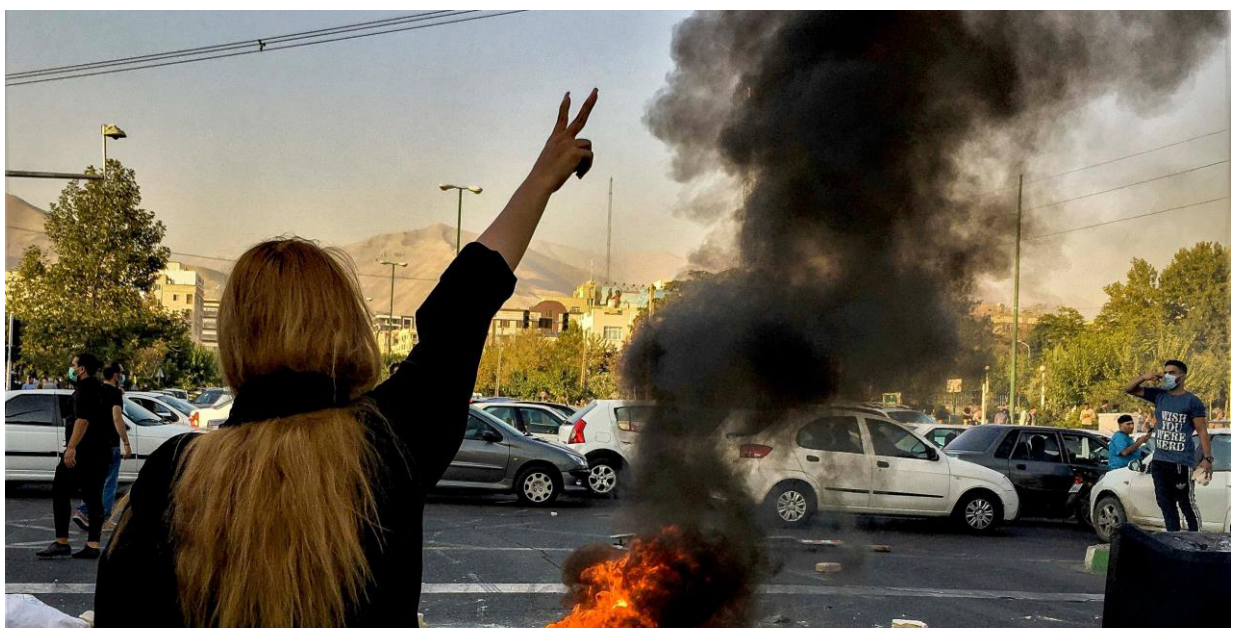
- من بیشتر بعد درونی این جنبش برایم قابل توجه بود. مشاهده میکردم که بعضی از اطرافیانم واقعا زیر و رو شده اند و انگار انقلابی درونی در درونشان اتفاق افتاده است.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- با توجه به شرایط کاری و فعالیتهای اجتماعی که دارم بیشتر درگیر ترومای ایجاد شده بعد از موج هیجانی جنبش بودم و میتوانم بگویم که اگر چه سخت گذشت اما تصورم این است که سطح تاب آوری و شجاعتم افزایش پیدا کرده است. و این بازخورد را از اطرافیانم هم میگیرم.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می‌باشد؟

- رشد شخصی من با هویت جنسی برابر و از جایگاه یک انسان، موجب خواهد شد تا با یک نگاه کل نگر، هم روی پسران و هم روی دختران در دایره محیطی خودم اثر گذار باشم و به نظرم در حال حاضر بیش از هر زمانی، خودشناسی و تقویت خود در مهارت های ارتباطی و هیجانی برای همه ضرورت دارد.





* نازی

- **زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟**
- مردم ایران و بخصوص زنان فعلا تحت فشار حکومت از بُعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بخصوص در ارتباط با حجاب اجباری اند، ولی زنان به طرق مختلف در حال مبارزه مدنی و برای گرفتن حق و حقوقشان از حکومت هستند. امیدواریم که بتوانیم موفق شویم. ولی فراموش نباید کرد که قشر خاکستری زنان کم نیستند که چه از ترس و یا ممانعت خانواده (پدر مادر، شوهر، برادر) مجبور به سکوت شده اند.
- **شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟**
- من خودم را محکم و مصمم برای اهدافم و مدیر در کارهای گروهی در جامعه به دنبال گرفتن حق و حقوق زنانم ام بخصوص بعد از جنبش زن، زندگی، آزادی هستم. من با جرئت می گویم که فعال و معترض حجاب اجباری ... هستم و در جامعه (کوچه و خیابان.....) مرتب با مردم برای مقاومت صحبت می کنم.
- **شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.**
- شرایط ایران بخصوص در این چند سال اخیر بسیار سخت و مشکل از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و در زندگی ما تاثیر داشته ولی بعد از قتل مهسا اولین قدمی که ما زنان برداشتیم تغییرات ظاهری زیادی در جامعه پیدا شد و آن بدون حجاب وارد خیابان و همه اماکن عمومی شدن بود که یکی از قدمهای بزرگ زنان بخصوص دختران جوان ما هست. و من امیدوارم که این تغییرات روز بروز بیشتر و در نهایت منجر به رفتن این حکومت فاسد بشود.
- **سوال چهارم: یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟**
- این جنبش اعتراضی را یک انقلاب بزرگ و متفاوت با جنبش های اعتراضی گذشته می دانم چون کسانی که در این جنبش جان و زندگی خود را گذاشتند جوانها بودند که آگاهانه و با شجاعت قدم در این راه گذاشته و زنها و مردان سرزمینم هم با آنها هم قدم شدند و شک ندارم که در زمانی نه چندان دور موفق و پیروز خواهند شد.
- **آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.**
- صد در صد تاثیر داشته و جرات و جسارت را در زنان جامعه بسیار بالا برده بطوریکه مردان را همراه با زنان و جوانان کرده اند.
- **از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟**
- مهمترین وظیفه ما زنان همدلی و همراهی با افراد جامعه است و بین زن و مرد فرق ندارد فقط باید متحد باشیم و برای به ثمر رساندن اهداف ما از طریق مبارزه مدنی و نافرمانی مدنی با حکومت مقابله کنیم. وظیفه مهم دیگر ما در خانواده تفاوت بین دختر و پسر نگذاریم و فرهنگ سازی کنیم و در قدم دیگر ما باید در صف جلو اعتراض باشیم و جوانها رو از صدمه دیدن حفظ کنیم. و مهم دیگر باید هر کس از خودش شروع کند .



* مرضیه

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- در شرایط کنونی به نظر من جامعه برای زنان به گروه‌های متفاوت تقسیم شده است:
- زنان خود ساخته که برای رشد خود در هر زمینه ای (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) از کسب آگاهی و آموزش دریغ نمی ورزند (که این گروه خوشبختانه رو به افزایش است)؛
- زنانی که خود را به عنوان یک کالا در نظر گرفته و سعی در عرضه خود با شکلی که برایشان به صورت تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم دیکته شده، می کنند؛
- زنان بی تفاوت؛
- زنان به ظاهر روشنفکر که در اصل محدود به باورها و اعتقادات قدیمی و دست و پا گیر خود هستند.
و آینده برای زنان خودساخته و در مسیر رشد و جویای آزادی با چالش‌های بیشتری شاید همراه باشد اما به خاطر چشم اندازی روشن و اهداف کاملا مشخص، شیرین و دست یافتنی است.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می نوایید تعریف کنید؟

- موثرترین و مهمترین نقش، پذیرش خویش و رویارویی با خود واقعی ام است. استفاده بهینه و مسئولیت پذیری و انعکاس آن جهت جذب و تغییر دیدگاه خانواده، دوستان و آشنایان و... نسبت به نقش یک زن واقعی.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- ظاهرا یک شرایط نابسامان، بدون برنامه، تصمیم گیری های روزانه با اهداف کوتاه مدت ولی چه بسا پشت این ناکارآمدی ها سیاست از آب گل آلود ماهی گرفتن نهفته باشد. برای من بله. به نظرم تغییرات اجتناب ناپذیره، حرکت سریع یک گردونه در وحله اول شاید آشفتگی را نشان دهد اما در جای واقعی خود به سکون خواهد رسید.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- در وحله اول یک موج عظیم و پر قدرت از فشر جوانان علی الخصوص زنان که بی محابا و بدون ترس با شجاعت و جسارتی که شاید زمانی آرزوی خودم در سال‌های گذشته بوده، هجومی آغاز شد. از نگاه من غیر قابل پیش‌بینی بوده و هست.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله. بله خیلی زیاد.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- آموزش و پرورش خویش و بالا بردن سطح تاب آوری در وحله اول برای خود و بعد اشاعه‌ی آن در خانواده.



*هاله

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- در حال حاضر زنان در فشار روحی و جسمی از هر لحاظ قرار دارند ولی به نظر من آینده از آن زنان است.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می نوانید تعریف کنید؟

- من نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و دیگران را این گونه می بینم که با رفتار و گفتار و کردار، خود را در شان یک زن خودباور و با اعتماد به نفس نشان دهم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط امروز مثل دریا طوفانی است. بله حتما این شرایط تاثیرگذار است. به نظر من امکان تغییر بسیار زیاد است چون زنان آگاه شده اند.

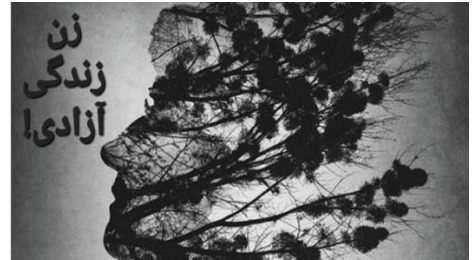
- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟
- این جنبش، اعتراضی بود به تمام رنجها و دردهای زنان در طول تاریخ و این جنبش ادامه خواهد داشت.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله این جنبش تاثیر بسیار زیادی در زندگی تک تک ما بوجود آورده و نگاه جامعه به زنان خیلی تغییر کرده و محسوس دیده میشود.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- به نظر من ما زنان در شرایط کنونی باید بیشتر تلاش کنیم در راستای خودباوری و اعتماد به نفس و به روز شدن اطلاعات حرکت کنیم. به امید پیروزی.



* شهین

زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- این یک حقیقت مسلم و غیر قابل انکار است که زنان یک نیروی بزرگ و مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به ویژه فرهنگی در یک جامعه هستند و در ساختار فرهنگی یک جامعه بسیار موثر و تعیین کننده هستند. نکته مهم و قابل توجه اینست که زنان این موضوع مهم رو بپذیرند و باور داشته باشند که می توانند با آگاهی به تفکرات و باورهای خود نقش مهمی در فرهنگ سازی جامعه که خود نیز بخش بزرگی از آن هستند داشته باشند که خوشبختانه این مهم در چند سال اخیر و به خصوص ماه‌های اخیر روند رو به رشد داشته منجر به خودباوری در زنان ایران شده است و همین امر می‌تواند آینده روشنی رو برای بانوان جامعه ما رقم بزند.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- من بعنوان یک زن در جامعه، خانواده، دوستان و فامیل همیشه هویت خود را مستقل دانستم و خود را ارزشمند دیده ام، در راستای اهداف خود کوشیده و سعی میکنم با آگاهی زندگی کنم چرا که برای رسیدن به آزادی و داشتن یک زندگی زیبا آگاهی لازم است. به نظر من پل عبور و رسیدن به هویت مستقل و آزادی، داشتن آگاهی است و سعی میکنم این آگاهی را به اطرافیان به خصوص فرزندانم نیز منتقل کنم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط امروز جامعه، نا آرام است مثل رودخانه ای متلاطم و گل آلود که آرامش در آن دیده نمی شود. اخبار بد مدام به گوش می رسد ولی در پس این جو نا آرام و این سیل اخبار نه چندان خوب، یک امیدواری موج می‌زند که مژده از داشتن آینده ای بهتر می دهد. چون من فکر میکنم این حجم از نابسامانی پایدار نخواهد بود و به زودی مثل دیواری کج فرو خواهد ریخت.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- جنبشی پرجوش و خروش و آغازی طوفانی که خاموش نخواهد شد چرا که تازه جرقه زده و باعث بیداری موج عظیمی از جامعه شده و جامعه ای که بیدار شود دیگر به راحتی به دوران قبل از بیداری باز نخواهد گشت. به نظرم جنبشی است که تازه آغاز شده و غیرقابل پیش بینی است و همبستگی بی نظیری در آن دیده میشود. میشود.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- جنبش مهسا (زن، زندگی، آزادی) قطعاً در زندگی همه افراد جامعه در ایران حتی خارج از ایران تاثیر زیادی داشت و نگاه بسیاری از افراد و به ویژه آقایان رو نسبت به دختران و زنان تغییر داد و همه خانواده به خصوص خانواده هایی که جوان و نوجوان دارند بسیار تحت تاثیر قرار گرفتند.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- من در سوال های قبلی پاسخ این سوال را دادم. وظیفه ما زنان اینست که هوشیار و آگاه باشیم و در بیداری و آگاهی خود و اطرافیان و فرزندان مان بکوشیم. و این مهم زمانی میسر خواهد شد که خود را به عنوان یک هویت مستقل دوست بداریم و بپذیریم و در این راستا کوشا و فعال باشیم این پذیرش و این خودباوری باعث تغییر دیدگاه همه جامعه خواهد شد.

زندگی آزادی

* ثریا

- **زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟**

- به نظر من در شرایط کنونی ایران گویی زنان همچنان در رده دوم و بعد از مردان قرار می گیرند و غالباً با توانمندی‌هایشان گزینش و انتخاب نمی شوند. هرچند در سال‌های اخیر کم و بیش بهبودهایی را شاهدیم ولی همچنان ناامیدی از تلاش‌های مکرر و درجا زدن‌ها که البته بخش بزرگی از آن شاید ربطی هم به جنسیت ندارد و مختص عموم جامعه است، غالب است.

- **شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟**

- شنیده‌ایم با یک گل بهار نمی شود ولی در واقعیت، بهار از رویدن یک یک گل‌هاست که جلوه‌گری می کند تلاش و پویایی به اضافه مهر و همدلی و جستجو برای آگاهی از حقوق خود، توانمندی‌های خود و ارتباطات و غیره... کمک می کنند به بهبود وضعیت فرد و به تبع آن وضعیت اجتماع کوچک خانواده و فامیل و جامعه من این نقش را سازنده و تاثیرگذار می دانم.

- **شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفاً توضیح دهید.**

- شرایط اقتصادی سیاسی را خوب نمی بینم و بسیار متاسفم از این بابت اما، شرایط فرهنگی اجتماعی و میزان همدلی را بیشتر می بینم. الان گروه‌های حمایتی از قشر محروم و نیازمند اکوسیستم و محیط زیست، حیوانات و غیره... بیشتر از قبل هستند و این، امید برای تغییر جامعه را در من بیشتر می کند. حوادث سال گذشته تاثیر خوبی روی سطح آگاهی جامعه داشته، مردان بیشتر با حقوق زنان آشنا شده‌اند و در همین راستا شاید بیشتر و بهتر از قبل می توانند همسر و دخترانشان را درک و با آنها همراهی کنند و به حقوقشان احترام بگذارند. بنابر این امکان تغییر وضعیت را می دهم هرچند زمانبر... زمان نیاز است تا این آگاهی‌ها منشأ رفتار و تصمیم‌گیری‌های آتی شوند.

- **یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا (ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟**

- نگاه مثبت و امیدوارانه‌ای به این جنبش دارم قطعاً با این حد آگاهی و حق طلبی، مردم به روال قبل بر نخواهند گشت. حتی اگر در جامعه در این خصوص با زور و جریمه روبرو شوند به گمانم خانواده‌ها این جریان حق طلبی و حق خواهی را ادامه خواهند داد.

- **آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفاً این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.**

پاسخ: بله. حس احترام م به انتخاب دیگران و قضاوت نکردن دیگری را در جامعه و خانواده‌ها بیشتر می بینم. حس همدلی و درک را بیشتر می بینم.

- **از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟**
- فکر می کنم آگاهی به حقوق خود و تلاش برای تحققش در خانواده و جامعه، البته با همدلی و مهر و درک متقابل و پرهیز از خشونت و تعصب و نگاه برد برد در این خصوص می تواند کمک کند که همگی در بهبود وضعیت جامعه تاثیر بگذاریم.



* مهناز

- **زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟**

- زنان ایرانی در عرصه های اجتماعی و فرهنگی همیشه در حال حاضر بسیار تاثیرگذار بوده و هستند چون بنیاد خانواده را بدست دارند. ولی در عرصه اقتصادی و سیاسی جامعه به آنها مجال حضور و ورود داده نشده تا مورد ارزیابی قرار بگیرند و مطمئن هستیم در اینصورت هم میتوانند بسیار توانمند حضور خود را ثابت کنند.

- **شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟**

- با وجود نقش های زیادی که در جامعه و خانواده و فامیل و ... داریم با دانش و توانایی های متفاوت میتوان در این نقش ها بخوبی عمل کرد و موثر واقع شد. کم نه تنها به این موارد طرح شده باور دارم بلکه به چشم خود شاهد آن موارد بوده ام.

- **شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.**

- اعتقاد این است که شرایط امروز به زنان فرصت نگرش عمیق به خود را داده است که چه می توانیم انجام دهیم و در چه موقعیت خاصی قرار گرفته ایم و از این به بعد از این موقعیت ها به نحو احسن استفاده کنیم و برای وطن خود موثر و برای جامعه ایران و ایرانی انسان ارزشمند و زنان مفیدی باشیم.

- **یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟**

- جنبش ژینا(مهسا) امینی که جنبش اعتراضی زنان بود چشم و گوش بسیاری از زنان و مردان را که در خواب خرگوشی فرو رفته بودند را باز کرد و نشان داد که چگونه میتوانند به جلو گام بردارند و برای آزادی خود و دیگران به مبارزه برخیزند و عنان زندگی خود را بدست آورند و پیروی کورکورانه را نابود سازند. و دیدیم که چقدر هم موثر بودند و امیدوارم این جنبش تمام نشود.

- **آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.**

- اگر بخواهم صداقت در گفتار داشته باشم باید بگویم با اینکه در این شرایط حضور فیزیکی نداشته ام ولی این جنبش در تمام ابعاد زندگی تاثیر گذار بوده است و مطمئن هستیم نظر همه در مورد زنان ایرانی عوض شده چه در ایران و چه در عرصه جهانی و نام زن ایرانی با جنبش زن، زندگی، آزادی گره خورده است.

- **از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟**

- در این شرایط هرگونه حمایتی که از دست ما برمی آید برای ادامه راه باید اقدام شود. در حد توانایی های هر فرد با توجه به شرایط آن فرد و درک هر انسان با خصوصیت های ویژه که بسیار مهم می باشد و بتوان تاثیر لازمه را در خانواده و جامعه و جهان داشته باشیم.



* فریبا

- **زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟**

- به نظر من زنان آگاه تر از پیش جایگاه خودشان رو در نقشهای مختلف شناختن و آهسته با توجه به شرایط اجتماعی موجود، به سمت وضعیت دلخواهشون حرکت میکنند.

- **شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟**

- من هم به عنوان عضوی از کل جامعه و عضوی از جامعه بانوان با تغییر و اصلاح باورها در تلاشم نقشی که ایفا میکنم موجب تشویق و انگیزه برای تغییر در دوستان و نزدیکانم باشد.

- **شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.**

- به نظرم تغییر رفتار کاملا قابل لمس است. البته نه به معنی ظاهری بلکه رفتار و کنش های افراد جامعه نسبت به هم به طور قابل ملاحظه ای تغییر کرده و مایه امیدواریت.

- **یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟**

- تحول ایجاد شده نوع نگرش بیشتر مردم را دگرگون کرده و باعث فکر انگیزی شده و به نظر میاد که دیگه مثل سابق نخواهد شد.

- **آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.**

- تغییر در نوع تفکر و نگرش افراد نسبت به رفتارها و عقاید دیگران چیزیه که من بیشتر شاهدش بودم. مثلا مردان نگاهشون به بلوغ و بختگی رسیده. البته امیدواری و ناامیدی رو در کنار هم داشته ولی در کل اعتماد به نفس جوانترها رو بالاتر برده است.

- **از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟**

- ایجاد گرما و قطع زنجیره افکار منفی یکی از وظایف ماست. همینطور همراهی و حمایت از جوانترها



* خدیجه

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- از دیدگاه من این جنبش باعث شد زنان کشورم اعتماد به نفس بسیار زیادی پیدا کنند و به خودباوری رسیدند. زنان هرگز فکر نمی کردند با مبارزشون بتوانند پایه یک حکومت را بلرزانند. در به حق لرزاندن حقیقتا جای شکی باقی نیست. آینده بسیار روشنی در پیش روی زنان قدرتمند ایران است.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- من به عنوان یک زن، به عنوان نقش یک مادر باید بتوانم شجاعت خود را به فرزندانم نمایان کنم و در کنار فرزندانم به نهضت زن، زندگی، آزادی به جد ادامه دهم. در کنار جوانها باشم و حامی آنها در تمام لحظات این جنبش باشم و هرگز درگیر یاس و ناامیدی به خصوص ترس نشوم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شکی نیست که این تحول بزرگ و این خود باوری در روحیه زنان ایران نقشی بزرگ و جدی دارد. قطعاً به سرانجام خواهد رسید. شجاعت دختران کشورم مایه مباحث می باشد. به شرط اینکه خسته و ناامید نشویم. قطعاً باید ما هم در کنار این دختران شجاع باشیم و تنهایشان نگذاریم. و مهمتر از همه مردان هم باید پا به پای زنان در این مبارزه همکاری کنند و زنان را تنها نگذارند.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- جهان هرگز فکر نمی کرد این حرکت از زنان شجاع و قهرمان ایران سر بزند. حرکت این شیر دختران دنیا را تکان داد. به نظر من تحولی عجیب در نگاه به شخصیت یک زن پیدا شد. ما زنان ایران توانستیم با افتخار نشان دهیم که ما هستیم، ما می توانیم و ما پیروزیم.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- این جنبش باعث سربلندی زنان ایران در کل جهان شد. این جنبش باعث قوی تر شدن زنان شد تا بیشتر خودشان را نشان دهند. ما زنان به خاطر تحقیرها و باورهای اشتباهی که در طول تاریخ بر سرمان آمده همیشه فکر می کردیم از مردان ضعیف تر و ناتوان تر هستیم. اما جنبش زن، زندگی، آزادی در حقیقت ظهور نوی برای ما زنان شد.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- وظیفه ما ادامه این نهضت با سربلندی افتخار می باشد. در کنار دختران شجاع امان بمانیم و از آنها حمایت کنیم. ناامید نشویم خسته نشویم و مهمتر از همه نترسیم.



* مزگان

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- سلام، ضمن تشکر از سوالات تفکر برانگیز شما، پاسخ های من به پرسش ها به شرح زیر است. آینده قطعاً روشن است. زنان جوامع بشری و ایران ما از خلال قرن ها ناآگاهی و تاریکی به سمت رشد و آگاهی حرکت می کنند. از جنس دوم بودن، از پستوها و مطبخ های دوران فئودالی مردسالار که زن را فقط برای تولید مثل و سرویس دادن به خانه و خانواده میدید تا جامعه سرمایه داری که به نوعی دیگر و با ظاهری مدرن و متجددانه، جنس زن را در خدمت ارضای نیازهای باز هم مردسالار و حرص انباشت سرمایه میدید... کم کم داریم به نگاهی انسانی تر و سالمتر از بشر در مفهوم کلی آن و روابط سالم در روابط زن و مرد و مفهوم خانواده و لزوم کسب مهارت های چندگانه زندگی و ... میرسیم. این مسیر پر از چالش و فراز و فرودهای زیاد و دردناک است ولی نهایتاً به روشنایی و زیست انسانی تری منجر خواهد شد.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- ویژگی این مرحله از جنبش اجتماعی ایران اینست که بطور خودجوش و طبیعی و بدون رهبری خاصی، همه برای خود نقش موثر قایلند و کار خودشون رو میکنند و روح جمعی بویژه زنان، ناگفته و نانوشته در نافرمانی مدنی و پیشبرد و ... زنده نگه داشتن جنبش، موثر و دخیل هستند.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفاً توضیح دهید.

- شرایط امروز، جنبش ایران را، پخته ترین و بالغانه ترین حالت آن تا به امروز می دانم. البته خود این مراحل هم در گستره زمانی تاریخی، ممکن است سالها طول بکشد اما برگشت ناپذیر است و حتماً آبستن تحولات نوینی ست و در عین حال باید ... مراقب انواع بیماریها و انحرافات و سوء تفسیر ها از اهداف این زایش خجسته بود.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- جنبش مهسا را حرکتی ناگهانی و گذرا و عجیب که برآمده از قتل ظالمانه یک دختر جوان گُرد باشد نمی بینم بلکه این جنبش حاصل و ادامه سالها و نسل های مبارزه مردم ایران طی قرن اخیر است که درست و به موقع و کاملاً خودجوش و مردمی در جای خود و از پس سالها مبارزه و فراز و فرود در لایه ای مختلف اجتماعی بیرون آمد و نقطه تلاقی انسجام و وحدت و بهم پیوستگی شعارها و آرمانهای نسلهای مختلف زیر پوست جامعه شد.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفاً این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله. تاثیر این جنبش در زندگی شخصی من و اطرافیانم زیاد بوده است و به همین دلیل هم، این جنبش را جریان عمیق و مداوم میدانم. خودباوری و بالا بردن عزت نفس و اعتماد به نفس جمعی زنان در شهر تهران را از نزدیک و هر روز در مترو و خیابان و اتوبوس و محله و ... شاهد هستیم. در نگاه و رفتار آقایان هم متوجه دو نکته شده ام؛ اول: رفتار و نگاهشان به زنان سالمتر و غیر جنسی تر شده و دوم اینکه: کلاً در سطح جامعه، با احترام و شفقت بیشتری با خانمها رفتار می کنند. البته این نکته را هم اضافه کنم که از مواهب جنبش مهسا، رو شدن دست روشنفکرانمایی است که مثلاً سالها از اخلاق و برابری طلبی جنسیتی و انسانیت و عدالت و ... دم میزدند و می زدند ولی در عمل تو زرد و ریاکار از آب درآمدند... چنین موهبتی از نتایج ...تعمیق آگاهی جنبش زنان بوده و هست.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- به نظر من، اصلی ترین وظیفه ما زنان در شرایط امروز، تداوم و تعمیق جنبش زن، زندگی، آزادی ست. همه زنان و

البته تمامی مردان آزاده از همه رده های سنی، تحصیلی، گروههای اجتماعی، طبقاتی، قومی، مذهبی، باید متحد و منسجم پیگیر اهداف این جنبش مترقی باشیم. پیشروان این جنبش، نسل شجاع جوان است و ما زنان دهه های شصت و پنجاه و چهل و دچار "درماندگی آموخته شده" در برخورد با حجاب اجباری و انواع ظلم های تاریخی و سنتی تحمیل شده به زنان بوده ایم. این "درماندگی آموخته شده" سالها و نسل ها در ذهن و روان و زندگی روزمره ما زنان رسوخ و نفوذ پیدا کرده و نهادینه شده بود و حالا با پیشقدمی نسل جوان، تمامی ان باورها، انفعال و درماندگی ها، ترک های بزرگ و شکاف عمیقی برداشته است. پس نباید نسل جوان را تنها گذاشت. این جنبش را جریانی گذرا و موقتی نگاریم. در طی زندگی روزمره و طبیعی خود، اهداف متعالی جنبش مهسا را با روشهای گوناگون و با خلاقیت در زندگی روزمره خود جاری کرده و آن را پیش ببریم. راه انداختن گفتگوهای سالم و سازنده در هر زمان و مکانی که امکانش مهیا باشد، دفاع عملی از حجاب اختیاری، جا انداختن و تعمیق این اهداف در کانون خانواده ها، در تربیت فرزندان، خشونت پرهیزی، تاب آوری، پرهیز از رفتارهای هیجانی، ترویج فرهنگ همدلی، پذیرش و احترام به همه عقاید غیر آسیب رسان، نشر مهارتهای زندگی در شرایط بحرانی و پرفشار روزگار کنونی و میتوانند از مصادیق تداوم جنبش باشند.



*شراره

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- در جواب به سوال اول، نمیتوان همه زنان جامعه را در یک گروه قرار داد. گروه کثیری از زنان جامعه هنوز گرفتار بایدها و نبایدها و گردن نهادن به یوغ بردگی و عدم تفکر و نداشتن بینش هستند. در مقابل عدهای از زنان مخصوصا جوانان و نوجوانان ما علمدار مقابله با تبعیض های جنسیتی و حق خواهی و عدالت اجتماعی اند. این گروه شجاعانه در راه احقاق حق خود ایستاده اند و برای تغییر شرایط اجتماعی برای خود و همجنسان خود تلاش می کنند

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط اجتماعی ایران آماده تغییر و دگرگونی است زیرا زنان که نقشی دوگانه بر سرنوشت جامعه دارند سر از لاک خود در آورده اند و سعی میکنند به خوبی در جایگاه اجتماعی قدم بردارند، اینجاست که ما باید علاوه بر نقش فردی خود و با تلاش برای پرورش فکر و اندیشه آزاد نقش مهمتر خود را در پرورش نسل های سالم و متفکر به خوبی ایفا کنیم و بدانیم که زنان از نظر تفکر و اندیشه تاثیر بسیار بزرگی بر خانواده و به تبع آن بر جامعه دارند.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- من به نوبه خودم سعی در همراهی و حمایت از این زنان شجاع دارم و حقایق این حرکت و نظرات خود را در جمع دوستان، خانواده و محیط کار با دلایل منطقی(در حد توانم) بیان میکنم و تصورم بر این است که حتی اگر یک کلام هر کدام از ما تلنگری باشد بر طرز دید و بینش طرف مقابل، تاثیر خود را گذاشته ایم و در پاسخ به بقیه مواد باید قبول کرد که زنان قدمی بزرگ در این شرایط بخصوص جوانان و نوجوانان ما برداشته اند.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله در زندگی من و اطرافیان من تاثیر زیادی داشته است، در نوع پوشش، اعتماد به نفس و آگاهی از قدرت زنان در تغییر شرایط خویش به جرات می توان بازتاب این حرکت زنان در مردان جامعه و نوع نگاه آنها به زنان را مشاهده کرد که به توانایی و قدرت زنان باور پیدا کرده اند.



*حمیده

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- با تفاوت هایی که در باورها و نگاه و حتی قوانین حاکم، شاهد هستیم، متاسفانه من بعنوان یک زن، آزادی به معنای درست (حتی آزادی بیان) ندارم و با همین روند ادامه بدیم، آینده سخت تر و تاریک تری در انتظارمان است.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- در خانواده که اولین و شاید مهم ترین و در عین حال کوچکترین نهاد و گروه در جامعه است، من شاهدیم که ارج نهادن به خانم ها باعث پایداری و نشاط روابط شده و در این چند سال روی عزت نفس خودم کار کردم ولی خب گاهی نیاز بوده نقاب هایی در جامعه بزنم که برچسب اینکه مثل مرد، بگیرم که شاید از برخی جهات در امنیت باشم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط امروز ایران متاسفانه پراسترس میبینم و این باعث شده شادی خیلی کم بشود. مسلماً بله، من بعنوان یک زن ایرانی، شرایط حاکم مستقیماً بر وضعیت روحی و روانی، جسمی و ظاهری، روابط، اقتصادی و ... من خیلی تاثیر داشته و من برای رشد، مسیر سخت تر و آینده مبهم تری همراه با اضطراب فراوان تجربه میکنم. امکان تغییر وجود دارد ابتدا به خودم یادآوری کنم سهم من یک نفر، تاثیر زیادی دارد و روی عزت نفس و اعتماد به نفس خودم باید کار کنم تا بتوانم با قدرت از خواسته ها و حق و حقوقم دفاع کنم.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

- شروع خوبی بود و برای من یادآور ضرب المثل؛ آتش زیر خاکستر بود و این آتش داغ و سوزان را اتحاد خوبی بین اقوام، نسل ها، عقاید و ... دیدم و هنوز هستند جوانانی که برای آزادی و حفظ ارزش انسان ها تلاش میکنند(حتی جوانانی که در چند سال گذشته خیلی موجب قضاوت شدند).

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- بله، حداقل تاثیر آن، اهمیت به زنان، شنیدن و دیدن سهم آنها بود. نسبت به گذشته از زنان تاثیر بیشتری میگیرند و برای هر اتفاق کوچک یا بزرگی (مثل جنبش و انقلاب) نیاز به زنان، بیشتر مشخص شده.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- من بعنوان یک زن، نقش خودم را بدانم که چه تاثیر مهمی در خانواده و جامعه دارم و برای آینده ای بهتر، تلاش کنم و از حقوقم کنار نکشم.



*مهرانگیز

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- در جایگاه یک زن سهم ما بسیار موثر در پیشبرد هدفمان میباشد. باید دست به دست هم بدهیم و حضور فعال داشته باشیم از حداقل و ساده ترین کارها شروع کنیم و نترسیم. الان بستری آماده شده که برای رسیدن به خواسته هایمان راحت تر از سالهای گذشته میتوانیم قدم برداریم. بی تفاوت بودن تعدادی از خانمها و یا ترسشون مانع از رسیدن به آزادی و تحقق خواسته هامون میشود. سهم من مبارزه برای گرفتن حقمان و آگاه کردن زنان اطرافم و آینده را برای رسیدن به اهدافمان کمی دور میبینم ولی خوشبین هستم.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- نقش ما بسیار پر رنگ و موثر است. متأسفانه جامعه ما شدیداً درگیر خرافات و اعتقادات مذهبی و هنوز بسیار میبینم زنهای تحصیلکرده که درگیر خرافات هستند. من اوایل با خشم برای آگاهی اطرافیان برخورد میکردم ولی بی نتیجه بود. در حال حاضر با آرامش و محبت، آگاهی که خودم بدست آوردم رو سعی میکنم در اختیار دیگران بگذارم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفاً توضیح دهید.

- شرایط عالی بعد از این همه سال ترس و سکوت. الان بهترین موقع برای فریاد زدن باید با ترس حاکم بر جامعه مبارزه کنیم و به جلو برویم.

- آیا این جنبش مهسا نائیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفاً این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- صد در صد تاثیر گذار بوده است. نگاه نجیب مردان به من بی حجاب برام خیلی با ارزشه و حمایت همسرم عالی. خودشون خوب میدونن که ما دنبال بی حجابی نیستیم. بلکه به دنبال حق انتخاب پوشش آزاد در جامعه هستیم.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- وظیفه ما در این برهه از تاریخ آگاه کردن جامعه و همگام کردن زنان دیگر که متأسفانه محافظه کار و بدبین به پیروزی هستند، میباشد. بزرگترین آفت جامعه که خرافاته باید کمک کنیم جامعه امروز رو از تعصب و مذهب و خرافات پاکسازی کنیم.



*سکینه

- زنان به عنوان یک نیروی بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی چه نگاهی به وضعیت عمومی خود در ایران دارند و آینده را برای خود چگونه ترسیم می کنند؟

- با بقا جمهوری اسلامی اوضاع زنان روزبه روز بدتر خواهد شد ولی اگر جمهوری اسلامی برکنار شود و مسئولین مناسب بر سر کار قرار گیرند و نوع حکومت به طور کامل تغییر کند زنان نقش پر رنگی در جامعه ایران از هر لحاظ ایفا خواهند کرد.

- شما نقش خود را به عنوان یک زن در جامعه و در میان خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان چگونه می توانید تعریف کنید؟

- من به شخصه بین دایره نزدیک اطرافیانم سعی میکنم با بحث کردن و به چالش کشیدن موضوعات مختلف نگاه و دید جدیدی مخصوصا به مردهایی که نگاه سنتی دارند بدهم که سعی کنند از زوایای دیگر هم به مقوله زن نگاه کنند و با رفتارهای زن ستیز هم همیشه برخورد میکنم.

- شرایط امروز ایران را چگونه می بینید؟ آیا این شرایط در زندگی شما و دیگر زنان تاثیر مستقیم دارد؟ آیا در شرایط کنونی امکان تغییر وضعیت وجود دارد؟ اگر آری، لطفا توضیح دهید.

- شرایط امروز ایران از نظر من غیر قابل توصیف است. چون در تاریخ و هیچ جای دنیا چنین شرایطی وجود نداشته و کاملا مقوله جدیدی هست. مردم به مرحله ای رسیدند که دیگر چیزی برایشان فرقی نمیکند. اگر کسی شرایطش را داشته باشد از ایران می رود و آنهایی که در ایران ماندند بیشترشان از فشارهای روزمره فقط فکر گذران زندگی هستند.

- یک جنبش اعتراضی در ایران با محوریت زنان و جوانان و مردم مناطق قومی با نام جنبش "زن، زندگی، آزادی" یا جنبش مهسا(ژینا) بوجود آمد. این جنبش اعتراضی را چگونه دیدید؟ نگاهتان به این جنبش اعتراضی چه بوده و هست؟

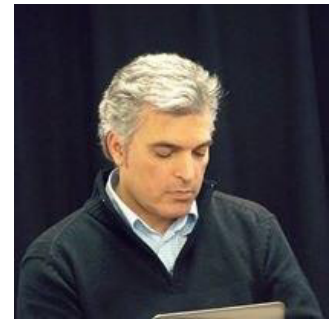
- این جنبش در ابتدا خیلی خوب و شفاف شروع شد ولی در ادامه با اتفاق هایی که توسط ایرانیان خارج از ایران انجام گرفت کم کم شکل دیگری گرفت و اینکه ایرانیان خارج از ایران نتوانستند حزب واحدی تشکیل دهند و دستور العمل مشخصی ارائه کنند کاملا مردم ایران را سرخورده کرد. ضمن اینکه به طور کلی مردم ایران گاهی سر موضوعی اعتراض میکنند و بعد از مدتی فراموش میکنند و عادت میکنند. به نظر من این موضوع باید از جنبه روانشناسی بررسی شود که دلیل به فراموشی سپردن و عدم ادامه فعالیت چیست.

- آیا این جنبش مهسا تاثیری در زندگی شخصی و یا خانوادگی شما داشته و دارد؟ آیا امروز تغییری در نگاه جامعه نسبت به زنان بوجود آمده است؟ لطفا این موارد مورد نظرتان را توضیح دهید.

- در زندگی شخصی من خیر چون من به شخصه در خانواده ای با عقاید باز هستم ولی به طور مثال قبلا اگر زنی در خیابان حجاب عرف جامعه را نداشت دیده میشد که بقیه نگاه کنند با تعجب ولی اتفاقی که بعد از این جنبش افتاد این بود که هر کس با هر پوششی دیگه نگاه های تعجب برانگیز به دنبال خودش ندارد. برای مثال من قبلا عکسهای خیابانی را که می دیدم همیشه وقتی سوژه عکس به زن بی حجاب بود تعدادی مرد ، موتور سوار یا پیاده با تعجب نگاه می کردند ولی عکس های جدیدی که در ایران گرفته می شود هیچ کدام این نگاه های متعجب را ندارد و انگار عادی شده است.

- از نظر شما وظایف ما زنان در شرایط امروز ایران چه می باشد؟

- متأسفانه به دلیل این که دستور العمل مشخصی برای این جنبش وجود ندارد ما زنان فقط میتوانیم اعتراضمان را با نداشتن حجاب و قبول کردن بی حجاب ها در کنار با حجاب ها نشان دهیم و فعلا هیچ کار دیگری جز این مدل مبارزه نمی توانیم انجام دهیم.



مقدمه

زنان در ایران در طول انقلاب مشروطه و از اواخر قرن گذشته به طرز چشمگیری، وارد زندگی اجتماعی شدند. اما حضور آنها به دلیل وجود مقاومت مراکز سنتی و نیز سطح فرهنگ جامعه، نتوانسته به نهادی شدن این مشارکت منجر شود. البته با ورود تکنولوژی های جدید و مناسبات تازه اقتصادی و آموزشی این مقاومت سنتی تا حد زیادی به تدریج شکسته شده است.

زنان در ایران کنونی با مجموعه ای از موانع قانونی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه هستند که نه تنها زندگی آنها بلکه معاششان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد و سبب نابرابری اقتصادی گسترده آنها می شود. تبعیض های دولتی و غیردولتی در بازار کار نیز علیه زنان اعمال می شود. وجود این تبعیضات و اجحافات موجب تضعیف جایگاه زنان در جامعه به عنوان انسان هایی برابر با مردان می شود. بر بستر مقاومت های زنان، تبعیض ها و تناقض ها، سنت ها و فرهنگ مردسالاری، در دهه های گذشته جنبش زنان ایران شکل گرفته و بالیده است. این جنبش با وجود تهدیدها و فشارها، بگیر و ببندها، از فرصت ها بهره جسته و گسترش یافته است.

زنان دهه هاست که مبارزه ای جدی و مصمم برای برابری حقوقی را در ایران پیگیرانه دنبال می کنند. چنین مبارزه مترقی برای بهبود زندگی، آزادی، برابری جنسیتی، برای جهانی بهتر و عادلانه تر بوده که بسیار امیدبخش است! با شروع جنبش های اعتراضی در دهه اخیر و بویژه جنبش "زن، زندگی، آزادی" فرصت های مناسبی برای زنان و دختران جوان بوجود آمد که توجه افکار عمومی را به آسیب هایی که زنان در حکومت اسلامی ایران از آن رنج می برند جلب کنند و در این فضای بوجود آمده مطالبات خود را برای رفع تبعیضات و نابرابریها مطرح کنند تا بلکه فضا برای سازماندهی و انجام تغییرات فراهم شود. در این نوشته به بخشی از مبارزات زنان در ایران می پردازیم تا ببینیم مبارزات زنان و نقشی که در این عرصه در صحنه اجتماعی، مدنی و سیاسی ایفا می کنند چگونه توانسته در جنبش های دمکراتیک و مترقی کشور تأثیرگذار شود.

حضور زنان در عرصه اجتماعی

زنان دارای مطالبات مشخص و خواستار تغییرات اساسی در کل جامعه هستند. دختران نوجوان و جوان نقش بسیار زیادی در شکل دادن به حرکت های متنوع اعتراضی در جامعه دارند. مقاومت هر روزه آنان در برابر حجاب اجباری، گشت های ارشاد، کنترل نهادهای موازی، حجاب بانان و دیگر اجبارات و تحمیلات مذهبی و اجتماعی چشمگیر است. گسترده گی سطح مبارزات زنان به حدی رسیده است که حکومت دیگر امکان متوقف کردن آن را ندارد. فشار اجتماعی دختران و زنان نوجوان و جوان علیه قوانین و ممنوعیت های حکومتی در سال های اخیر بسیار افزایش یافته است. آنها دائماً مرزها را در جامعه می شکنند و عرصه های تازه ای در مقاومت و مبارزه برای تغییرات ایجاد می کنند. در این مبارزه رژیم روزه روز مجبور به عقب نشینی بیشتری می شود.

امروزه حضور زنان در عرصه اعتراضات سیاسی، اجتماعی و مدنی از چنان گسترده گی و توانمندی برخوردار است که کسی نمی تواند وجود فاکتور زنان در این مبارزات را نادیده گیرد. جریانات مختلف موجود در میان جنبش زنان در همه جا و هر کدام بنا به ظرفیت و توان خویش، انواع و اقسام راهکارها را انتخاب و تجربه می کنند تا از این طریق بتوانند کانون های مقاومت در جامعه را زنده، پایدار و موثر نگاه دارند. آنها تجربه باهم بودن را با توجه به ظرفیت، توان و تنوعی که در میانشان برای مقاومت پایدار وجود دارد برای یافتن راهکارهای مدنی و دمکراتیک، در اختیار جنبش دمکراتیک و مترقی ایران قرار داده اند و چنانکه می دانیم در این عرصه مجبور شده اند هزینه های بسیاری را به دلیل

سرکوب سیستماتیک نیز تقبل کنند. حضور زنان در مبارزات صنفی، مدنی، اجتماعی و سیاسی و بویژه علیه حجاب اجباری بسیار مهم و حیاتی است و حکومت نیز به خوبی از نقش موثر و تحول خواهانه زنان در این عرصه‌ها آگاه است. به همین دلیل سرکوب زنان در فعالیت‌های اعتراضی، مدنی و صنفی به مراتب سیستماتیک و شدیدتر است و موانع مشارکت آنان نسبت به مردان مضاعف است.

ارتباط زنان با خیزش‌های عمومی

واقعیت این است که جنبش زنان را نمی‌توان از افت و خیزهای جنبش عمومی دمکراتیک و مدنی جدا کرد. اگر جنبش دمکراتیک پیش برود، جنبش زنان را تحت تاثیر قرار خواهد داد و فضا را برای حضور و تاثیرگذاری آن فراهم خواهد کرد. افت نسبی خیزش‌های اجتماعی در جامعه به معنی مرگ و خاموشی آن و جنبش زنان در جامعه نیست. جنبش زنان ریشه در تبعیض جنسیتی، قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، فرهنگ مردسالاری و موقعیت فرودست زنان در جامعه دارد.

جنبش زنان می‌تواند مبتکر کارزارهای مختلف برای طرح مطالبات خود و تاثیرگذاری در جامعه شود. حضور همه جانبه زنان در جنبش "زن، زندگی، آزادی" یکی از درخشان‌ترین فعالیت‌های مبارزاتی زنان علیه تبعیض، نابرابری و بی عدالتی در سراسر کشور بوده است. فعالین زن در همکاری‌های مشترک با جنبش دانشجویی، جنبش دفاع از محیط زیست، جنبش کارگری، جنبش معلمین، جنبش مردم مناطق اتنیک، جوانان، روشنفکران و ...، توانسته‌اند به تقویت جنبش‌های اجتماعی و مدنی برای فرا رفتن از وضعیت موجود بپردازند.

زنان ایرانی در صف مقدم مبارزه با استبداد برای کسب آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و برابر حقوقی ایستاده‌اند. این حضور برای نیروهای تحول طلب و مترقی امید و الهام بخش است و برای تارک اندیشان در حکومت جمهوری اسلامی چالش برانگیز و غیر قابل تحمل. آن‌ها برای خاموش کردن اعتراضات زنان به وسایل مختلف متوسل می‌شوند. جنبش زنان در بیش از دو دهه گذشته نشان داده است که به‌عنوان یکی از نمادهای مبارزه برای آزادی، حقوق برابر شهروندی و تبعیض ستیز می‌باشد.

در ایران برای دستیابی به تحولات دمکراتیک که بتواند تامین کننده حقوق برابر برای تمامی جامعه و به وجود آورنده آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی باشد، زنان یقیناً همگام با سایر جنبش‌های مترقی و تحول طلب کشور می‌توانند نقشی تعیین کننده در پیشبرد خواسته‌های عدالت طلبانه، برابری خواهانه و دمکراتیک مردم میهنمان داشته باشند.



مبارزه مشترک برای حقوق انسانی و شهروندی

در سه دهه گذشته زنان و دختران جوان توانسته‌اند به شکلی محسوس و در سطحی گسترده در شهرهای مختلف ایران، برای احقاق حقوق انسانی و شهروندی، با مردان همراه شوند. انعکاس چنین حقیقتی از مبارزه پر شکوه زنان و مردان جوانی که آگاهانه می‌خواهند برای آزاد زیستن و آزاد ماندن در یک جهان امروزی، برابر، مدرن و بدون تبعیض، امید و عشق به تغییر را مشترکاً با هم در خیابان‌ها تجربه کنند بسیار مسرت بخش است. سالهاست که در جامعه اهمیت و ارزش آزادی برای نسل جوان ایرانی چنان موضوعیت عینی یافته است که حاضر است برای زمینی کردن چنین تصویری زنده و مدرن از زندگی و برای احقاق حقوق ضایعه شده اش، اعتراضات مدنی و دمکراتیک سازمان دهد. این نسل از جوانان و زنان کشور به اهمیت قدرت و حرکت مشترک برای احقاق بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری خود پی برده‌اند و این در واقع نشان از بلوغ اجتماعی شهروندان جوان آگاهی است که تصمیم به ماندن و زندگی در جهان مدرن امروز را جزء حقوق اولیه و انسانی خود می‌دانند و برای رسیدن به آن خواسته‌های مدرن و دمکراتیک تلاش مشترک و مداوم می‌کنند.

تلاش موثر و انسانی زنان

امروز در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور فعالین جنبش زنان با داشتن ده‌ها سال تجربه مبارزه مستقلانه توانسته‌اند از جایگاه بسیار مهمی در میان جنبش‌های اجتماعی و دمکراتیک کشور برخوردار شوند. مبارزه آنان حاصل بیش از یک قرن تلاش حق طلبانه و پیگیر در کشورمان می‌باشد. آن‌ها با تجربه اندوزی از گذشته و نگاه به حال و آینده جنبش، در اعتراضات خیابانی شهرهای مختلف کشور شرکت کرده‌اند و مبارزه و مقاومت مشترک به همراه مردان را به اشکال

گوناگون پیش برده اند. آن‌ها در عمل نشان داده اند که دیگر حاضر نیستند بی حقوقی، تحقیر، تبعیض و نابرابری را در جامعه استبدادی ایران بپذیرا شوند و تاکنون برای نه گفتن به بی عدالتی و تبعیض، همه گونه هزینه را نیز پرداخته اند. زنان با مبارزات دلیرانه، بدون ترس و بدون خشونت خود توانسته اند در برابر تعرض نیروهای استبدادی، مقاومت کنند. چنین روحیه ای موجب حیرت و ترس نیروهای سرکوبگر و همراهی و همیاری همه فعالین سیاسی، اجتماعی و مدنی ایران و نیز موجب جلب همبستگی و احترام مردم جهان از خواسته ها و مبارزات آن‌ها شده است.

مبارزه برای ایجاد تغییرات اساسی

در ایران، زنان با شرکت وسیع در جنبش های اعتراضی و با مقاومت هدفمند و همه جانبه، امید برای تغییرات مهم و ساختاری، و روحیه برای ادامه مبارزه آگاهانه و مقاومت برای مبارزه بدون خشونت را در میان معترضین بسیار تقویت کرده اند. زنان آزادیخواه، دمکرات، مترقی و برابری طلب جوان ایرانی سالهاست که با هم بودن را توانسته اند با وجود داشتن اختلافات و تنوعات مختلف به علایق و منافع مشترک تبدیل کنند و بدین ترتیب مشترکا برای کسب حقوق برابر شهروندی تلاش و تجربه مثبتی را در اختیار جنبش دمکراتیک مردم ایران قرار دهند. در واقع آنان بخوبی موفق شده اند که چنین تجربه مثبتی را وارد جنبش اعتراضی کشور کنند. مبارزه مشترک زنان، مردان، دختران و پسران برای حقوق شهروندی و نیز علیه دیکتاتوری موجب ریختن ترس آنان از نیروهای سرکوبگر و خشونت آمیز رژیم اسلامی ایران شده است. زنان جوان در همه جا در صحنه مبارزه مدنی ایران و بویژه در خیابان علیه حجاب اجباری و برای حق انتخاب پوشش آزاد حضور سنگین دارند و این احساس خوب هر چه بیشتر در داخل و خارج از کشور تقویت می شود که بدون حضور و همراهی زنان، جنبش اعتراضی کنونی در سطحی که امروز در آن قرار دارد، نمی توانست وجود داشته باشد.



حضور موثر زنان در جنبش های اعتراضی

مدتهاست که مبارزه حق طلبانه و برابری خواهانه زنان و دختران جوان برای احقاقی ارزش های دمکراتیک شهروندی در جامعه با خواسته های دمکراتیک و شهروندی جنبش های اعتراضی تلاقی پیدا کرده است و امروز حضور زنان در میادین اعتراضات اجتماعی و سیاسی از چنان شدت و قوه ای برخوردار است که کسی نمی تواند وجود فاکتور زنان را در این مبارزه نادیده بگیرد. زنان داشتن چنین کیفیتی در مبارزات جاری، چندین دهه است که به اشکال گوناگون و با احترام به تنوعات موجود میان خود و با بهره گرفتن مناسب از تکنیک های ارتباطی، اینترنتی و نیز با کمک شبکه های اجتماعی و مدنی که در سطح اقشار مختلف جامعه وجود دارد، تلاش و مبارزه همه جانبه ای را متحداً پیش می برند و خوشبختانه تنوعات و تفاوت ها در میان آنان منجر به کم کاری، دوری و پراکندگی نیروهایشان نشده است. جریانات مختلف جنبش زنان در همه جا و هر کدام بنا به ظرفیت و توان خویش، انواع و اقسام راهکارها را انتخاب و تجربه می کنند تا بلکه از این طریق بتوانند کانون های مقاومت در جامعه را زنده، پایدار، موثر و همه جانبه کنند. آنها تجربه با هم بودن را با توجه به ظرفیت، توان و تنوعی که در میانشان برای مقاومت پایدار وجود دارد برای یافتن راهکارهای مدنی و دمکراتیک، در اختیار جنبش دمکراتیک ایران قرار داده اند و چنانکه می دانیم در این عرصه مجبور شده اند هزینه های بسیاری را نیز تقبل کنند. روزی نیست که در ایران فعالین زن بدلیل مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه شان دستگیر نشوند.

حق اعتراض در حکومت اسلامی ایران ممنوع است

این واقعیتی است که در جمهوری اسلامی حق اعتراض به عنوان یکی از حقوق شهروندی به رسمیت شناخته نشده است. در ماده ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی به ظاهر "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است". اما در عمل هیچگاه این اصل قانونی رژیم رعایت نشده است. در هر اکیسیون مدنی و اعتراضی مسالمت آمیز در نقاط مختلف ایران، همواره فعالین عرصه های اجتماعی و مدنی دستگیر، زندانی، شکنجه و محکوم به زندان های بلند مدت شده اند.

پس در جمهوری اسلامی حق شهروندی و حق اعتراض مدنی وجود ندارد. رسانه های آزاد، سندیکاها، اتحادیه ها، نهادها و سازمان های فرهنگی و اجتماعی اجازه فعالیت و سازماندهی ندارند. شکل گیری جامعه مدنی در چنین وضعیتی با موانع بسیار همراه است. اعتراضات و نارضایتی ها فضایی برای بروز ندارند و کانالهای لازم و نهادهای ضروری برای این کار تشکیل نشده است؛ بنابراین هر اعتراض اجتماعی در جمهوری اسلامی به عنوان یک نافرمانی

مدنی و نقض قوانین و جرم محسوب می شود و فعالین صنفی، مدنی و سیاسی با هزینه های سنگین زندان مواجه می شوند.

نقش پیشتاز زنان در مبارزات

تجربه مبارزات زنان، مادران، دختران به همراه پسران و پدران نشانگر این واقعیت جدی است که آن‌ها این بار برای مبارزه علیه دیکتاتوری و حقوق شهروندی مشترکا در کنار هم در اعتراضات خیابانی شرکت می کنند. نقش پیشتاز زنان و نگاه تغییر یافته مردان و پسران در مبارزات کنونی موجب ایجاد پتانسیل های جدیدی در جنبش اعتراضی "زن، زندگی، آزادی" شده است و این وضعیت باعث گشته است که اینبار همگان بصورت جمعی و با احترام به یکدیگر و تنوعات موجود به دنبال یافتن راهکارهای نو و متنوع برای ادامه و تضمین فعالیت جنبش مسالمت آمیز و شهروندی مردم ایران باشند.

روشن است که جنبش های اجتماعی و اعتراضی و از جمله جنبش زنان چنان پتانسیلی را فراهم کرده اند که جنبش زنان می تواند هر چه گسترده تر خواسته ها و مطالبات برابری طلبانه خود را در جامعه مطرح کند. در گذشته چنین فرصتی هیچگاه فراهم نشده بود و زنان تا این حد از آگاهی و سواد، آموزش، تجربه و گستردگی نیرو برای تاثیر گذاری در جامعه برخوردار نبودند. دفاع از حقوق شهروندی و مدنی می تواند فضا و زمینه را برای طرح و احقاق خواسته های دیگر زنان که به منافع آنان مربوط می شود را فراهم کند و سالهاست که فعالین جنبش زنان و حتی دیگر بخش های زنان و دختران جوان نسبت به اهمیت این موضوع، بخوبی آگاه هستند. در یکی دو سال اخیر شرکت و حضور فعالین زن در حرکات اعتراضی مسالمت آمیز باعث شده است که ارتباط زنان با اقشار دیگر جامعه تقویت شود و نیز همکاری های متفاوتی میان آنها سازمان داده شود. در ضمن زنان تاکنون توانسته اند با حضور در اعتراضات جنبش "زن، زندگی، آزادی" نقش خود را هر چه بیشتر به عنوان نیروی تغییر در جامعه تقویت کنند و از این طریق فرصت ها و فضاهای مناسبی را برای طرح و گسترش خواسته های دمکراتیک و برابر طلبانه خود در سطح ملیونی ایجاد کنند. منافع جنبش دمکراتیک ایجاب می کند به چنین نیروی با تجربه و گسترده ای هرچه بیشتر توجه نشان دهد و آنرا به عنوان یک نیروی بالقوه، موثر و دمکراتیک در میان خود در نظر بگیرد.



نوازن نیرو در عرصه مبارزاتی

این بر کسی پوشیده نیست که جنبش زنان متکثر و متنوع می باشد و مناسب است در هر لحظه در این جنبش ها همواره شعارها و خواسته هایی با توجه به توازن و تنوع نیروها سنجیده و انتخاب شوند و اینکه روشن گردد که کدام شعار یا خواست اجتماعی و مدنی می تواند نیروی هر چه بیشتری را بسیج کند. فعالین جنبش های دمکراتیک مدنی و شهروندی می توانند با اتخاذ سیاست ها و تاکتیک های مناسب، دستاوردهای خود را برای نیرو بخشی و تقویت نگرش های دمکراتیک و متنوع در درون جنبش، بسط دهند. جنبش زنان به عنوان نماد مبارزه برای آزادی، حقوق برابر شهروندی و علیه تبعیض، در عمل اجتماعی نشان داده اند که می توانند با تکیه به خود هرچه بیشتر با هم بودن را در حین تنوع و احترام به هم گسترش دهند و از این طریق به حیات خود تداوم بخشند.

تغییر روش و تاکتیک مبارزه با توجه به سرکوب گسترده

فعالین جنبش زنان در جامعه در شرایط کنونی با توجه به دستگیری هزاران منتقد و مخالف حکومت اسلامی ایران و نیز دستگیری فعالین سیاسی و اجتماعی زنان با مشکلات عدیده ای مواجه هستند. در این وضعیت مناسب است در روش ها و تاکتیک ها تغییراتی تدارک دیده شود. کمک به طرح مطالبات زنان اقشار محروم جامعه و طبقات ضعیف مناطق جنوب شهر یا حاشیه ای در شرایط کنونی بسیار دارای اهمیت است. حکومت بدلیل در دست داشتن انحصاری امکانات رسانه ای خبر و گستردگی اعتراضات را به گوش مردم نمی رساند. در این عرصه جنبش زنان با توجه به ارتباطات و تجربیاتی که برای همکاری و توافق با اقشار متنوع و وسیع مردم دارد می بایست با دیگر امکاناتی که در داخل و خارج از کشور در اختیار دارند، چنین راهکاری را هر چه بیشتر و وسیع تر برای اطلاع رسانی، مشترکا مورد توجه قرار دهند.

انکا و تاکید به همه نیروهای متنوع و فعال زنان

حضور زنان در جنبش آزادیخواهانه، حق طلبانه، عدالتخواهانه و دمکراتیک "زن، زندگی، آزادی" باعث شده است که قدرت مقاومت و ایستادگی معترضان برای تحقق مطالبات شان افزایش یابد. آنها برای ایجاد همبستگی در مبارزات اعتراضی و

اجتماعی نیرو زیادی را صرف می کنند. روشن است که کوشش برای جمع کردن نگرش های متفاوت بر اساس توافقات مشترک و سپس پایبندی نشان دادن نسبت به آن توافقات بسیار دشوار و انرژی و پتانسیل زیادی را از فعالان جنبش می گیرد. روشن است که قدرت واقعی جنبش ها و حرکت های دموکراتیک همیشه در گرو اتحاد نیروهای متنوع و بهره مندی مناسب از انرژی آنها در جهت توافقات دموکراتیک صورت گرفته میان فعالین جنبش های اجتماعی و مدنی بوده است. البته مشخص است که در این عرصه جنبش های دموکراتیک مدنی نیز در درون خود با موانعی همچون عدم پایبندی به توافقات، بی توجهی، حذف عمدی، خودی و غیر خودی کردن، حقیر شمردن دیگر جریانات و حتی توده های مردم روبرو هستند و همه این موارد موجب اتلاف وقت، انرژی و مانع رشد جدی این جنبش ها می شوند. روشن است که چنین مشکلاتی ضربات اساسی و نابود کننده ای را به منافع و وحدت ملی ایرانیان وارد می کند. بدلیل حضور تاریخی و سنگین استبداد در کشورمان، جنبش های اجتماعی و سیاسی همواره به اشکال گوناگون با خطر فردگرایی، خود محور بینی، سیاه نمایی، سیاه و سفید کردن و غیره مواجه بوده اند. این تفکرات و رفتارهای غیر دموکراتیک برای توجیه برخوردهای خود سعی می کنند به طریقی رادیکالیزم کور، خشونت گرایی و انتقام جویی و بی اعتمادی را در میان مردم نسبت به فعالین و اعضای جنبش های اعتراضی و مدنی ایجاد کنند. ارگان های امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران نیرو و امکانات زیادی را برای تقویت چنین نگرش هایی در جامعه هزینه می کنند. فعالان جنبش های اعتراضی در ایران مناسب است در این عرصه ها نسبت به ترفندهای جمهوری اسلامی بسیار هوشیار باشند و تاکید ویژه بر اشتراکات برای با هم بودن با جریانات دموکراتیک و مترقی را در جامعه تقویت کنند.

مطالبات اثباتی و توافقات حداقلی در مبارزات سیاسی

در شرایط کنونی چنان باید حول مطالبات و شعارهای مختلف، متحد عمل کرد که مانند دو دهه گذشته جنبش‌هایی خیابانی، اجتماعی و مدنی با سرکوب وسیع و خونین به محاق نروند. باید در همه جا در برابر سرکوب سیستماتیک حکومت در جامعه، مقاومت متحدانه بوجود آورد. و در همه حال روحیه همبستگی و با هم متحد بودن نیروهای جمهوریخواه سکولار، دموکرات، چپ و آزادیخواه را برای حمایت از مبارزات مردم در ایران تقویت کرد. در چنین فضایی نقش زنان، دانشجویان، جوانان، مردم مناطق انتیکی و اقشار زحمتکش سراسر کشور بسیار اساسی است. در این مبارزه، سازماندهی نافرمانی مدنی و اجتماعی در بخش های مختلف جامعه و اعتراضات سازماندهی شده مدنی در خیابان دارای اهمیت بسیار است. در این عرصه همه گروه های اجتماعی متشکل در جامعه مناسب است بر اساس مطالبات دموکراتیک خود به اشکال گوناگون با دیگر بخش های جامعه بر اساس توافقات حداقلی متحد شوند. سرانجام گفتمان اتحاد و ائتلاف می بایست در عمل با انجام توافقات مشترک حداقلی همراه شود. در همه جا علاوه بر نفی و نقد حکومت می بایست بر مطالبات اثباتی مشترک تاکید ویژه کرد. تغییر بدون مطالبات مشخص و در سطح ظرفیت جامعه امکانپذیر نیست. در هر شرایطی مناسب است همبستگی و اتحاد در میان نیروهای جنبش های مدنی و اجتماعی را تقویت کرد. حکومت در برابر اعتراضات مدنی، اجتماعی و سیاسی وسیع و مشترک از کارکردها، توان و ظرفیت های لازم برای پاسخگویی به مطالبات مدنی و دموکراتیک مردم برخوردار نیست.

نیروهای شرکت کننده در اعتراضات و جامعه ایران

اعتراضات مربوط به جنبش "زن، زندگی، آزادی" در شهرهای کوچک و بزرگ (در ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ شهر طبق آمار دولتی) انجام شده است. طیف شرکت کنندگان فقط به اقشار فقیر و حاشیه ای شهرهای بزرگ و کوچک محدود نیست. در این سری از اعتراضات زنان، جوانان، بیکاران، بخش های قابل توجهی از طبقه متوسط، مردم مناطق انتیکی و اقلیت های دیگر شرکت داشته اند. جامعه ایران در دو دهه گذشته با ویژگی هایی مانند تغییر نسل جمعیت کشور(جوان شدن)، تغییر سبک زندگی جوانان و اقشار دیگر جامعه و تغییرات تکنولوژیک مواجه بوده است. حضور این طیف، و دسترسی به امکانات شبکه های اجتماعی، و این دنیایی دیدن زندگی، قدرت سازماندهی و اطلاع رسانی حرکات اعتراضی را گسترش داده است. اما وجود هزینه های سنگین و انواع مجازات ها گاه فعالیت های آنها را با مشکلات و موانع مواجه می سازد. اما کنجکاو، امید به زندگی و تغییرات دموکراتیک و مدرن در جهان کنونی، و امروزی بودن باعث می شود نوجوانان و جوانان از حوزه اطلاع رسانی و اعتراض به وضع موجود عقب نشینند. هنگامی که حرکات مدنی و اجتماعی جنبه نارضایتی در ایران به خود می گیرد. رساندن پیام معترضان و ایفای نقش در اعتراضات مناطق مختلف کشور از جمله کارکردهای مهم شبکه های اجتماعی و تغییرات تکنولوژیک محسوب می شود و بخش های جوان و نوجوان کشور نقش بزرگی در این عرصه ایفا می کنند. همه شواهد نشان می دهند که شبکه های اجتماعی به شکل قابل توجهی آگاهی توده های اجتماعی را بالا برده اند و آنرا به یک عامل تاثیرگذار در تحولات سیاسی تبدیل کرده اند و همه این موارد، محدودیت های مختلف حکومت را کم تاثیر و گاه بی اثر می کند.

آیا خیزش های اعتراضی وسیع کنونی در ایران رهبری دارند؟

اعتراضات آبان ماه ۹۸ همانند اعتراضات دی ماه ۹۶ و شهریور ۱۴۰۱ خودجوش و خودبخودی بوده اند. این جنبش ها دارای رهبری سیاسی نشدند. این واقعیتی است که هیچ جریان سیاسی رهبری شان را به عهده نداشت. اما با این وجود این حقیقتی است که جنبش های اعتراضی چند ساله گذشته و بویژه جنبش مهسا(ژینا) دارای سمتگیری عدالت خواهانه، ضد تبعیض، برابرخواهانه، آزادیخواهانه، و علیه حکومت های ولایتی، موروئی و ایدئولوژیک بوده اند.

گسترده طبقات و قشرهای مختلف جامعه بوجود آمده باشد، و اعتراضات از سازماندهی و برنامه ریزی مشخص، با اهداف روشن، با رهبری جمعی، و از یک گفتمان مشخص و مشترک برخوردار باشد. در چنین وضعیتی امکان پیروزی جنبش های دمکراتیک مدافع تغییرات اساسی و ساختاری فراهم می شود. زیرا گوناگونی نیروهای تشکیل دهنده این جنبش ها امکان گذار به دمکراسی و آزادی را افزایش می دهد.

در اعتراضات چندین سالانه اخیر معترضین با برنامه مشخص و رهبری مشخص همراه نبودند اما در بیان موضوعات مورد اعتراض بدون داشتن ترس از جان خود، متحد بودند. همدردی و همبستگی در میان نشان بشدت قوی بود. تصمیمات همه فی البداهه یا در همان میدان عمل گرفته می شد. تجربه اندوزی و سازماندهی های اولیه برای تجمع در این یا آن گوشه شهر به ابتکار دختران و پسران جوان انجام می شد و این حوزه اعتراضات را از یک نقطه به ده ها و صدها نقطه در شهرهای بزرگ دیگر کشور کشاند. تجمع اعتراضی و مدنی زنان، جوانان و نوجوانان، شعار دادن، و ایستادگی و مقاومت در برابر سرکوب و گلوله با دست خالی شگفت آور بود. وضعیت دشوار زندگی، تحقیرات و تبعیضات انباشته شده در جامعه اینبار فضایی برای ترس و احتیاط برای زنان، جوانان و نوجوانان باقی نگذاشت. باید در خیابان می ایستادند و به این همه ظلم و تحقیر حکومت نه می گفتند و اینکار را هم دلاورانه و شجاعانه کردند. هزینه سنگینی هم دادند اما سرکوب خونین بسیاری از باورهای آنان را نسبت به حکومت و رهبر و دیگر ارگان های رسمی و غیر رسمی حکومتی دود و هیچ کرد. همه کسانی که اعتراضی کردند به عینه شاهد بودند که تنها اسلحه اصلی آنها، اعتراض مدنی، شعار و نه گفتن به استبداد و تبعیض حکومت بود اما رژیم با یگان های ویژه و امنیتی ها و لباس شخصی های جنایتکار به کسی رحم نکردند و از زمین و هوا، جوانان و نوجوانان معترضی که به خیابان ها آمده بودند را سرکوب خونین کردند. کسانی را بیرحمانه کشتند، عده ای را زخمی و دستگیر کردند. هزینه ای که حکومت از بابت سرکوب خونین معترضین پرداخت بسیار شدیدتر از آن چیزهایی است که از سرکوب به دست آورده است. اعتراضات سه جنبش آبان ماه ۹۸، دی ماه ۹۶ و شهریور ۱۴۰۱ تا مانده مشروعیت حکومت را کاملا از میان مردم برد.



عمومی تر شدن مبارزه برای داشتن حق انتخاب پوشش آزاد در جامعه

از جنبش زن، زندگی، آزادی تا امروز، ما با ده ها هزار نمونه از حجاب سر نکردن زنان و با مبارزه تعرضی آنان علیه حجاب اجباری در برابر نیروهای سرکوبگر اسلامی در شهرهای مختلف کشور مواجه هستیم. مقاومت و مبارزه ای روزمره که به روشنی نشان از آن دارد که مبارزه زنان علیه حجاب اجباری ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. دیگر موضوع بسیاری از زنان "بدحجابی" نیست، بلکه به طور عملی حجاب سر نکردن است. اگر این روزها در جامعه زنانی را می بینیم که در خیابان ها روسری بر سر ندارند و بی حجاب در شهرها حضور پیدا می کنند، حاصل کنش های فردی، جمعی و اعتراضی زنان علیه حجاب اجباری در طول چند دهه گذشته است که هر زنی با مقاومتش و با دادن همه هزینه ها در برابر سرکوبگران، آن را حفظ کرده است. امروزه حجاب سر نکردن زنان به سطحی رسیده است که دیگر کسی نمی تواند ادعا کند که موضوع حجاب اجباری تنها دغدغه زنان آن هم از قشر خاصی در جامعه است. داشتن آزادی حق انتخاب پوشش و مبارزه علیه حجاب اجباری موضوع زنان در کل جامعه است و اقتشار و طبقات دیگر از مبارزه زنان خصوصا مبارزه علیه حجاب اجباری حمایت می کنند و همین باعث فشار اجتماعی گسترده علیه قوانین حجاب اجباری شده است.

در شرایط کنونی طرح های گوناگون رژیم زن ستیز اسلامی ایران برای اجبار زنان به رعایت حجاب اسلامی با شکست های سختی روبرو شده است. اما با وجود این حکومت به مقاومت فزاینده زنان و دختران جوان علیه حجاب اجباری به مجموعه ای دیگر از سیاست ها و لوایح قانونی زن ستیزانه تحت عنوان "حجاب و عفاف" متوسل شده است و در این زمینه کارزاری را از چند ماه پیش علیه زنان به راه انداخته است. اما فضای جامعه و صحنه سیاسی کشور به نفع حکومت برای پیش بردن چنین سیاست هایی نیست و حکومت در وضعیت سختی قرار دارد. زیرا احترام جامعه به مقاومت و مبارزه زنانی که علیه حجاب اجباری مبارزه و مقاومت می کنند بسیار گسترش یافته است. به جرات می توان گفت بیش از 60 درصد زنان و دختران جوان کشورمان دیگر اعتقادی به حجاب اجباری ندارند و خواهان داشتن حق انتخاب پوشش آزاد هستند. حتی بخشی از نیروهای مذهبی که به حجاب اعتقاد دارند نیز با

اجباری ساختن آن و سرکوب و تنبیه زنان به دلیل عدم اجرای حجاب اجباری مخالف هستند. در واقع مدافعان حجاب اجباری امروز در جامعه کاملاً در اقلیت هستند.

خیابان و حضور روزانه و گسترده زنان و دختران جوان در آن

خیابان محل گذر، حضور یا رفت‌وآمد شهروندان است و روزانه در آن حوادث و رویدادهای مختلفی اتفاق می‌افتد. خیابان به عنوان فضای جمعی و متنوع می‌تواند مطرح باشد و هر فرد یا گروهی نیز می‌تواند معنای خاصی از حضور در خیابان داشته باشد. خیابان ثابت ترین عنصر شهری است، مردم و قدرت (شهرداری، دولت، حکومت و...) نیز می‌توانند با مداخله به آن معنا دهند. حکومت اسلامی در دهه های گذشته خواسته به حضور در خیابان معنایی مشخصی دهد و خطوط ممنوعه ای را از طریق نهادهای حکومتی علیه زنان روشن سازد و از این طریق خیابان را در تسخیر خود نگه دارد. خیابان مدت‌های طولانی کاملاً زیر سلطه حکومت قرار داشت. حکومت در خیابان به اشکال گوناگون هر نیرویی را که مخالف و منتقدش بوده سرکوب کرده است. اما در تمام دوران چهار دهه سرکوب با مقاومت بخش‌هایی مهمی از زنان و دختران جوان معترض برای رهایی از ارتجاع مذهبی روبرو شده است. حکومت تلاشش این بوده که با کنترل و وضع قوانین مشخص، زنان در حاشیه جامعه قرار گیرند و در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و از جمله خیابان از حقوق انسانی و برابر محروم شوند. حکومت در تمام سال‌های گذشته با انواع ارگان‌های سرکوبش به دنبال خانه نشین کردن زنان در سطوح مختلف جامعه عمل کرده است. تحمیل حجاب اجباری از فردای پیروزی انقلاب 57 مهم‌ترین حربه‌ی حکومت برای بی‌شکل کردن زنان و خانه نشین کردن آنان در جامعه بوده است. حکومت حضور زنان در خیابان را از طریق تحمیل حجاب اجباری برای استفاده ابزاری از آنان به شکلی که مناسب می‌دانست تعیین کرد تا بلکه زنان با حضور یک شکل عملاً نتوانند تنوعات و انتخاب‌های خود را برای حضور در خیابان داشته باشند. اما مقاومت و مبارزه زنان برای حضور در خیابان و فضاهای عمومی بصورت روزانه ادامه می‌یابد تا زنان جزئی از خیابان همانند مردان شوند. زنان برای داشتن چنین حقی بیش از چهل سال به اشکال گوناگون در برابر تبعیض، بی‌عدالتی، نابرابری و سرکوب، مبارزه و مقاومت کرده‌اند. آنها از طریق حضور و کنش‌های اعتراضی، خیابان و شهر را تسخیر کردند و سد حضور در فضاهای ساخته شده و ممنوعه را بصورت روزانه با حضور شجاعانه و گسترده خود در خیابان و مراکز اجتماعی و فرهنگی شکستند. و بدین ترتیب علناً و عملاً علیه سلطه و قوانین آمرانه حکومت ایستادند. بسیاری از خیابان‌ها از طریق حضور روزانه و انجام کارهای روزمره عادی زندگی به تسخیر زنان و دختران جوان در آمده است و بخش‌های مختلف و مهمی از جامعه از مبارزه شجاعانه و برحق زنان برای دفاع از حضور آزاد و متنوع خود و دیگران در خیابان و دیگر مراکز اجتماعی حمایت می‌کنند و می‌دانند در آینده‌ای نه چندان دور، روزی فرا خواهد رسید که شهرها در اختیار شهروندان آزاد قرار خواهد گرفت و همگان از آزاد شدن شهرها از قوانین ضد زن، ضد تبعیض و آزادی ستیزانه رهایی خواهند یافت. این روحیه و امیدواری در جامعه و در خیابانها با مبارزه همه جانبه و روزمره زنان، جوانان و با "ما" شدن علیه سلطه، دیکتاتوری و استبداد امکانپذیر شده است.

پائیز ۲۰۲۲

